

ژوندون

مجله عقلمی - شنبه ۲۷ میزان ۱۳۵۳
شماره ۳۱۳۰

Ketabton.com

رئیس دولت و صدر اعظم فرموده اند

نظام جمهوری مصمم است به همکاری مردم

مشکلات فقر، بیماری و بیسوادی را رفع نماید

اوراق حاوی سهول جمعیت به همکاری ترافیک به تمام عراده جات شامل سرویس ها ، تکسی ها و بوس های شهری تو زیع میگردند و سینما ها و تئاتر های مرکز و ولایات مبلغی به تکت های شان افزوده و عواید آنرا بحساب جمعیت انتقال خواهند داد.

جمعیت افغانی سره میاشت در جریان هفته مخصوص معادل اضافه اذو ملینون و ششصد هزار افغانی لباس ، ادویه مواد درسی ، شیر و برترین ماهی به شاگردان مستحق معارف و برترین بیضاعت و محبوبان مسا عدت می نماید.



شاهلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم و حامی جمعیت افغانی سره میاشت.



اعلیحضرت شهید سعید محمد نادرشاه روح نجات بخشای وطن (سرمقاله ص ۸)

بایام شاهلی محمد داود رئیس دولت و لست پوئنه و لیسو ها و مکاتب مرکز و ولایات برگزار و صدر اعظم و حامی جمعیت افغانی سره میاشت می گردد.

در طول هفته مخصوص عمارات سره میاشت کتیب ۲۳ میزان از رادیو افغانستان نشر گردید هفته مخصوص سره میاشت از ۲۴ میزان در سراسر کشور آغاز شد.

به مناسبت تجلیل ازین هفته و ذرا ی عدلیه، معارف، صحیه و اطلاعات و کلتورو همچنان رئیس هاشم زینتون بیانیه هایی از طریق رادیو افغانستان ایسرا د خواهند کرد.

مصایب طبیعت از قبیل جنگ ، بیماری و دیگر حوادث ناگوار که هر کسدام آن بذات خود برای انسان مصایب وآلام رابار می آورد جلو گیری نمایند در همچو مواقع سهم گرفتن اشخاص نزع دوست و باعاطفه میتواند تاحدی از آلام روحی آسیب دیدگان بکاهد و آرامش روحی بخشد .

تاسیس جمعیت های خیریه که بمنظور کمک و رسیدگی بحال بینوا یان و مصیبت رسیدگان بهمان آمده از احساسات نوع دوستی مردم سر چشمه میگردد . من یقین دارم که هموطنان عزیز و با درد ما بخوبی ازین وظیفه انسانی خویش آگاه اند و موسسه خیریه سره میاشت را در اجرای وظایفیکه بحیث یک خدمتکار ملی و بین المللی در برابر هموطنان و هموعان بر عهده دارد یاری میکنند .

بقیه در صفحه ۶۳

پیام رهبر ملی ما بنیاغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم به مناسبت هفته مخصوص سره میاشت

عالی اسلامی و عواطف انسانی خویش به کمک در ماندگان و بینوایان بشتابند از پا افتادگان دستگیری و از دلشکستگان دلچزنی نمایند تا با سهم گرفتن درین امر رضای خالق و آرامش روحی را حاصل دارند .

در عصریکه ما زندگی داریم بایشرفست علم و تخنیک بسیاری از مشکلات جوامع بشری حل گردیده و بسیاری از دشواری ها از بین بر داشته شده اما با اینهم بشر موفق نگردیده در مقابل آفات و حوادث سماوی و

هموطنان عزیز .

مسروم بمناسبت هفته مخصوص سره میاشت تمنیات قلبی خود را برای خوشبختی مردم نجیب ما و اعتلای افغانستان عزیز ابراز نمایم .

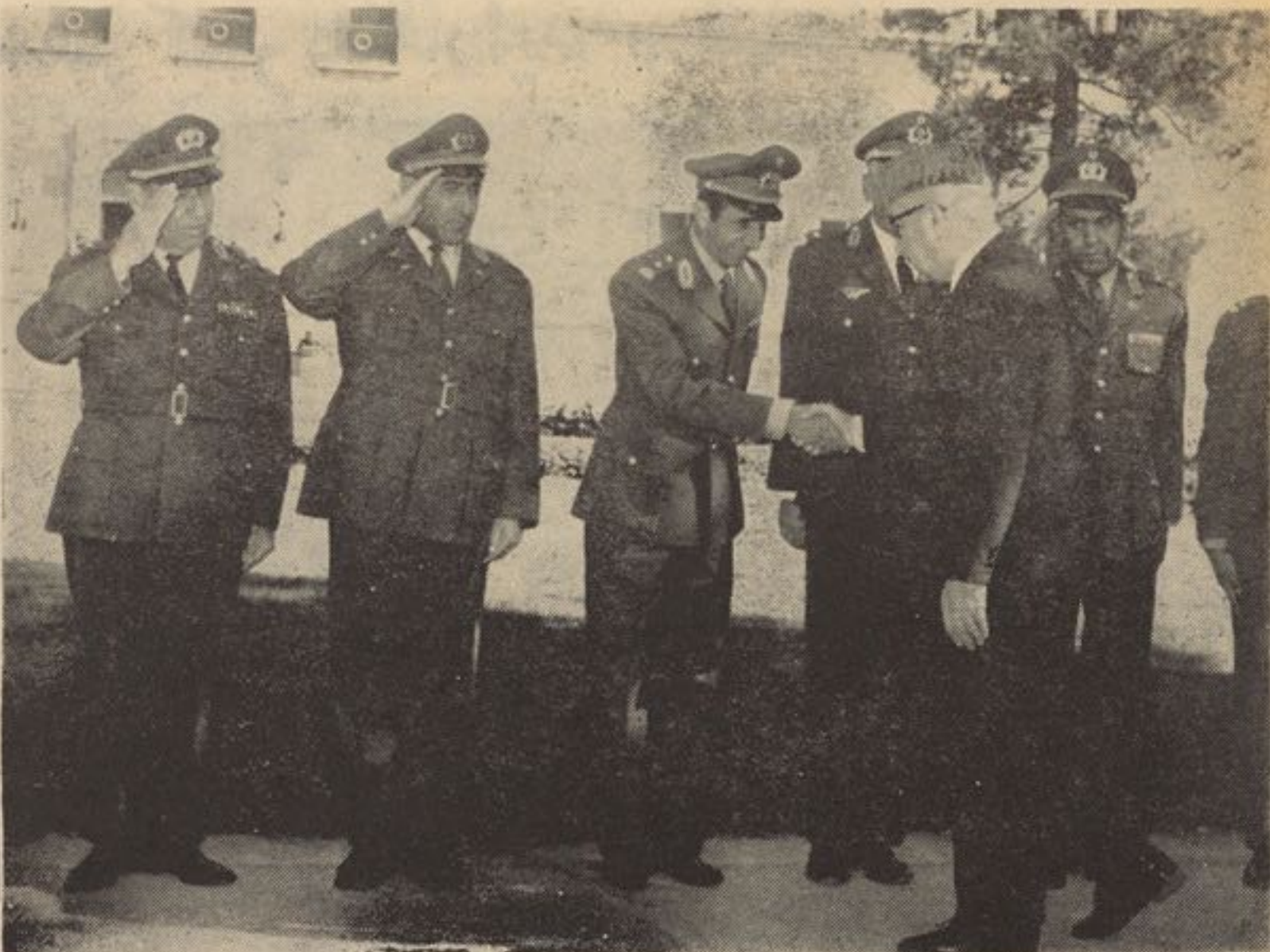
خواهران و برادران گرامی هفته که بنام هفته مخصوص سره میاشت همساله در وطن عزیز ما شناخته شده برای مردم ما بهترین فرصتی است تا با پیروی از تعالیم

همچنان در خلال این هفته روزنامه های مرکز و ولایات بانشر سرمقاله ها، مقالات و مضامین و همچنان رادیو افغانستان با بخش پروگرام های خاص از هفته مخصوص سره میاشت تجلیل بعمل می آوردند .

بموجب پروگرام مرتبه اداره مرکزی جمعیت افغانی سره میاشت به مناسبت هفته مخصوص جمعیت محافلی در حربی پوهنتون اکادمی پولیس ، موسسه صحت عامه ، میرمنو

صفحه ۴

بناغلی رئیس دولت و صدر اعظم نماز عید سعید فطر را در ارگ جمهوری ادا نمودند



بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم هنگامیکه بروز اول عید سعید فطر باجنرالها و صاحب منصبان اردوی جمهوری مصلحه مینمایند .

بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم ساعت ۹ و نیم صبح ۲۴ میزان نماز عید سعید فطر را با امامت قاری محمد عمر در مسجد جامع ارگ ریاست جمهوری اداء نمودند .

زعیم محبوب ما بعد از ادا نماز برای رفاه و اسایش ملت با شهادت افغان و منصفان ارشد اردوی جمهوری ، مونسوی عبدالصیر رئیس مقام عالی تمیز ، عده از

ترقی و تعالی عالم اسلام دعا فرمودند . در ادا نماز بناغلی رئیس دولت و صدر اعظم دوکتور محمد حسن ششوق معاون صدارت عظمی ، اعضای کمیته مرکزی هیات کابینه عده از جنرال ها و صاحب منصبان ارشد اردوی جمهوری ، مونسوی عبدالصیر رئیس مقام عالی تمیز ، عده از

اعضای شورای عالی قضا والی کابل و کابل نیار وال و بعضی از پشتو نستانی های مقیم کابل اشترک داشتند . بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم پس از آنکه نماز عید سعید فطر را اداء کردند به قصر ریاست جمهوری بقیه در صفحه ۶۳

متن بیانیه بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم بمناسبت عید سعید فطر

رئیس دولت و صدر اعظم فرموده اند... رسیدگی بحال گرسنگان و جیبه دینی و وظیفه اخلاقی همه آنانیکه توانائی کمک را دارند میدیباشد

هموطنان گرامی !

عید سعید فطر را به همه خواهران و برادران و کافه مسلمانان جهان تبریک می گویم . امید دارم که مردم متدین ما درماه مبارک صیام باادای فریضه اسلامی واجابت از او امر الهی رضایت خالق بی نیاز را حاصل نموده باشند . باید بغاظر داشته باشیم که رسیدگی بحال گرسنگان و بی نوایان کشور و جیبه دینی و وظیفه اخلاقی همه انا نیکه توانائی کمک را دارند میباشد یقین دارم شماره ۳۰ - ۳۱

مردم با عاطفه و با درد ما در این مامبارک علاقه بر فریضه دینی این وجیبه اخلاقی و اجتماعی خویش را نیز ادا نموده اند . ایام عید که علاوه از جنبه دینی خاصیت اجتماعی دارد مسلمانان جهان را باهمبستگی خلو من نیست وصفای عقیدت دعوت میدارد روی این فلسفه آرزو مینمایم همه خواهران و برادران هموطن کسورت نفاق و بدبینی هائیکه متاسفانه بعضا سبب بدبختی فامیلها و مردم ما گردیده همه را

کنار گذاشته با صفای عقیده و همبستگی و برادری که آرزوی این نظام جوان جمهوری میباشد ایام فرخنده عید را سپری نمایند .
هموطنان گرامی !
کشور ما برای جبران پسمانی های خویش به سعی و عمل همه جانبه مردم ما نیاز مند است که بر آوردن این هدف جزدر برتو خدمت گذاری صادقانه و ایثار میسر نیست مغضو صا مسوولیتی را که در مقابل خواهران و برادران فقیر و مستمند خود

پیام های تبریکه

بمناسبت عید سعید فطر از طرف بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم پیام های تبریکه عنسوای روسای دول و صدراعظمان کشور های اسلامی فرستاده شده است .

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه ضمن ارائه این خبر علاوه کرده که همچنان ازطرف روسای دولت و صدراعظمان کشورهای اسلامی پیام های تبریکه به همین مناسبت برای بناغلی رئیس دولت و صدر اعظم مواصلت کرده است .

معیاد حبس باقیمانده یکمده محبوسان مورد عفو قرار گرفت

بمناسبت حلول عید سعید فطر معیار حبس باقیمانده یکمده محبوسان سرگز و ولایات کشور مورد عفو بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم قرار گرفته است .

یک منبع صدارت عظمی اطلاع داد که فرمان رعایی محبوسان بوزارت داخله صادر گردیده است تا بهمرأ جمع مربوطه اسلخ گردد .

بزرگان و مشران بلوچ و پشتونستانها تبریکات خود را به بناغلی رئیس دولت و صدر اعظم ابراز داشتند

بزرگان اقوام سالارزی ، ماموند ، چار منگ و انمانخیل باجور ، سایی ، شینوار و خوانزندگان شود کمر ، افریدی ، شینوار ، پسر ی خمکنی و ورتزی ، تیر او خیر ، تمام مشران قومی مومند ، وزیر ، سعید بیتنی ، و دو ر پشتونستان و همچنان کلیه بزرگان و مشران بلوچ و پشتونستانی ها و بلوچ های مقیم افغانستان بمناسبت عید سعید فطر تبریکات صمیمانه خود و اقوام شان را به بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم ، اعضای کمیته مرکزی و کابینه و تمام مردم افغانستان ابراز داشته سعادت ملت افغان و ترفیات ر و ز افزون افغانستان راتحت قیادت رهبر ملی ما بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم آرزو نموده اند .

داریم هرگز فراموش ، تکرده پسر ای رفع نیاز مندی آنان تا حد توان مساعدت نمائیم .

دولت جمهوری از بدو تاسیس تاکنون برای تامین رفاه و سعادت مردم خویش و از بین بردن علل و عوامل فقر و بیچارگی در تلاش بوده و است توفیق کامل در این راه وقتی میسر خواهد بود که مردم ما همه با قبول ایثار و احساس مسوولیت بسا همبستگی کامل در خدمتیکه در مقابل مردم خود بر عهده دارد یاری و کمک نمایند .

در خاتمه باز دیگر این ایام فرخنده را به همه مردمان افغانستان و برادران پشتو نستانی و مسلمانان جهان تبریک گفته از درگاه خداوند بی نیاز سعادت افغانستان عزیز را در برتو نظام جمهوری آرزو و صلح جهان را تمنا دارم .
صفحه ۳

رئیس دولت و صدر اعظم

سفیر کبیر هند را پذیرفتند



ریاست دفتر ریاست جمهوری اطلاع داد که بناغلی کمار رام پر تاب سنگ سفیر کبیر دولت جمهوری هند در کابل ساعت یازده قبل از ظهر روز ۱۷ میزان اعتماد نامه اش را طبق تشریفات معمول به بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم در قصر ریاست جمهوری تقدیم نمود.

درین موقع بناغلی محمد کبیر رئیس دفتر ریاست جمهوری و بناغلی عبدالصمد غوث مدیر عمومی سیاسی وزارت امور خارجه حاضر بودند.

خلص سوانج بناغلی کمار رام پر تاب سنگ سفیر کبیر جدید هند در کابل

بناغلی کمار رام پر تاب سنگ بنا ریخ سوم مارچ ۱۹۲۲ متولد گردیده است. در اپریل ۱۹۴۸ در وزارت خارجه هند شامل خدمت گردیده است. می ۱۹۵۱ سکر تر دوم کمشنری عالی

هند در کراچی، اگست ۱۹۵۳ سکر تر دوم سفارت هند در برین، اگست ۱۹۵۵، سکر تر اول و کفیل کمشنر در کمشنری عالی هند در کانبرا، اپریل ۱۹۵۸ معاون کمشنر در کمشنری وزارت امور خارجه هند، جو لای ۱۹۶۱ شامل کالج دفاع هند، درمی ۱۹۶۲ برتبه معاون

بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم هنگامیکه سفیر کبیر هند را در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند. سکرتری بحیث مدیر وزارت امور خارجه هند، ۱۹۶۸ سکرتر جنرال وزارت امور خارجه هند، در بغداد بناغلی کمار رام پر تاب سنگ متاعل می ۱۹۶۶ های کمشنر هند در کمپالا، سپتمبر از جنوری ۱۹۷۱ تا سپتمبر ۱۹۷۴ سفیر هند بوده دارای چهار فرزند میباشد.

رئیس دولت و صدر اعظم سفیر کبیر یونان را پذیرفتند

ریاست دفتر ریاست جمهوری اطلاع داد که بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم غیر مقیم یونان را در کابل که دوره ماموریتش ساعت یازده قبل از ظهر روز ۱۳ میزان در افغانستان به پایان رسیده بود بزرگای

ملاقات تودیمی در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند.

بر فراز دریای آمو پلی بطول ۹۰۰ متر ساخته میشود

دعوت افطاری از طرف سفیر کبیر عربستان سعودی تر قیب یافته بود

دعوت افطاری شام روزه ۱۵ میزان از طرف بناغلی محمد الاحمد الشیملی سفیر کبیر عربستان سعودی مقیم کابل در منزلش ترتیب شده بود که در آن دکتر محمد حسن شرق معاون وزارت عظمی، بعضی از اعضای کابینه لوی درستیز و عده از مامورین عالی رتبه عسکری و ملکی اشتراک نموده بودند. بعد از افطار فلم مکه معظه و یک فلم عربی دیگری نمایش داده شد.

معاون صدارت عظمی از کومیدی زنان عصبی در کابل ننداری دیدن کرد

این درام که در طول سال جاری سو مین محصول هنری افغان ننداری میباشد توسط دکتر نعیم فرحان ترجمه و دایر کت شده و در آن برجسته ترین هنرمندان افغان ننداری اشتراک گردانند.

کمدی زنان عصبی که مورد علاقه خاص تماشاچیان قرار گرفت تا ساعت ده شب دوام کابل ننداری دیدن کردند.

تیلگرام های تبریکه به قاهره و برلین مخابره گردیده است

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که از طرف بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم تیلگرام تبریکه به مناسبت سالگره پیروزی شش اکتوبر عنوانی بناغلی انور السادات رئیس جمهور و بناغلی عبدالعزیز حجازی صدر اعظم جمهوریت عربی مصر به قاهره مخابره گردیده است.

بناغلی رئیس دولت و صدر اعظم طراین تیلگرام تمنیات نیک خود حکومت و مردم افغانستان را برای سعادت و موفقیت های مزید حکومت و مردم کشور دوست و برادر ما مصر ابراز کرده اند.

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که از طرف بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدر اعظم به مناسبت روز ملی جمهوری دیمو کراتیک آلمان تیلگرام تبریکه عنوانی بناغلی ویلی شتوف رئیس شورای دولتی آکسبور به برلین مخابره شد.

رئیس دولت و صدر اعظم اعتماد نامه

سفیر کبیر غیر مقیم کانادا را پذیرفتند



بنیادنی رئیس دولت و صدراعظم هنگامیکه سفیر کبیر غیر مقیم کانادا را در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند .

دفتر ریاست جمهوری اطلاع داد که بنیادنی کیت ویلیام مک لیلان سفیر کبیر غیر مقیم کانادا در افغانستان ساعت یازده قبل از ظهر روز ۲۲ میزان اعتماد نامه اش را طبق تشریفات معمول به بنیادنی محمد داود رئیس دولت (صدراعظم در قصر ریاست جمهوری تقدیم نمود . درین موقع بنیادنی محمد اکبر رئیس دفتر ریاست جمهوری و بنیادنی عبدالصمد عون مدیر عمومی سیاسی وزارت امور خارجه نیز حاضر بودند .

خلص سوانح بنیادنی کیت ویلیام مک لیلان سفیر کبیر غیر مقیم کانادا در کابل . بنیادنی مک لیلان بتاريخ ۳۰ نوامبر سال ۱۹۲۰ در ایالت کیوبک متولد گردیده است و تحصیلات خود را در یو هتسون های مک گیل مانتریا و نیو کالج اسکورد تکمیل نموده است . موصوف از ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۶ در قطعه پارستونی قوای نظامی کانادا در جیبسه اروپا خدمت کرده است .

بعد از جنگ مدتی در صنایع خصوصی کار کرده در سال ۱۹۵۲ بعیت سکرتر دوم شامل خدمت در وزارت خارجه کانادا گردید . بنیادنی مک لیلان در نمایندگی های سیاسی کانادا در برن لاس انجلس روم وینتیان لندن و بروسل اجرای وظیفه نموده است . بنیادنی مک لیلان در یکمه کنفرانس ها و جلسات بین المللی ذیل از کانادا نمایندگی کرده است .

نماینده کانادا در شورای سازمان خوراکه و زراعت جهان در تاسیس پروگرام مواد غذایی جهان .

در جلسات مختلف موسسه هوانوردی ملکی بین المللی .

در کانسر سیوم های بانک جهانی . در افتتاح شورای مذهبی مسیحی و اتیکان ۱۱ .

در جلسات پلان گولبو .

بنیادنی کیت ویلیام مک لیلان متاهل بوده و چهار فرزند دارد .

بیش از ۴۵ میلیون و ۷۷ هزار افغانی افزایش در واردات ریاست برق کابل

اضافه از چهار میلیون و هفتصد و هفت هزار افغانی در واردات چارماه اول امسال ریاست برق کابل به تناسب واردات چارماه اول سال گذشته آن ریاست افزایش بعمل آمده است . یک منبع آن ریاست روز ۲۱ میزان گفت که مجموع واردات چارماه امسال به پنججاه و هشت میلیون و پنججاه و پنج هزار و سه صد و بیست و هشت افغانی بالغ گردید در حالیکه واردات چارماه اول سال قبل پنججاه و سه میلیون و سه صد و پنججاه و چار هزار و ششصد و دو افغانی شده بود . منبع علت افزایش واردات را توجه در امور تحصیل باقیات جلو گیری از ضایعات و صرفت برق و علاقمندی کارکنان موسسه خواند .

صفحه ۵



دوکتور محمد حسن شرق معاون صدارت عظمی حینیکه سالگره پیروزی شش اکتوبر را به سفیر کبیر جمهوری عربی مصر تبریک میگوید .

به مناسبت سالگره پیروزی شش اکتوبر دعوتی در سفارت عربی مصر ترقیب شده بود

سفارت کبرای جمهوری عربی مصر ساعت هفت شب ۱۴ میزان دعوتی به مناسبت اولین سالگره پیروزی شش اکتوبر دران سفارت کبرا ترقیب داده بود که دران بنیادنی محمد نعیم ، دوکتور محمد حسن شرق معاون صدارت بعضی از اعضای کابینه لسوی درستیز ، مامورین عالی رتبه عسکری و ملکی کابل ، ساروال و کور دیپلوما تیک مقیم کابل شرکت داشتند .

یک تصفیه خانه نفت به ظرفیت یکصد هزار تن ساخته میشود

وزیر معارف عازم پاریس گردید

دوکتور نعمت الله پژواک وزیر معارف و خاتمش بنیاد عوت وزیر معارف فرانسه و

خانوش صبح روز ۱۹ میزان عازم پاریس گردیدند.

قرار است وزیر معارف طی اقامت در فرانسه از موسسات علمی و کلتوری آنکشور دیدن نمود و درباره موضوعات موثره و درعلاقه فرهنگی بین افغانستان و فرانسه مذاکراتی با مقامات مربوط آنکشور انجام دهد.

وزیر معارف متعاقباً در عید همین جلسات

کنفرانس عمومی یونسکو که بتاريخ ۲۵ میزان در پاریس دایر میگردد نیز شرکت خواهد کرد.

دوکتور پژواک ریاست هیات دولتی

جمهوری افغانستان را در این کنفرانس بعهده دارد. اعضای هیات افغانی بعد از پاریس خواهند رفت بعضی از اراکین وزارت معارف شارژ دافیر و اعضای سفارت کبری فرانسه مقیم کابل برای وداع با وزیر معارف در میدان هواپیما بین المللی حاضر بودند.



رئیس بلان وزارت معادن و صنایع و مستشار اقتصادی سفارت کبری اتحاد شوروی هنگام اعضای استناد همکاری بین افغانستان و اتحاد شوروی.

استناد همکاری بین افغانستان و اتحاد شوروی برای آماده ساختن استفاده و انتقال نفت معدن انگوت واحداث یک تصفیه خانه به ظرفیت سالانه یکصد هزار تن با دقت نظر داشت توسعه آن به تناسب ذخایری که در آینده کشف می گردد قبل از ظهر روز ۱۸ میزان در کابل امضاء رسد.

درین موقع پوهاند عبدالقیوم وزیر معادن و صنایع بناغلی علی احمد خرم و زیر بلان بناغلی الکساندر میخائیلوویچ و سچ پوزانوف سفیر کبری اتحاد شوروی در کابل حاضر بودند.

استاد را از جانب افغانستان بناغلی عبدالسمیع زمان رئیس بلان وزارت معادن و صنایع و از طرف اتحاد شوروی بناغلی تیتوف مستشار اقتصادی سفارت کبری اتحاد شوروی در کابل امضاء کردند.

یک منبع وزارت معادن و صنایع گفت با تثبیت معدن نفت در شمال کشور توسط متخصصین افغانی و شوروی که دو اعشاریه هشتاد و هشت میلیون تن ذخایر آن کابل استخراج می باشد در نظر است در ساحه معدن تصفیه خانه احداث گردد.

منبع اضافه کرد با تطبیق پروژه تصفیه نفت اساس دوساحه جدید صنایع استخراج مواد نفتی و تصفیه آن در کشور گذاشته می شود و تولیدات بنزین، تیل خالص، دیزل از نفت و غیره در داخل کشور میسر می گردد.

اعضای این استناد قدم دیگری در راه استفاده از منابع طبیعی افغانستان پدید نظر داشت ارتقاء سطح اقتصادی کشور میباشد که از اهداف عمده سیاست دولت جمهوری محسوب می گردد.

ملاقات تعارفی با وزیر عدلیه

بناغلی عبدالبهیر سفیر کبری اندو نیز بااعت یازده قبل از ظهر روز ۱۴ میزان با دوکتور عبدالمجید وزیر عدلیه و لوی خارنوال ملاقات تعارفی بعمل آورد.

افغانستان بهتر دانست که مسئله پنبه و نستان از طریق صلح آمیز مطابق به خواسته های خود مردم پنبه و نستان و بلوچ حل شود

بیانیه بناغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه در جلسه کامله مجمع عمومی ملل متحد

اعضای جدید آتیه برای موفقیت تمنا میکنند و انتظار همکاری متمر با ایشان را درین سازمان داریم مطمئن هستیم که در راه صلح و ترقی گیتی سهم آنان

کوشش های مبارکشان تر خواهد شد

برای هیات من جای مسرت خاص است که همسایه مادرین منطقه یعنی جمهوری مردم بنگله دیش کرسی

قانونی خود را درین سازمان بین المللی احراز میکند.

مردم افغانستان با مردم کبری مان بنگله دیش علائق محکم دوستی و برادری صمیمانه دارند ظهور بنگله دیش بعیت یک ملت آزاد

شناسایی حقوق ذاتی مردمان و حقا یق

حاکم برین منطقه را که مدتها انتظار برده می شد منعکس میسازد.

بقیه در صفحه ۸ ژوندون

بستیانی مینماید ما مطمئن هستیم که دوکتور کورتوالد هابیم سرمنشی عمومی ملل متحد برای تجسس امکانات حل ساخت

بهران های موجوده مبلول مینماید، برای هیات من جای مسرت خاص است که همسایه مادرین منطقه یعنی جمهوری مردم بنگله دیش کرسی

همچنین آرزو مندیم با اگتنام این از هیات جمهوری افغانستان و قانونی خود را درین سازمان بین المللی احراز میکند.

فرصت مراتب امتنان عمیق هیات یعنی جمهوری مردم بنگله دیش، گیتی بلساو و مگرانادارا درین ما خوش بنگله دیش علائق محکم دوستی و برادری صمیمانه دارند ظهور بنگله دیش بعیت یک ملت آزاد

مخصوصاً ششم مجمع عمومی را با دقت و مهارت اداره نمودیم اظهار کرم آرزو داریم از گاردانی و فراست وی که از خود نشان داد، صمیمانه تقدیر کنیم همچنین میخواهیم قدر دانی عمیق خود را از مساعی خستگی ناپذیر یکه بناغلی جهانی همواره حمایت گردیده برای

اصول و اهداف منشور ملل متحد جدا

مستقیم مبارزه پیگیر مردمان ششم حاکم برین منطقه را که مدتها انتظار برده می شد منعکس میسازد.

بقیه در صفحه ۸ ژوندون

سالگره نزول قرآن کریم تجلیل گردید

سالگره نزول قرآن عظیم الشان روز ۲۰ میزان ضمن احتفالاتی در پوهنتون کابل و بعضی از مساجد ولایات کشور تجلیل گردید.

در محفل کابل که به مناسبت این روز خجسته از طرف پوهنتون کابل ترتیب شده بود بعد از افطار شام آیاتی چند از سوره های قرآن کریم توسط قاریان افغانی و مصری قرائت شد و بناغلی اسدالله معاون پوهنتون پوهنخی شریعت بیایه راجع به قدسیت این روز فرخنده و تعالیم قرآن مجید ایراد نمود.

درین محفل پوهاند دو کتور نوین وزیر اطلاعات و کلتور معین های وزارت عدلیه و معارف غده از اعضای شورای عالی قضا ، علما ، رئیس پوهنتون ، روسای پوهنخی ها و سفرای کبیر بعضی از کشور های اسلامی مقیم کابل محصلین پوهنتون اشتراک داشتند.

در ختم محفل دکتر محمد حیدر رئیس پوهنتون کابل تحایفی از پیدای وطن به قاریان مصری اهدا نمود.



قاریان افغانی و مصری در محفل کابل که به مناسبت نزول قرآن عظیم الشان در پوهنتون کابل ترتیب شده بود.

معین سیاسی وزارت امور خارجه به کابل مراجعت کرد

بناغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت خارجه که ریاست هیات دولت جمهوری افغانستان را در بیست و نهمین جلسات مجمع عمومی ملل متحد بعهده داشت پس از اشتراک در این جلسات قبل از ظهر ۲۵ میزان بکابل مراجعت کرد.

بناغلی وحید عبدالله در نوبت یازدهم بناغلی بوتیلقه وزیر خارجه الجزایر و رئیس جلسات فعلی مجمع عمومی ، دو کتور کورت والد هایم منشی عمومی ملل متحد و زوای خارجه یکمده کشور های که در جلسات ملل متحد اشتراک داشتند ملاقات نموده و مذاکراتی بعمل آورده است.

همچنان معین وزارت امور خارجه طی بازدید از واشنگتن بناغلی انگر سول وکیل وزارت خارجه امریکا و یکمده از سناتوران بشمول سناتور مایک منسفیلد و چارلز پرس و سناتور جان سپارک من رئیس کمیته روابط خارجی سنای آکسور ملاقات نمود.

بقیه در صفحه ۶۳

سیمینار مولینا جلال الدین بلخی پایان یافت

آخرین جلسه سیمینار مولینا جلال الدین بلخی ساعت نه قبل از ظهر روز ۱۴ میزان تحت ریاست پرو فیسور خانم اناماری شمیل دانشمند المانی در سالون کنفرانسهای رادیو افغانستان دایر شد.

در این جلسه سخن از مولینا شناسان افغانی مقالات و مضامین شانرا تحت عنا و بن مولینا ، اندیشه مولینا ، شاعر اندیشه و معنی

عشق در شعر مولینا قرائت کردند که طرف دلچسپی شاملین سیمینار قرار گرفت.

در ختم از تدویر سیمینار که به مقصد حفظ میراثهای فرهنگی صورت گرفت اظهار امتنان شده و مخصوصا از وزارت اطلاعات و کلتور که رول مستقیم در دایر ساختن سیمینار داشت تشکر بعمل آمد.

همچنان پرو فیسور اناماری شمیل که ریاست این جلسه را بعهده داشت ابراز مسرت نمود از اینکه برای شناختن مردان فرهنگی و ادبی افغانستان چنین اجتماعاتی برگزار میشود.

بمناسبت تدویر این سیمینار نسخ خطی آثار مولینا جلال الدین بلخی بصورت علیحده در کتابخانه نسخ خطی جمع آوری شده و این قسمت بنام نسخ خطی مولینا بلخی مسمی گردید.

پوهاند دو کتور نوین وزیر اطلاعات و کلتور و شاملان سیمینار بعد از ظهر این آثار دیدن کردند.

مجموعه نسخ خطی آثار مولینا جلال الدین بلخی جزء آثار تاریخی و نسخ خطی است که برای آرشیف ملی افغانستان جمع آوری شده است.

یک منبع کتابخانه عامه گفت مجموعه آثار جلال الدین بلخی تاخیر میزان برای بازدید علاقمندان باز است.



پوهاند دو کتور نوین وزیر اطلاعات و کلتور و شاملان سیمینار از کتابخانه نسخ خطی که آثار مولینا جلال الدین بلخی جمع آوری شده و بنام نسخ خطی مولینا بلخی مسمی گردیده دیدن میکنند شماره ۳۰ - ۳۱

کنسرت هنرمندان امریکایی در تالار رادیو افغانستان



پوهاند دوکتور نوهن و زیر اطلاعات و کلتور هنگام مصافحه بایکی از اعضای دسته موسیقی جوپلی سنکرز.

دسته موسیقی هنرمندان جوپلی سنکرز لاس آنجلس ایالات متحده امریکا ساعت هشت و نیم شب ۱۶ میزان در تالار بزرگ رادیو افغانستان کنسرتی اجرا کردند. در این محفل که ساعت ده و نیم شب دوام نمود بعضی از اعضای کابینه، لوی درستی، بعضی از مامورین عالیترتبه عده ای از سفرا و اعضای کوردیپلوماتیک مقیم کابل با خانم های شان و تعداد زیادی از علاقمندان اشتراک نموده بودند.

موسیقی سیاهپوستان امریکا پدیدآورنده است که بیحد یک تال فریاد، احتجاج و نوحه گری آغاز گردیده است.

هنرآواز خوانی این مردم گاهی شکل تفریحی دارد و زمانی هم یک احساس مذهبی و دینی را تبارز میدهد.

در این کنسرت که دایر کت آنرا البرت جان مکینل بعهده داشت پارچه هایی از سرودهای مذهبی، سرودهای ملی و سرود های تفریحی توسط سرایندهگان جوپلی سنکرز لاس آنجلس سروده و نواخته شد که با کفزدن های ممتد تماشاچیان بدرقه گردید و مورد استقبال گرم قرار گرفت.

در ختم کنسرت پوهاند دوکتور نوهن وزیر اطلاعات و کلتور دسته های گل را به سرایندهگان شامل کنسرت طور هدیه تقدیم نمود.

نطاق وزارت امور خارجه ادعای بوتو را رد کرد

نطاق وزارت امور خارجه در جواب سوال یاختر آژانس راجع به این ادعای ذو الفقار علی بوتو صدراعظم پاکستان که معین سیاسی وزارت امور خارجه افغانستان به نمایندگی روزنامه واشنگتن پوسٹ گفته است در صورت انحصار بین افغانستان و پاکستان اتحاد شوروی و هند بطرفه افغانی افغانستان مدخله خواهند کرد گفت که این ادعا ناشی از تغیلات بناغلی بوتو ساخته و بافته ذهن خود اومیباشد.

نطاق گفت چون متن کامل مصاحبه معین سیاسی وزارت خارجه افغانستان با نماینده واشنگتن پوسٹ قبلا نشر شده مطالعه این متن بی اساس و جعلی بودن گفتار صدراعظم پاکستان را ثابت میسازد.

نطاق افزود که چنانچه افغانستان بارها گفته یگانه راه حل اختلاف سیاسی افغانستان و پاکستان راه مذاکره بدون قید و شرط با وسایل مساومت آمیز میباشد و تا جائیکه به افغانستان تعلق دارد به مساعی همیشگی خود درین طریق ادامه خواهد داد.

نمایندة وزارت خارجه ادعای مجله نیوزویک را رد کرد

نطاق وزارت خارجه با اشاره به این ادعای مجله نیوزویک شماره ۳۰ سپتمبر ۱۹۷۴ که مقامات اتحاد شوروی در انقلاب سرطان ۱۳۵۲ افغانستان دست داشتند به نماینده یاختر آژانس گفت: لازم میدانم تصریح کنم که این خیال بافی بی اساس را اداره جاسوسی امریکا سی. ای. ا. جهت تیره دسایس شوم خود و پوشانیدن این اعمال ناشایسته که به آن اقرار هم کرده

بقیه صفحه ۶

افغانستان بهتر دانست که

ناگوار فقط در آخرین ساعات جلوگیری شده است معهدا نازمانیکه شرایط اساسی برای تأمین امنیت و صلح دوامدار در سراسر جهان بدست نیامده، ترس از تجاوز و مخاصمات بین المللی باید نزدیک همه ما موجود باشد.

علاوتاً حقوق غیر قابل تفکیک مردمان برای استقلال و حق تعیین سر نوشت و رهائی از سلطه خارجی و اشغال و استثمار بیگانه کاملاً تحقق نیافته است ازین رو صلح و امنیت بین المللی صرف بصورت یک آید یال باقی

حکومت من میخواهد همدردی خود را نظر به مصایب طبیعی که در یسن اواخر بر مردمان آسیب د یسه ه هاندوراس وارد شد، بحکومت هاندوراس اظهار نماید. ما از کوشش های جامعه بین المللی بمنظور کمک به آسیب دیدگان طوفان پشتیبانی میکنیم.

بناغلی رئیس!

وظیفه اساسی این سازمان جهانی محافظت صلح و امنیت بین المللی است ۲۹ سال از پایان جنگ دوم جهانی سپری شده و تاکنون از جنگ دیگری اجتناب بعمل آمده اگرچه در بعضی موارد از حدوث وقایع

مانده که برای حصول آن این سازمان جهانی بیپوده به مساعی خود ادامه خواهد داد.

ما امیدوار بودیم که در جریان دهه هفتاد عصر جدید توجه بحقایق طلوع خواهد کرد و لی مشنا عده می کنیم که هر وقت امکان صلح دریک منطقه بوجود می آید جنگ در ناحیه دیگری بروز میکند. در شرق میانه باوجود بعضی موفقیت هائیکه برای جدا ساختن عساکر مصری، سوریه و اسرائیلی حاصل شده، صلح پایدار هنوز هم بدست نیامده است ما عقیده داریم که صلح عادلانه و پایدار در شرق میانه صرف در صورت تخلیه کامل اسرائیل از سر زمین های عرب، بر سمیت شناختن حقوق مشروع مردم فلسطین و اعاده بیت المقدس به حاکمیت عرب، حاصل شده می تواند. داعیه اعراب از پشتیبانی تمام آنها نیکه با اصول حقوق بشر و پرنسیب های مندرجه منشور ملل متحد پاینده هستند، برخوردار می باشد.

جامعه بین المللی برای جبران اشتبا هائیکه هنگام تقسیم فلسطین در سال ۱۹۴۷ صورت گرفت مسئولیت خطیری را بر عهده دارد در مورد آن رویداد اسف انگیز ما عین مسئولیت را بر عهده داریم و جدا آرزو میکنیم که مساعی دیپلوماتیک که قرار است در آینده قریب دوباره از سر گرفته شود طرق حل برای صلح دوامدار در شرق میانه را بیار آورد. معذالک اعاده حقوق حقه مردم فلسطین در هر حال شرط قبلی برای استقرار صلح منصفانه و پای دوام در شرق میانه میباشد.

مبارزه مشروع و قانونی مردم دلاور فلسطین برای پس گرفتن سر زمین غصب شده ایشان قسمتی از مساعی مردمان سر تاسر جهان را علیه تسلط بیگانه تشکیل میدهد. هیات افغانی درج یک آیتام

بقیه در صفحه ۳ ژوندون

ژوندون

شنبه ۲۷ میزان مطابق ۲ شوال المکرم پر ۱۹ بر ۱۹۷۴ - اکتوبر ۱۹۷۴

عید سعید فطر

روزهای عید سعید فطر از جمله ایسام خجسته ایست که مسلمانان جهان بعد از ادای فرایض و اوامر پر حکمت الهی در طو له ماه مبارک رمضان بانهایت شادمانی استقبال مینمایند.

مردم متدین ماکه به پیروی از اساسات دین مقدس اسلام فرایض دینی خویش را در ماه مبارک رمضان بجای آورند ایام فر خنده عید سعید فطر رانیز مانند دیگر ایام متبرک اسلامی به گرمجوشی بر گذار مینمایند.

رهبر بزرگ ما بناغلی رئیس دو لست و صدراعظم دریکی از بیانات شان به اهمیت و ارزشهای ماه مبارک رمضان اشاره نموده میفرمایند:

«برگزاری ماه مبارک رمضان نه تنها برای ملت افغانستان بلکه برای جمله مسلمانان متقهر تواضع، تسلیمی به خالق بی نیاز و احترام عمیق اوامر خداوند بزرگ است...»

فراغوش نباید کرد که مسلمانان چپا ن وظیفه دارند که در موقع بر گزاری اعیاد مذهبی خویش بر علاوه جنبه های دینی باید پهلوهای اجتماعی آنها نیز در نظر داشته باشند. در موقع استقبال از چنین ایام متبرک ضمن ابراز شادمانی و بجا آوردن مراسم معمول وظیفه ایمانی هر فرد مسلمان است تا به آن عده هموعان بیچاره و غریب خود باندیشد که توان بر گزاری چنین ایام فر خنده را نداشته و بعالت رقت باری حیات بسر می برند.

در کشور عزیز ماکه با استقرار نظام مردمی جمهورییت تسهیلات خوبی برای رفاه و آسایش مردم مامیا گردیده است در واقع وجایب اسلامی و انسانی مادرراه بهبود وضع اجتماعی کشور مایبشتر از هر وقتی سنگینتر شده است.

مادر حالیکه عید سعید فطر را به تمام وطنداران گرمی و مسلمانان جهان تبریک میگویم آرزو مندیم تمام مردم تر قیغو اما در راه بر آورده شدن اهداف پاک ملی و خدمت به مردم از هیچگونه کوشش در یغ نمانند.

دتلی ۲۳ یاد وطن د نجات ورخ

د تلی میاشتی ۲۳ نیته زمونږ د هیواد د نجات دورخی سره سمون دولود دن نه ۱۶ کاله دمغه زمونږ هیواد د کورنیو شخړو او لانجو له امله دیولې نا کړا دیو سره مخامخ و او په هره لحظه کې ددی ویره موجود وه چی خدای نا خواسته زمونږ ملی موجودیت ته زیان ورسیده همدی امله داعلی حضرت محمد نادر شاه شپید دنورو وطن پرستو عناصرو په ملا ترملی قیام وکړ او په دی تو که هیواد دهغه ستر خطر نه وژغورل شو. او همدا موقع وچی د هیواد نه دبید مرغی او ناکراری کمبله ټوله شوه او دکور نیو شخړ ولا نجویی اتفالی اوناکراری خای یووالی ورورگلوئی اوبسیا ژو نده و نیو او دیو مترقی سرلوئی افغانستان د جوړیدو او پایبست دپاره لار اواره شوه نو ځکه افغانان دحسق یز ټو نکو او قدر منو عناصرو په حیث دتلی میاشتی دغه درنه او دپت نه ډکه ورخ هرکال په خورا مینه نما نغی او داعلی حضرت محمد نادر شاه شپید او دده دصادقو او وطن دوستو ملگرو دویاې نه ډکه کار نا موباندی فخر گوی.

هو لکه څرنگه چی ۱۶ کاله دمغه زمونږ هیواد بولې اجتماعی اوسپاسی کر کیچو سره مخامخ و په همدی تو که په تیرولسو کالو کې زمونږ هیواد د اجتماعی، اقتصادی ستونزو او ناکراریو سره مخامخ وچی ددی حالت دوام زمونږ ملی ژوند ته زیان رساوه نولمدی امله و طن پرستو او صالحو عناصرو تصمیم ونیوه چی دغه ستونزی اونیمگرتیاوی چی اجتماعی ژوند ته یی زیان رسولی وله مینغه یوسی نو هغه و چی دتیر کال د جنگا بن په ۲۶ نیته زمونږ دملی مشراوژده تهراتیر خوا خوری بنا غلی محمد داود په پاتی په ۶۲۴ مملکی

مطالعات عمده



کر م پیله تقریباً از ۴۵۰۰ سال قبل به اینطرف درجهان شناخته شده است.



میز ملور ژوندون در خدمت خانواده های هلمند



از ساعت ۸ تا یک بعد از نیمه شب.



ع. حبا

ارزش های جهانی اسلام

پیوسته به گذشته

هم نرویم و اوضاع اجتماعی و سیاسی جهان را، جهانی که اوج گیری علم و دانش بشری پای انسان را بروی سطح قیصر گذاشت، تحت مطالعه قرار بدیم در برخی از قسمتهای جهان بیشتر فته ماحتی امروز هم این موضوع همان گرمی هزار سال پیش خود موجود پیش راحفظ کرده است اما اسلام همیشه وارد جهان انسانها گردید با ارزشات متین و جهانی خود کما این امتیازات بیجا و این هیا هوی بی اساس نژاد پستندی و قبیله خواهی را از ریشه بر انداخت و بر روی آن خط بطلان واضمحلال کشید و برای انسان که عهده دار خلافت در روی زمین است اکیدا رهنمایی و خاطر نشان ساخت که وقتی میتوانند کشتی انسانیت را بسا حل نجات بکشاند و وظیفه خلافت را بدرستی و موفقانه انجام دهد که مطابق باین فرمول ها و اساسات اسلامی رفتار نموده و برای گسترش این اصل بلند قدر اسلام جدو جهد بخرج بدهد.

و چون ایشان بدروازه قصر رسیدند بسیار خواستند دستور داده شد بزرگتر ایشان باریا ب شود و عرض مطلب نماید و چون بزرگتر شان بحیث نماینده داخل گردید، حکمروا باششم برنا طر خود صدا زد که این سیاه و این موجود نا دیدنی را چکر نه بحضور من بار دادی زود باش از نظرم دورش نهامه طالت دیدنش را ندارم و بر من چه عاری بزرگتر ازین که قیافه ای با یسن سیاهی و زشتی در برابر من فراد بگیرد و با من حرف بزند.

آن سیاه گفت اگر مسئله سیاهی من مطرح باشد و موضوع رنگ و زیبا بی اهمیت بدیم پس آنها بیکه یا بن آمده اند سیاه تر از من اند در حالیکه مسئله مورد بحث چیز دیگر است که آن اصل ربطی بموضوع این صحبت ندارد و آن عیار تاز ارزش ها و واقعیت های عالمی اسلام است.

همچنان میدانیم که حضرت پیا میر اسلام شخصی را بنام بلال ازان گوی خود مقرر کرده بود و او از همین سیاهان بود که در روز پنج بار بر فراز منار هابالا میرفت و با صدای روح انگیز خود مردم را بسوی نجات فرا میخواند. در یکی از روزها موقعی که او اذان میداد شخصی او را دید و گفت عجب است مگر در تمام مردم کسی دیگر موجود نبود که این ناع را بایسن و طیفه موطف ساخته اند.

اسلام بدین ترتیب اساس مساوات و برابری را در ارزش ذاتی انسانها بنیاد نهاد و پیروان خویش را تاکید فرمود تا این اصل را در زنده گی خود تطبیق نمایند.

پیا میر اسلام از همان آغاز در کرده بود که عربها بحرب بودن رابر هر چیز دیگر ترجیح میدهند و تفاخر بقوم و نسب را بالاتر از ملاحظات دیگر تصور مینمایند ازینرو بمنظور رد و نگو هس این طرز تفکر

ایشان خطاب بانها فرمود :
(عرب بودن مایه تفاخر و برتری نیست و بلکه عربیت زبانی است گویاو ملتفت بایده بود که اگر انسان اسباب و عوامل فضیلت و برتری را خود بدست خود کسب و فراهم نکند و از طریق انجام اعمال و کارهای نیک و شایسته، افتخار و امتیازاتی کما یسی ننماید، عرب بودن داشتن نسب و قوم اشرف، کدام برتری فضیلتی بوی نخواهد بخشید.)

مایه تفاخر و برتری نیست و بلکه عربیت زبانی است گو

بشهادت تاریخ، بنی نوع انسان هر گونه ناگواری ها و بدبختی هایی را که در کشاکش ادوار مختلف زندگی دیده و کشیده اند قسمت اعظم آن ناشی از همین اصل بی اساس نژاد پستندی و اندیشه های تبعیض نژادی، مطلقوی و قبیلوی بوده است که سران قبا یل و بزرگان وار بابان هر قوم برای اثبات برتری و افتخارات خاص قوم و نژادی شان هموار مسبب مشتعل شدن آتش فتنه و فساد، قتل و قتال و دشمنی های متداوم میشدند و این طرز تفکر بعنوان نشانه غیرت و پایداری بر سر حفظ افتخارات از نسلی به نسل دیگری به میراث برده میشد.

هنگامیکه آیین اسلام در دنیای ماضیور کرد درست موقعی بود که جهان در همین شرایط و تحت همین طرز تفکر و نحوه پیش قرار داشت و از آنجا بیکه دوام این وضع با اساسات و اصول انسانی و جهانی اسلام با هیچنوع سازش و تطابق نداشت از آنرو با صراحت کامل این روش و این طرز اندیشه را مردود نمود و آن را مخالف نام و حیثیت عالی انسانی و آدمی نامسود کرد.

در عصر ما که عصر پیشرفت و دوران ابتکار و موسکافی نیروی علوم و تکنالوژی محسوب میشود این اساسات عالی و بشری اسلام برانندگی و ارزش بخصوصی دارد زیرا در هر جا و هر نقطه ای از جهان که صدای انسا خوش آیند تبعیضات نژادی و برتری های عنصری و قوم بلندی میگردد این واقعیت یا بصورت عملی و یا در شکل یک پذیرش ذهنی در انسانها عرض وجود میکند که جز اسلام هیچ قانونی از قوانین بشری نتوانسته بتمام مفتی، اصول و اساسات متین و ارز شمنندی در زمینه طرد ذهنیت های نژاد پسته و در زمینه تامین مساوات کامل در میان کلیه افراد بشر و در زمینه حفظ وصیالت کرامت و فضایل ذاتی بشری، به پایه اسلام و ضسح نماید.

بقلم: عبدالرحیم عینی

شخصیت های بزرگ اسلامی را معرفی میکند

حضرت عبدالله بن عبدالله بن ابی بن سلول (رض)

شهرت این صحابه ای جلیل القدر در آنست که در راه خدا دوستی پیغمبر اسلام (ص) از تمام منافع خانوادگی گذشته حتی برضد پدر و هم قیام کرد.

نام این شخصیت مهم اسلامی عبدالله بوده و پدرش نیز بنام عبدالله بن ابی سلول (رئیس منافقین) شهرت داشته از مردم انصار و از اصحاب با وقار و از زمره نویسندگان وحی رسول خدا (ص) و ستانان امت پیغمبر اسلام بحساب می آید که بزود پدر واحد و سایر غزوات را با پیغمبر (ص) مشاهده کرده است و پیغمبر اسلام در بعضی از سفرها ایشان و پرا نظریه دانشمندی و داشتن تدبیر امور بحیث نائب خویش تعیین نموده اند.

بندگان خالص خداوندی خوب در می کنند که عقیده فوق همه چیزها بوده شخص با ایمان در راه آن با تمام عزت و شخصیت همه چیز را قربان می کند زیرا عقیده حق خالص خداوند بوده و انسان را آفریده و روزی میدهد و با بدرجات عالی

حضرت محمد (ص) در همین زمینه خطاب بانسانها میگوید: (ملتفت باشید که شما همه از آدم آفریده شده اید و آدم از خاک بود. اندیشه تفاخر را از میان بردارید و یقین داشته باشید که هیچ فضل و برتری لهعرب بر عجم دارد و نه بر عکس و نه سفید پوست بر سیاه پوست دارد و نه هیچ طایفه بر طایفه دیگر، بلکه تقوی و پرهیز گاری است که اساس همه امتیازات و برتری ها را تشکیل میدهد.)

پیا میر عالمقام اسلام این ارزشات خویش را تنها در چارچوب نظر و تیوری محصور نکرده بلکه آنرا عملا در وقت زمان خودش بدست خود از قوه به فعل آورد و در محل اجرا و تطبیق قرار داد و بسوی مثال یابد گفت که عدده زیادی از افراد سیاه پوست و زنجی را در مبارزات خویش موقع داد و عهده های مهمی را نیز بدو و ایشان گذاشت و از همه مهم تر اینکه آنها را با همان و جا هت و چهره هاییکه نژاد پستندان از آن نرفت داشتند و روبرو شدن با ایشان را سبب عار و وطن میدانستند نزدیک خویش جا داد و هم صحبت خاص خود قرار داد و این خود انقلاب بزرگی بود در تاریخ حیات اجتماعی و سیاسی آن روزگار.

پیا میر اسلام بمنظور تحقیق بخشیدن باین اصل که انسانها همه یک انسانند و دارای یک ماهیت ارزش انسانی اند پس اوقات قاصدان دعوت خود را از همین افراد سیاه انتخاب مینمود چنانچه در یکی از پیام هاییکه برای یکی از فرمانروایان وقت فرستاد البته ایامی که او را باسلام دعوت میکرد توسط یکعده از سیاهان صورت گرفت

کوتاه و دلچسپ خواندنی

با آنتونی کوئین آشنا شوید

آنتونی کوئین هنرمند موفق سینمای غرب در سال ۱۹۱۵ در مکزیک متولد شده و در حال حاضر یکی از موفق ترین هنر پیشگان سینما به شمار میرود. در ۲۸ سالگی بخاطر بازی در فلم (زنه باد زاپاتا) و در ۴۲ سالگی بخاطر موفقیتش در فیلم (شهرت زندگی) موفق بدر یافتن جایزه اسکار گردید.

آنتونی مدتی نیز در تئاتر «برودی» فعالیت داشت و در بعضی از فیلم های تلویزیونی نیز شرکت داشت دوبار ازدواج کرده از همسر اول ۴ فرزند دارد و از همسر فعلی اش صاحب سه فرزند است. آنتونی کوئین آدم نسبتاً خود پسند احساساتی و با ظاهری خشن است، به حرف های مردم شایعاتی که پراش می سازند چندان توجهی ندارد. از معروفترین فیلمهای او میتوان ن زورهای یونانی، کوژپشت نوتردام در میامی اتفاق افتاد و ساعت ۲۵ را ذکر کرد.

صنعی برای دو گانگی ها

عجیب ترین صنف درسی جهان در مکتب «ژواکین سکول» از شهر های سانفرانسیسکو است. چرا که این صنف کاملاً متعلق به دو گانگی هاست.

شاگردان این صنف که بیست نفراند و از ده فامیل تشکیل شده اند. خانم «کینمزی» معلم این صنف استثنائی میگوید: «مشکل کار در مکتب های دیگر حفظ کردن نام تمام شاگردانست ولی مشکل کار من در اینست که هر وقت بخوابم و از صنف شوم، مثل آدم های مست همه را دو تا می بینم و بهمین جهت دستور داده ام که هر یک از بچه ها سنجاق مخصوصی روی سینه خود بزنند تا رز بدارد و یا خواهد دو گانگی خود مشخص شوند.



آیا میدانید که...؟

میگویند سر انسان بطور تقریبی سه هزار تار مو دارد، که اگر این مو ها را بصورت طنابی بهم متصل کنند میتوان با آن باری را که در حدود پنج تن وزن دارد از زمین بلند کرد.
سرعت سیر خون در بدن انسان در هر ثانیه ۲۵ تا ۳۰ سانتی متر است.
در سراسر دنیا تقریباً سه هزار زبان اصلی وجود دارد.



جواب هیچکاک

زمانی الفرد هیچکاک از نیویارک به پاریس تلیفون کرد تا با ژرژ سمیون نویسنده مشهور فرانسوی صحبت کند، همسر سمیون پای تلیفون آمد و گفت:
ببخشید آقای هیچکاک شوهرم مشغول نوشتن یک کتاب است و سفارش کرده تا مزا حمش نشوم: هیچکاک با خونسردی گفت: حق دارید، بگذارید کتابش را تمام کند، من گوشه را نگاه میدارم!



برگور گورکن

در ایتالیا روی قبر یک گورکن این جملات را نوشته اند:
(درین مکان کسی آرمیده که نودسال از عمرش می گذشته و نامبرده در طول این مدت برای هزاران نفر قبر کنده است. و این مسلم است که هر کس برای دیگران چاه بکند خورش روزی در آن چاه خواهد افتاد.)

میز مدور ژوندون در خد

تنظیم و نگارش : رووف راصع

زیر نظر گروه مشورتی ژوندون عکسها از : بلالی

باشرکت : عابده نزیب دکتور رهنمای خانواده حدیثه مکمل آمره میر منو تولسه لشکرگاه

صالحه عمری و سیمای عبادی مددکاران اجتماعی میر منو تولسه ها چره انور زی، جنت حور نادری و شبیه جمیلی از انالیه لشکرگاه، سارا حمیدی معلمه کودگستان، شریفه ولی زاده از صنف ۱۱، زکیه احدی از صنف ۱۲، عبدالله رحیمی و حبیبه محمود زی از صنف ۱۲ لیسه مختلط لشکرگاه محمد احسان امان، ضیا گل بلالی و اسدالله یوسفی شاگردان صنف ۱۱ لیسه لشکرگاه

نظارت از: یناغلی محمد عمر فرحت امر اطلاعات و کلتور لشکرگاه، و یناغلی سید محمد یناروال لشکرگاه

ونمایندگان رادیو افغانستان : محمد ظاهر امین مدیر عمومی آخذها و ظاهر عویدا پرودسر

روانشناس و شخصیت های بزرگ فرهنگس و مطبوعاتی کشور عضویت دارند و محتویات صفحات خا نوادگی ژوندون زیر نظر شان تهیه و تنظیم میگردد برای آنکه بر داشت های ما از تا بساها نیهای خا نوادگی درچار چوبه تفکر و قضاوت یک قشر خاص از یک منطقه خاص محدود نمانده باشد، تصمیم گرفت با تدویر این دور های صحبت در ولایات و انعکاس بر داشت ها و نظرات - خانواده های افغانستان در زمینه های مورد بحث این را هیو یی عینی تر عملی گردد که اکنون مادر جریبا نه همین پروگرام در خدمت شما قرار داریم

ما در دور سخن خود در شهر هرات موضوع صحبت رانقد و بررسی محتویات پروگرامهای خا نوادگی و آمو زشی رادیوو نخره نشرات مجله ژوندون در همین بخش خاص قرار داریم و اکنون نیز در همین مورد صحبت خود را در شهر شما و در میان خانواده های شما دنبال میتماییم و یقین داریم نظرات، انتقادات و گفته های شما ماو پر دو سرا ن پروگرامهای خانوادگی رادیو را مددگار خواهد بود که بتوانیم در انعکاس برابلم های خا صر خانوادگی و چاره جو یی آن مو فقتسر

رووف راصع : ضمن سیاس و احترام از فرد فرد شما خانواده های عزیز هلمند که دعوت ژوندون در ا بزیب فتید و در تدویر این دور سخن در ولایت خود ما رآمد نمودید، تکرار این سخن را بیجا نمیدانم که مجله ژوندون بحیث تنها نشریه خانواده های افغانستان از همان آغاز کار خود در زمینه تدویر میسر گردیدند

گروه مشورتی ژوندون که در آن جمعی از بر جسته ترین حقو فدانا ن، متخصصان

رووف راصع : ضمن سیاس و احترام از فرد فرد شما خانواده های عزیز هلمند که دعوت ژوندون در ا بزیب فتید و در تدویر این دور سخن در ولایت خود ما رآمد نمودید، تکرار این سخن را بیجا نمیدانم که مجله ژوندون بحیث تنها نشریه خانواده های افغانستان از همان آغاز کار خود در زمینه تدویر میسر گردیدند

گروه مشورتی ژوندون که در آن جمعی از بر جسته ترین حقو فدانا ن، متخصصان

رووف راصع : ضمن سیاس و احترام از فرد فرد شما خانواده های عزیز هلمند که دعوت ژوندون در ا بزیب فتید و در تدویر این دور سخن در ولایت خود ما رآمد نمودید، تکرار این سخن را بیجا نمیدانم که مجله ژوندون بحیث تنها نشریه خانواده های افغانستان از همان آغاز کار خود در زمینه تدویر میسر گردیدند

گروه مشورتی ژوندون که در آن جمعی از بر جسته ترین حقو فدانا ن، متخصصان



گوشه ای از جریان میز مدور ژوندون در ولایت هلمند

مت خانوادگی هلمند

شما اشنای داشتید پیروگرام - شرایط زندگی مردم و در نقاط مختلف کشور کورنی ژوند و پروگرامهای دیگری که در همین رده نشر میگردد. هنوز هم این پروگرامها در سطح انتظار همگانی مدلی از زندگی همه مردم نیست بلکه خاص یک قشر معین میباشد که صبح ساعت ده از صبح ۱ بیرون می خیزند و نمیدانند صبح رادیوی کشور شما ن چند ساعت

صالحه عوری :

تشریفات دارد. هر چند همین مطالب از نظر فورم خوب تهیه و پرو دیوس میشوند. به نظر من پرو دیو سران پروگرامهای هنر و با صفا و علاقه خواننده های خانوادگی ژوندون باید از نزدیک زندگی مردم، کشور باین نشریه نه تیراژ آن در سطح

بجواب انتقادات، نظرات و پیشنهادات خانوادگی های عزیز هلمند پیرامون پروگرامهای رادیو افغانستان که در همین شماره نشر گردیده است باین منظور که موضوع یکجانبه مطرح نشده باشد و در مقابل گفته های نویسندگان رادیو نظرات و دفاع پرو دیو سران نیز نشر گردد گفتگوی داریم کوتاه و فشرده با شاعری دکتر محمد اکرم عثمان قصه نویس و آمر اداره هنر و ادبیات، شاعری عبدالحمید فیاضی آمر اداره روزنه و میرمن فنیسه نورزاد تهیه کننده پروگرام کورنی ژوند که از نظرشان میگذرد، البته جمعی از تهیه کنندگان پروگرامهای نشریه را در این بحث اشتراک داشتند که ما از همه شان امتنان داریم و امیدواریم این دور صحبت ما برای تهیه کنندگان پروگرامهای مختلف را دیو که واقعا بعد از استقرار نظام نوین کشور و میکوشند بخش های گونه گون نشریات رادیو را به خوبیترین شیوه ممکن هم از نظر فرم و هم از نظر محتوی تهیه نمایند نماید باشد.

دکتر اکرم عثمان :

در مورد انتقاداتی که بیرونی پروگرامهای این اداره وارد آمده است میگوید: رادیو از نظر تقسیم کار و با در نظر داشت محتوی پروگرامها به سه بخش تقسیم میگردد، اطلاع عالی، تربیتی و ادبی و هنری، اداره هنر و ادبیات رادیو بیشتر مسوولیت مرا قسمت و کنترل پروگرامهای را دارد که توسط همین اداره پرو دیوس می گردد و در همین بخش کلمات از نظر معانی آن تغییر نکند و لفظ خواننده نشود، خوب بود آن انتقاد کننده عزیز هلمند بصورت مشخص کلماتی را که از نظرشان غلط خوانده شده است و یا اینکه چند نطق آنها بچند نوع تلفظ نموده اند تا ما میگردیم تا جواب قناعت بخشی برایشان ارائه میگردید در مورد انتخاب پارچه های شعر باید بگویم هیچ شعر نشر نشده باشد ما اهمیت اخلاقی و اجتماعی نیست و اگر انتقاد کننده فکر میکنند هر شعر عاشقانه انحراف است این سخن به معنی نفی صد هادیان و هزارها اثر با ارزش ادبی ما را دارد و پس در بخش داستانهای دنباله دار در همین مدت کم بعد از استقرار نظام موقتی جمهوری در کشور داستان، مرگه رستم، بیژن و منیر، رودا به و زلال، رابعه بلخی، ملا محمد جان، کاکه هار، لیلخاتون، لیلی و جتوون نشر شده است که همه از مفاخر ادبی و فخر لکلوری ما میباشد. در همین رده بالهام از شاهنامه فردوسی و دقیقاً داستانهای نشر گردیده و ژند کینامه های شاعران بزرگ چون رابعه، مسعود سعد جامی و ناصر خسرو بلخی نیز نشر شده است. در مورد اینکه باید نویسندگان و قصه نویسان شناخته شده کشور دعوت به همکاری کردند ما این کار را باز هانموده و باز هم خواهیم نمود. میرمن فنیسه نورزاد تهیه کننده پروگرام کورنی ژوند رادیو بجواب انتقادات و ا رده میگوید:

در مورد بخش جواب پنامه های وارده پروگرام کورنی ژوند محتوی این جوا بسیار همیشه بند و اندرز نیست مگر در مواردی که چیز آن را می وجود نداشته باشد به عنوان مثال وقتی دختر ۱۴ ساله ای می نویسد که من عاشق فلان پسر ۱۶ ساله میباشم چه را می وجود دارد جز اندرز دادن در این مورد که برای او فکر کردن به چنین مسایلی هنوز زود است؟ لطفاً ورق بزنید



کورنی ژوند رادیو در نشریات خود باید مشکلات عمومی خانواده هارا در نظر بگیرد و ما نند گذشته سلسله مصاحبه های خانوادگی این پروگرام را احیاء نماید.

نارسائیه باید در چوکات شرا یط نقد و بررسی گردند و مگر نه نظر ما و انتقاد ما ظالمانه خواهد بود.

تمام رضا کاران اجتماعی باید در زمینه ریسرچ عقاید و جمع آوری نظرات مردم پیرامون نحوه نشریات رادیو و ژوندون سهم فعال بگیرند باید نویسنده گان و قصه نویسان چیره دست و شناخته شده بر رادیو جلب گردند و ژوندون بجای ترجمه داستان های جنایی خارجی راپور های جنایی داخلی را نشر نماید.

در تر تیب یک آهنگ خوب آوازخوان تصنیف ساز، کمپو زیتور و نوازنده سهم مساوی دارند، اما باین دلیل که فقط آواز خوان است که ب مردم معرف میگردد شهرت دیگران نیز نصیب او میگردد.



جریان صحبت درمیز مدور برای وادیو نیز ثبت گردید .

ماگرچه گروه مشورتی نداریم ، اما اغلب در مواردی که نیاز احساس می‌گردد متخصصان حقوق و روانشناسی و یا بخش های دیگر دعوت بعمل می‌آوریم تا کمک های عملی نیز به نویسندگان نامه ها صورت گرفته بتواند از آن گذشته هر هفته تعدادی از شنوندگان این پروگرام تلفوونی با ما درد دل های می‌دارند که ما آنها را دعوت می‌کنیم تا حضو را و عملاً زمینه های کمک به آنها مورد مطالعه قرار گیرد .

گفته شده است که محتوی این پروگرام در حد فهم يك فشرخاص است و دیالوگها نمیوانند عینیت زندگی را تمثیل نمایند در حالیکه این طور نیست مادر همین پروگرام همیشه مطالبی پیرامون مخارج اضافی عروسی ها ، عیدبری ها برای ها ، مراسم ختنه و غیره نشر نموده می نماییم در حالیکه اینها پرابلم های مردم ولایات است و نه از مرکز ، در بخش دیالوگها ما میکوشیم حتی گفت وگویی مثل و مثل که به عنوان زن و شوهر در پروگرام صحبت می نمایند کاملاً نمایانگر زندگی انفرادی خودشان نباشد و پرابلم های تمام اعضای خانواده از زبان آنها نشر گردد ، که در همین بخش صداها نامه وارده از مرکز و ولایات کشور در مورد تایید کار ما نمایانگر این حقیقت هم هست که این پروگرام از يك نشر نیوده ، نیست و مربوط به تمام خانواده های کشور میباشد در مورد استفاده به نحوه تمثیل در این پروگرام نیز قضاوت رابه شنوندگان ما میگذارم .

من بچواب همه انتقادات و نظرات پیرامون این پروگرام يك سخن دارم و آن هم اینکه این پروگرام واقعا خدمتکار خانواده های کشور است و تعداد پیشمار نامه های که ما می‌رسد ، اعتمادی که بنامیشود و تأیید عمومی که از کار ما صورت می‌گیرد هم همین معنی را دارد که شنونده این پروگرام از نحوه خدمت آن راضی است .

و موضوع دیگر هم اینکه بنایه فراهمش گر که رادیو مکلفیت دارد با توجه به ذوق های گونه گون شنوندگان در هر بخش نشراتی داشته باشد .

دکتر اکرم عثمان میگوید :

آنانیکه میگویند رادیو با یسد داستانهای ادبی و تاریخی داشته باشد در طلب تحصیل حاصل هستند .
قبول این موضوع که هر شعرا عاشقانه انحرافی است ضد اخلاق اجتماعی معنی نفی هزار ها دیوان و اثر ارزنده ادبی را دارد .

رادیو از بدو استقرار رژیم جمهوری در کشور و بخصوص از آغاز نشر سیاست فرهنگی وزارت اطلاعات و کلتور نه تنها در نشر داستانهای تاریخی ، تر بیتهسی ، فولکلوری و ادبی کو تاهی نکرده بلکه به مقیاس دوره های قبلی کا ر خلاق و چشمگیر نموده است .

تقاضاست .

زوندون متاسفانه اغلاط طباعتی زیاد دارد و گاه بقیه نوشته در صفحه ای که طبع میشود چاپ نمیگردد ، یا آنها هم این مجله با در نظر داشت با لیبسی نشراتی خود در خانواده های کشور راه خواهد یافت و با اصلاح معایب کتونی خود از نظر کاغذ چاپ و اغلاط طباعتی ده ها هزار خواننده خواهد داشت در مورد پروگرامهای رادیو من نظر گوینده قبلی را تایید میکنم از نظر من در حال حاضر پروگرامهای خانوادگی رادیو در سطح توقع عموم کمتر میتوانند مشکل زدگی عینی خانواده ها باشند .

ها چره انود زی :

از نظر من این شکل قضاوت عادت لانه نیست يك نشریه و یا پروگرام رادیوی برای اینکه بتواند از نظر فرم و محتوی با خواست و ذوق عمومی عیار گردد و همان باشد که همه می خواهند ، محتاج تحقیق و

مکاتبه تماس گرفتیم ، و از ذوق ، نیاز مندی و خواست های خود در همین زمینه در خواستی نمودیم ، این درست که پروگرام های رادیو و مطالب زوندون کمتر با خواست عموم برابر است و یا اینکه مثلاً در قسم و محتوی خود نواقص دارند ولی نارضا ییها باید در چو کات شرایط بررسی و نقد کردند و گونه نظر ما و ایراد ما ظاهر مانده خواهد بود .

محمد احسان امان :

من نظر این گوینده را تایید میکنم و عقیده دارم در قسم اول يك دسته کوچک خا ر زوندویان و خا ر نچو یان میتواند برای رادیو و زوندون کمک نماید و انتقال دهنده نظرات مردم از تمام کشور به این دستگا ههای نشراتی باشد ، فقط کافی است برای اینکه یکمک وزارت معالی معارف و اطلاعات و کلتور پلانی طرح گردد و به تطبیق گشته شود در مورد نحوه فعلی نشرات این دورکن مطبوعات باید بگویم در رادیو غالباً داستانهایی برای تمثیل انتخاب میگردد که نمود های اجتماعی در آن ضعیف است ، در حالیکه مادر تاریخ کشور خود و در ادب کشور خود - روایات و قصه های داریم که اگر برای رادیو پرو دیوس گردد هم آموزنده است هم ذوقی و هم تفریحی

در مورد مجله زوندون نظر من این است که صفحات جوانان و زنان و دختران باید در بر گیر نیاز مندی های نشر خواننده داشت .

هم در مرکز و هم در ولایات باشد و دیگر اینکه بجای اثر جمعه داستان های جنایی راپور های جنایی از واقعات داخلی تهیه و نشر گردد ، بدینگونه بدون شک این مجله باز هم در کار خود موفقتر خواهد بود و خواننده بیشتری خواهد

فهمیه جمیلی :

من نظر خود را هم در مورد رادیو هم زوندون کو تا میگویم و فشرده در پروگرام های کودنی زوندون و بخش تمثیلی آن همیشه در آغاز جنگ است و در فرجام آشتی و تمثیل نیز فاقد جنبه هنری است ، چرا باید همیشه بگویم و مگو های خانوادگی تمثیل گردد ، از کجا اطمینان دارید که همین بخش پروگرام مثلاً جنگ های میان زنان و شوهران را افزا یش نمیدهد ؟ نظر دیگر من این است که بخش مصاحبه های رادیوی باقصه نویسان شاعران ، نقاشان ، ممثلان و در مجموع هنرمندان باید افزا یش داده شود ، انتقادی هم داریم در مورد پروگرام (رادیوی ننداره) و آن اینکه محتوی این پروگرام در این آواخر تکراری است و در پرو دیوس پروگرام نیز مانند گذشته توجه نمیگردد .

در مورد مجله زوندون باید بگویم این مجله هم نوآوری های دارد و هم اشتباهاتی و اشتباه بزرگ اینک بیشتر عکس های هنر پیشه آگان خارجی در پشتی نشر می گردد .

جنت خود نادری :
 در بخش پروگرامهای خانوادگی

پیامهای کوتاه

خواهر ما فدیسه سعادت از لشکرگاه!

های ارسالی شمارا نیز چاپ میکنیم و شما یادآور میگردیم که برای خوب نوشتن و داشتن و مخصوصا با آلتار بر گزیده ادبیات جهان آشنا بود فسه خوب هم آن است که آدمهای فسه هر یک بتوانند از تیب خود در اجتماع نمایندگی نمایند. زبان و کاربرد کلمات شان همان باشد که شخصیت های اصلی آنها بکار میبرند و مخصوصا حوادث فسه عینی باشد و لحظات زندگی در آن خوب ترسیم گردد بامید مو فقت و همکاری های خو بشر و بیشتر شما، شادباشید.

بناغلی برات از لشکرگاه!

بلی درست است نویسنده آن فسه همان شخص است که شما از ایشان نام برده اید. این فسه نویس خوب فعلا میل ندارد معرفی گردد و به همین دلیل با اسم مستعار می نویسد. بقیه در صفحه ۶۱

نظرات شما واقعا هم جالب است و هم ابتکاری. ما آنرا در جلسه هیات تحریر مطرح میما بیم و میگو شیم آنرا بکار بندیم. از توجه شما به محتویات مجله هفتگی کشور خود شما بسیار داریم و باز هم در انتظار نظرات و همکاری های شما میباشیم، شادباشید.

بناغلی حبیب الله و محمد مسرا د از لشکرگاه!

چشم میکشیم آن هنرمند را خو بشر معرفی نماییم مو فقتش زیرا ایشان فعلا در امریکا مصروف تدریس موسیقی افغانی در یک یو هنکسی آن کشور میباشند. الله پارتان

محترمه ظریفه عزیززی از لشکرگاه!

از علا فتما به ژوندون امتنان داریم و نظر شما را نیز در این مورد نا بیدمیداریم که آن غبران به آن شکل درست نیست. البته غلط جایی است و شما هم می بخشید. جدول

های زیادی در هلمند قرار گرفته است.

دکتور س عابده:

مجله ژوندون با آنکه واقعا مجله مردم است و نشریه بی رقیب خا نواده های کشور و صفحات اختصاصی زیادی هم برای گروه های متفاوت خواننده خود دارد که هم آموزنده است و هم ذوقی در بخشی مسایل صحنی اصلا مقاله و مطلبی بچاپ نمی رساند و این یک کمبود محسوس است در محتوی این مجله. در حالیکه خانواده های کشور از نظر صحنی محتاج راهنمایی می باشند و چه خوب است که به جبران این کمبود بعد از این در بخش رهنما یسی صحنی خا نوادگی نیز به کمک دکتوران -

هنکار با این مجله که خودتان گفتید جمعی از ورزیده ترین آنها هم جزء گروه مشورتی شما میباشند مطالبی تهیه و نشر گردد

بقیه در صفحه ۶۱

رادیو با اندازه کافی صحبت گردید و من نمی خوا هم آنرا تکرار نمایم اما من انتقاری دارم در شیوه کار تهیه کنندگان داستانهای شب و پروگرامهای نمایشی رادیو وان اینکه داستانهای پشتو بدری ترجمه می گردد و از دری به پشتو به عنوان مثال داستان آدم خان و دری خان زیاد آور میگردم که ترجمه دری آن خوب صورت نگرفته است گویچه نقل آن خوب خوب بود از آن گذشته آدم هاو گر کتر ها اگر بزبان اصلی شخصیت های فسه صحبت میکنند یا توجه باینکه خصوصیت های عاطفی و لایحه و بیان نیز دیکتر باصل است مو فقت هم می باشد.

در حالیکه در همین بخش مجله ژوندون با واقعیت همگام تر است و داستانهای ایسن مجله هر یک نو دی است از زندگی گروهی و اجتماعی ما و قتل یک تیب خاص از مردم خود ما. گفتن این نکته راهم لازم میدانم که اقدام ژوندون در مورد تدویر میز های مدور در ولایات مورد توجه و علاقمندی خانواده



گوشه از میز مدور ژوندون د ولایت هلمند

ترجمه: ع. ح. ایلمدم

علیشیر نوایی

تاینگای داستان

بهار، زیبایی شهر هرات را دوچند آن ساخته است. خبر باز گشت علیشیر نوایی به هرات و تقرر او به حیث مهربار دولت چون حادثه مهمی در سراسر شهر انعکاس میکند. روزی از روزها، بعد از آنکه نوایی در دیوان حضور می یابد، حسین پایقرا او را نزد خود فراخوانده پیرامون امور مملکت با وی به مشوره میبرد و نظرش را در باره مجدالدین خواستار میشود.

در همین آوان، ابو ضیاء باز رکن معروف خراسان پیشنهاد میکند تا وجوه مورد ضرورت خزانة را بر سبیل مساعدت نقد ببرد و از طریق مشروط بر اینکه بوی صلاحیت داده شود تا وجوه مذکور را از طریق جمع آوری مالیات ولایت هرات، دوباره بدست آورد. این پیشنهاد در اثر وساطت مجد الدین پذیرفته می شود و توغان بیک مامور اجرای این وظیفه گردیده، بیک از دهات وارد میگردد.

عاملان جمع آوری مالیات و زکات با استفاده از غیاب سلطان که به خاطر فرونشاندن بغاوت میرزا یادگار از مرز هرات بیرون رفته است، مخارج کمر شکنی بر رعایا تحمیل میکنند، و این امر موجب خشم و اعتراض آنها میگردد.

حالا در صورتیکه برای تامین پیروزی شما، تمام وسایل و امکانات مهیا باشد، من مشاوره با ستارگان را ضروری نمیدانم شما میدانید که من اهل جنگ نیستم، با آنها نیرو و شرایط هر دو طرف را عمیقاً بررسی کرده ام. اساساً ضرورتی به تردد وجود ندارد. باید صبحگاهان یکجا با بلند شدن لوای خورشید باید درفشهای پیروزی را به اهتزاز در آورید.

حسین پایقرا با هم با همان اطمینان و جدیت حرف زد:

به جنابشان روشن است که در صورت عدم تعیین وقت و ساعت جنگ ممکن است، ظفر رو گرداند و در هر کام مشکلاتی عرض وجود نماید. از همین جهت ارباب جنگ لازم میدانند تا در آستانه جنگ، کار به مشوره منجمان پیش برده شود.

شاید آنها بما اعلان کنند که ستاره بخت ما سفر مارا انتظار میکشد. نوایی تبسم کنان پرسید:

هرگاه منجمان عکس این مطلب را اظهار دارند در آنصورت حضورشان چه تصمیم خواهند گرفت؟ حسین پایقرا مترود نماند:

چاره ای جز انتظار فرا رسیدن ساعت سعد نداریم. فقط همانروزی حرکت خواهیم کرد که ستاره بخت ما در برج سعد باشد.

بیک ها در حالی که گاهی به نوایی و گاهی به سلطان مینگریستند همانطور خاموش نشستند.

نوایی با نهایت نزاکت اظهار داشت:

حضرت خاقان، بمقیده ما باید در هر امری خود را رهنما قرار داد. زیرا انسانها همیشه راه حق را در پرتو نور عقل دریافته اند و گروه هر مشکلی را بیاری عقل گشوده اند.

نوایی نیز در چادر ابریشمین بزرگ، بلند و مجلل، شمعدا نهی طلا را در پیشرو گذاشته، با عدهای از بیک های نزدیک و کار آگاه خود پیرامون (تاکتیک های جنگی) به گفتگو پرداخت. بیک ها که در جریان جنگهای دهشتز ای پیهم و تهاجمات خونین چنگیز بر قاره ها و کشور های مختلف آبدیده شده و بعداً در جریان یورشهای خونین و سهمگین تیمور و استعداد جنگی شکفت انگیز او رشد یافته و بتمام رموز تاکتیک های جنگی آشنایی دقیق داشتند، یکایک با اظهارات و ملاحظات خویش پرداختند و در باره اینکه باید از چه شیوه ای در حمله بر میرزا یادگار استفاده کرد و وظیفه سر لشکری را در بخشهای متخلف اردو به چه کسانی باید سپرد پیشنهاد های مشخصی ارائه داشتند حسین پایقرا که نسبت به هر وقت دیگر بیشتر سر حرف آمده و حواس خود را متمرکز ساخته بود، تدابیر و پیشنهاد های آنها را تأیید کرد و بعد از آنکه حاضرین را یکایک از نظر گذرانید، با نوعی هیجان درونی و نشاط گفت:

حالا سخن فقط بر سر کتاب (ستاره های) آسمان نست، یا اینکه به خط میروم.

اسلم بر لاس با هیكل عظیم بد ریخت، سر پوشیده با کلاه خود را تکان داد و با اینکه آسمان دیده نمیشد چشمان خشم آلود خود را به بالا، به سقف چادر حریر که پوپک ها و دیگر لوازم تجملی از آن آویخته بود، دوخته گفت:

طبعاً... باید دید ستاره ها چه میگویند...

سلطان رو به نوایی نموده گفت: منجمان را نزد خود فرا خوانیم.

نوایی یکایک بسوی تمام حاضرین نظر کرد:

به شهادت تاریخ، چه بسا سفر هایی که بر اساس هماهنگی با عقاید منجمان صورت گرفته، اما عواقب فجیع و نا میمونی داشته است. در اظهارات منجمان، خرافات نسبت بحقایق بیشتر وجود دارد. باز هم تکرار میکنم که باید صبحگاهان به دشمن شکست قطعی داده شود.

بهار بی پیرایه و کم حرف - ذوالنون از غوغای بیک، در حالیکه با انگشتان باریک ریش کم موی خود را بر روی قهر آلود خویش میخارید مثل اینکه از گفتگوی زیاد پستوه آمده باشد، جثه عظیمش را راست نموده، با سینه فراخ نفسی عمیقی گرفت و بر طبق عادت، شبیه حالتیکه خشمگین شده باشد، حرف زد:

سخنان حضرت شاعر بسیار پر معنی است... بارها آزموده ایم. زبان ستارگان، استقرار ندارد، چه بسا که بشارت خنده آنها، به گریه مبدل گردیده است.

حسین پایقرا در حالیکه دستخوش تردد، در اندیشه فرورفته بود، نوایی دلایل خود را در باره اینکه با وجود هر نوع تعیین وقت توسط منجمان نباید امر هجوم به تعویق افکنده شود، بجلو راند. بیک های دیگر نیز که ناگزیر با نظریات نوایی هماهنگ شده بودند، کوشیدند بر سلطان اثر وارد کنند و ضرورت این را که باید بیاری خداوند بزرگ همین امروز به هجوم آغاز کرده بروی تلقین نمودند جلسه خاتمه یافت.

حسین پایقرا بکمک ملازمان زره دربر کرد و کلاه آهنین بر سر نهاد شمشیری را که نیامش با طلا و

دور دست بنظر رسید، اسلیم بر لاس و ولی بیک از یمین سپاه بسوی یسار سپاه میرزا یادگار به هجوم گذشتند، شیخ تیمور و ذوالنون ارغون بیک بخا طراپنکه عساکر تحت نفوذ دشمن را از عقب مورد حمله قرار دهند بسرعت راه خود را دور داده از جانب چپ حمله ور شدند. امیر بدر الدین با عساکر جناح چپ اردو جناح چپ قشون دشمن را دلیرانه مورد تاخت و تاز قرار داد. آن بخش سپاه میرزا

محاط با معتمد ترین سرکردگان و با شهادت ترین جوانان، بچنو میرفت. قراولان بسرعت برگشته اطلاع دادند که میرزا یادگار با جدیت تام برای سپاهیان خود دستور آماده باش داده و آنها را برای مقابله بسیج مینماید، حسین بایقرا دستور داد تا بدون کمترین فوت وقت، تعرض آغاز گردد. دهل، سرنا و شیبور جنگ فضا را بلرزه در آورد. همینکه قشون دشمن از فاصله

سنگهای قیمتی گرانبها تر نین شده و پدیده هنری نفیسی بشمار میرفت، بر کمر آویخت و کمان خود را بدوش افکند و گامهای استوار بجلو گذاشته باشکوه و دبدبه از چا در بیرون شد...

دمیدن صبح نزدیک است. در دور دستها، از فراز کوهپایههایی که در آغوش مهی آبی رنگ غنوده اند، تک تک ستاره ها، آرام آرام چشمک میزنند. یا دخنک صحرا مستانه میوزد و روی خیمه های ابریشمین، موجهای آرام پدید می آید. جوانان و تمام اهل اردو گاه بیدار شده اند. در خلال فضای نیمه تاریک از حرکات آنها می توان پی برد که برای اقدام به کاری بس مهم و جدی آماده گسی میگیرند.

ملازمان، اسب مست و راه را هواری را که زین و دیگر لوازمش بازر پاره ها و قطعات لعل و یا قوت زینت یافته پیش آوردند و سلطان را در آغوش گرفتن و بر زین نشاند.

حسین بایقرا با گروه بیکهای سوار با بهت خود که همه غرق در آهن و پولاد پیرامو نشن صف بسته بودند بسرعت باد، بسوی قلب سپاه حرکت کرد و از آنجا با جدیت و شهاست نظم و نسق سپاه را تحت مراقبت قرارداد. در جناح یمین (راست) سپاه، ولی بیک، امیر زای کیچیک و اسلیم بر لاس را بحیث سرکرده تعیین کرد. سرکردگی جناح یسار (چپ) سپاه را به امیر بدر الدین داد و قلب سپاه را که بر گزیده ترین شمشیر زن تشکیل داده، به شیخ تیمور و ذوالنون ارغون بیک سپرد. همینکه خورشید طلوع کرد، بخش های مختلف قشون بزرگ، مجهز با تمام وسایل و ترتیبات جنگ، روی دشت وسیع را پوشانید و بخا طرا پیکار با دشمن به آرامی در حرکت بود.

خودهای آهنین، جو شنها، نیزه ها، سپرها و گرزهای گران، در فضای وسیع صحرا که با تاپیدن نخستین انوار خورشید، رنگ طلاهی بخود گرفته بود، میدرخشید اسبهای آشنا با صحنه های جنگ گوانیکه دستخوش بیتابی اند، با حرکت دادن سر شیشه میکشیدند و برای دویدن تلاش میکردند. چشمان سپاهیان و سرکردگان، خشم آلود چهره های شان سرد و جدی بنظر میرسید.

حسین بایقرا بر طبق تعبیر معروفتترین مورخ آن زمان (بسان جاندر قلب آدم) در آغوش سپاه گسترده،



(نا تمام)

د خوب او خوب ليدلو په

باب يو لړ نوی او په زړه پوری

خير نى

داچې ددوی دراوینبولو لپاره لازمه ده چې یا په ډیر زور ورته کریکه ووهل شي او یا هم داچې پښه او یا لاس یې په زوره سره وڅوڅول شي درانه خوبونه اکثرأ به هغو کسانو کی لیدل کیږی چې په ورځی کی جسمی فعالیتونه او زورور کارونه سر ته رسوی یعنی ددوی جسمی ستړیا ددی سبب گرځی دوی په درانه خوب ویده شي خو کله پدی برخه کی- استثنا هم منځ ته راتلای شي پدی توگه چې امکان لری ځینی هغه کسان چې یادماغی فعالیت لری او یا هم دورځی له خوا عادی جسمانی کار کوی هم ددرانده خوت خاوندان وی .

سپک خوبونه :

هغه کسان چې سپک خوب لری نویو کوچنی غږ او یا هم په خوشی لمس کولو سره یې کیدای شي له خوبه راویښ شي، داډول خلک اکثرأ هغه کسان وی چې هغوی یا دورځی له خوا هوساوی یا خوب یې کړی وی، او یا هم ډیر لږ فعالیت ولری . یعنی دوی به هر حال کی سپک کارونه ترسره کوی او ځان یې پوره پوره او هر کله هوسا، اود کار وبار لپاره چمتووی، دځینو پوهانو د استدلال له مخی په سپکو خوبونو کی غوږونه اود پوستکی حساسیت هم ستررول لری چې که دچا دځان پوستکی او یا غوږونه ډیر ډیر حساس وی کیدای شي چې دستخو کارونو د ترسره کولو سره سره بیا هم سپک خوب ولری .

خوب لیدل :

له چې ومو ویلی د خوب لیدل لکه چې ومو ویلی د خوب لیدل دانسانانو ترمنځ یو ذاتی او غریزی عادت دی اوچ انسان مغزو له دنننیو فعالیتونو څخه گڼل کیږی، یعنی داچې هغه شان چې مونږ په خوب کی وینو نوته مو سترگی کار کوی، نه غوږونه څه اوری، نه په لاس څه کولی شو او نه هم په رښتیا هغه شان چې به خوب کی یې وینو چیرته تلای شو .

دطب پوهان عقیده لری چسې د انسانانو دهر احساس لپاره به مغزو کی یوه معلومه ساحه طبیعتأ تا کل شویده، یعنی اوریدل دمغزو په یوی برخی، لیدل په بلی برخی فکر کول او هدا شان نور نور حواس به بیلا بیلو برخو پوری ارتباط لری اود هغی ساحی یا برخی له خوا

وی وینس شوی نو هلته پاتی کیږی چې دا ډول حرکات اوتگ راتگ نور ټول په حیرانتیا کی ډوبوی خو دپو هانوله نظره دا کار دحیرا نتیاوپ نه دی ځکه هغه څوک چې په خوب کښی گرځی یاځی اوراځی نو بنسای هغه دورځی ډیر زیات جسمانی فعالیت ولری .

همدا راز به زړه پوری داده چې بنسای داراز خلک چې په خوب کښی گرځی بی له دی چې له څه شي سره تصادم وکړی نو هسی روغ رمپځی ،گرځی او بیرته راځی ، پوهانو پدی باب چې ولی دوی دکوم شي سره ټکر نه خوری داسی گروهه لری چې هغوی له هغه کور یا(په عمومی توگه هغه محیط) سره پیڅی آشنا وی نو له دی امله حتی به ورځ کی هم بنسای داډول کسان وکړای شي په پټو سترگو دخپل کور ټولو برخو ته ولاړ شي ځکه چې ورسره پوره پوره بلدتیا او آشنایی لری .

تر ټولو بنسای دپه زړه پوری وی چې ووايو، هغه خلک چې په خوب کی گرځی او یا کوم جسمی فعالیت سرته رسوی خو پخپله هیڅ نشی کولای چې خپل فعالیت او کړه وړه احساس کړی حتی پخپله هیڅ پدی باور نشی کولای چې په خوب کی گرځی .

لازمه ده چې دلته څه نا څه په ددو او سپکو خوبونو باندی هم رښا واچوله شي .

دروند خوب :

ددرانده خوب خاوندان نشی کولای چې په سپکو غږونو او یا لمس باندی له خوبه راویښ شي، یعنې

خو خوب په ترڅ کی هغه یوه بله موضوع چې له ډیرو ډیرو پخسوا زمانو څخه راپدیخوا یې د پوها سو پاملرنه ځانته راگر ځولی ده، هغه درویده کیدلو په ترڅ کی دخوب لیدلو موضوع ده، پدی برخه کی ډیرو پوهانو څیړنی کړی او خپلی نظریی څرگندی کړی پدی خو لومړی تر هر څه باید وپوهیږو چې خوب لیدل یعنی څه ؟

هغه وخت چې مونږ ویده شوو، یعنی خوب مویوسی نو ددی په ترڅ کی چې دماغ ورو ورو خپله ستړیا له لاسه ورکوی ، نو ورسره ورسره یو ډول عجیب فعالیت هم کوی چه دا

عجیب فعالیت دخوب لیدل دی یو پوه پدی عقیده دی چې بنسای درویده کیدو او خوب په وخت کی هم ځینی جسمی فعالیتونه سر ته ور سپړی . دمثال په توگه مونږ ډیره داڅیره اوریدلی چې وایی فلانی په خوب کی خبری کوی چې دا دخبرو کولو فعالیت هم یو جسمی فعالیت دخوب په وخت کی گهلای شو . یسا

داچې ځینی سره ددی چې په خوب ویده وی نورا پاڅیږی او روانیږی چې داهم هغه جسمی فعالیت بسه خوب کی دی ، خو ډیر ځله داسی هم لیدل شوی چې یو څوک سره ددی چې ویده دی نوله کونی نه وتلی ، پر زینو هم ښکته شوی ، دکور یا کلا دروازه یې هم خلاصه کړی اوتللی دی چې بس له هغه یا بیرته خپل کور ته راغلی او یا هم چیرته لویدلی ، نو که د لویدلو په اړه راویښ شوی وی هم بنسای چې کور ته راشی او که نه

دپوهانو له نظره کله چې یو څوک جسمأ او یا روحأ ستو مانه شي نو په ځان کی یو ډول سست والی او یې حالی حس کوی یعنی داچې خوب لری راځی ، خو ځینی نور پدی عقیده دی چې که یو څوک یوازی جسمأ ستړی شوی وی نو که دڅو شیبو لپاره بی له دی چې ویده شي . استراحت وکړی او په هوساینی سره وغږیږی نو بنسای چې ستړیا یې رفته شي ، خودا خبره باید هیره نه کړو چې د جسمی ستومانیا سره یو ځای انسان ته روحی ستړیا هم پیښیږی ، داځکه چې د انسان دماغی قوا وی دیوی ورځی کار بسه ترڅ کی خامخا ستړی کیږی چه بیا همداروحي یا په بل عبارت دماغی ستړیا په انسان باندی یو ډول بی سندی را ولی چې دهغه په ترڅ کی د انسان ارتباط له خارجی محیط سره قطع کیږی . پدی معنی چې په خوب کی نه څوک څه لوستلی شي، نه څه خوږلای شي او نه کوم بل کار کولی شي .

خو چې ددی بی سندی په دوران کی هغه دماغی قواوی چې ستومانه شویدی نور فعالیت نه کوی او پدی توگه دخوب په ترڅ کی ورو ورو خپله ستړیا د لاسه ورکوی او بسیا دماغ دی ته چمتو کیږی چې دپلی ورځی لپاره بیا خپل فعالیت ته دوام ورکړی .

یعنی داچې ویلی شو جسمی ستړیا په استراحت او روحی یادماغی ستو مانی په ویده کیدلو (خوب) له میدڅه

کنترول او اداره کيږي، چه بيا دا ساحي هم يو تربله دمغزو دنورو اپکو به وسيله سره ارتباط لري . دخوب ليدلو به وخت کي د انسان دمغزو بيلى بيلى ساحي به تحريك راځي (بي لډي چي مربوط غري يسي په تحريك راشي). يو څه ايجاد وي اوبيا له نورو ساحو سره اپکته پيدا کوي چي پدي توگه دمغزو په ټولو ساحو کي يو تحريك پيدا کيږي يعنې داچي ويلاي شو دخوب ليدلو به وخت کي دهر حواس ددرک نقطه فعاليت کوي نه پخپله حواس .

دمثال په توگه که مونږ په خوب کي يو څه په سترگو وينو نو داسي بايد وگنله شي چي زمونږ سترگي هغه شي به رښتيا نه ويني بلکه د ليدلو ساحه په مغزو کي فعاليت کوي اود هغه شي عکس منځ ته راولي . څرنگه چي څرگنده شويده نو يو تن به منځني توگه به يوه اوونى کي لږترلږه دوه، دري واره هرو مرو خوبونه ويني .

ولي خوب وينو ؟

که څه هم اوس داپوره نابت خبره ده چي دخوب ليدل يوه طبيعي غريزه ده چي په انسانانو کي دنورو غرايزو سره يوځاي وجود لري، خو بيا هم ځيني پوهانو په دې باب ځيني نظريي وړاندي کړي دي .

يو پوه په دې برخه کي داسي عقیده لري چي - که يو څوک پخپلو ورځنيو کارونو کي له جسمي ستړيا څخه ډيره دماغی ستوماتيا احساس کړي او په مغزو يي ډير فشار راشي نوښايي چه خوب وويني او هغه کسان چي ډير جسمي فعاليت کوي بنايي ډير لږ خوب وويني .

خو ځيني نور خپله نظريه داسي څرگندوي چي که ديوه چاهر څومزه په اعصابو کي ډير ضعف موجود وي نوښايي چي تر نورو ډير خوب هم وويني او هغه کسان چي ښه قوي او نورمال اعصاب ولري نو دا ډول خلك دويد کيدلو په موقع کي ډير خوبونه نشي ليدلای. خو هغه کسان چي دماغي يا عصبي ضعف ولري که څه هم ډير دماغي فعاليت ونه لري نو دخوب ليدلو امکان يي تر نورو ډير دي .

ځيني نور پوهان داسي څرگندونه کوي چي که يو څوک دورځي له مخي ډيره انديښنه او فکر کوي يا چرت وهي نو ددې ډيرو خيال يايو نتيجه يي هغه ده چي دويده کيدو سره سم

خوب وويني چي اکثراً ويل کيږي دا ډول کسان پخپله ځانته دخوب ليدلو زمينه برابروي، خو هغه کسان چي ډير چرت او فکر نه خرابوي نوښايي چي خوب ونه ويني .

خودا امکان هم شته يوهغه سړي چي هغو مره اند يښنه او چسرت هم نه وهي خود ورځي له مخي له ځينو عجيبو پيښو سره مخامخ کيږي اودا عجيبې پيښي يي ديوي لږي يا ژباڼي شيبې لپاره اعصاب مصر و فوي، نو امکان لري چي خوب وويني .

اوس اوس پوهان خوب ليدلونه دروحي تحليل او تجزيي په خاطر ډير از زښت وړ کوي، (پسيکنلايز) هغه طريقه ده چي دزيگموند فريدو له خوا منځ ته راغلي چي کولي شي په دې توگه دانسانانو ددماغي او دروحي ژوند څرنکوالي معلوم کاندې اوروحي دستگاه يي تر څيړني لاندې ونيسي او هغه څه چي ددې طريقي لپاره ډير لازمي او حتمي گڼل کيږي هغه دمطلوبو کسانو دليلد شوو خوبونو مطالعه ده .

د فريد اود روحياتو دځينو نورو پوهانو له نظره هر انسان د کيفيت په لحاظ دوه ډوله ضميرونه لري ، لومړي آگاه يا وړښ ضمير چي زمونږ دورځني ژوند او فعاليتونو هنداره ده ، خود انسانو سره ځيني داسي غوښتنې او حقايق وجود لري چي ياد چارپير يال له غوښتنو سره سمون نه لري او يازمونږ په تالوان دي، نو ددې فشارونو له امله هغه غوښتنې او حقايق له مونږ سره پټ پاتي کيږي .

بل ډول نا آگاه يا وويده ضمير دي چي دلته ټول حقايق له خپلو واقعي څيرو سره پراته دي، هر کله چي دخوب يادا شان کوم بل تکنیک په وسيله آگاه يا وښ ضمير له کاره ولو ږي نو ویده يا نا آگاه ضمير به فعاليت پيل کوي او حقايق يي له کوم فشار څخه منځ ته راځي، چي دغه حقايق اکسراً د خوب ليدل گڼلای شو چي د انسانانو په ژوند کي ډير ارزښت لري ، ځکه هر راز چي وي مونږ بيا هم نشو کولای به وښه ديوه چا دزړه اصلي هيلي او غوښتنې ځانته څرگندي کړو او بيا هم ددې هيلو او غوښتنو څرگندولو لپاره د خوبو نو مطالعه ارزښتنا که بلله کيږي .

ډاکتر تامسن وايي . ما داسي يو ماشوم پيژانده چي به وړکتوت

کي يي له خپلي مور سره ډيره ډيره مينه درلوده ، داهلک ښونځي نه ته څو چي هغه يي خلاص او ليسه يي هم پسي پای ته ورسوله او ځوان شو .

نود مور سره دده دمنځني اومحبت نښي په بل ډول تيارز وکړ يعنې داچي که دده مور او پلار دشپي له مخي چيري تلل لسه سره دډار او ويري قوي احساس پيدا کيده، خو چه له دې امله به يوي روحي ناروغتيا اخته شو او خپل روحي انځور يي له لاسه ورکړ، خودي له دې پلوه چي يو پوه او پوخ ځوان وو نوله دې ډير شرميده خپل دغه احساس خپلي مور او پلار ته ښکاره کړي او ور ته ووايي - تاسي دشپي له کوره ممشي زه ويريږم .. داځکه چي داسي پسي علت ويره دټولني او گڼ ژوند د معيارونو سره توافق نه لري، که څه هم دي ديوه ډير درانده روحي تکليف سره مخامخو، نو بيا هم دي ته يي زړه نه ښه کاوه، چي خپل دا احساس چاته څرگند کړي، څوچي

ډاکتر تامسن دپسيکنلايز په متود باندې دده علاج او تداوي وکړه او معلومه شوه چي داد ويري عارضه دي ځوان ته دډير کوچنيوت سوغات دي، ځکه ده ته ښه هغه حقايق ور به ياد شول چي مور به يي له کوره تلله اودې به يي يواځي پريښوده، څوچي دي ويري ورسره يوځاي وده وکړه او نتيجه داسوه چي دځواني په وخت پرده باندې غلبه وکړي خوب ليدل د ظاهري ښي له نظره يوه معنوي بدیده ده، خو بايد ووايو چي خامخا دغه روحي پديدي بيو لو ژيکي تغيرات هم دننه دانسان په اورگنيزم کي مينځ ته راولي په خوب کي مفاهيم او معناوي دکليما تو او کرښو په توگه نه بيانيري، مگر په وښتوب کي داسي نده ځکه تصاویر او عکسونه او خوبونه دخوب ليدونکي کيږي يعنې داچي ويلای شو په وښتوب کي معناوي خپل نامريي شکل پرېږدي او مريي شکل غوره کوي .

دخوب ليدلو به وخت کي مونږ دخپلو کړاوونو، ستونځو ، ويرو هيلو، اميدونو او داسي نوروشيانو په باب فکر اوانديښنه کوو چي مونږ څه ډول گوري اوبلاخره دهغه درک د اوکړاوونه څه ډول حل کولای شو همدارنگه خوب ليدونکي دهغو کسانو باب يسي لرو چي البته هغو ښه

تماس لري . کله چي خوب په زوره توگه وڅيړل شي نو هغه ټول تصويرونه عکسونه او خوبونه دخوت ليدونکي دذهن دنيا روښانوي اود خوب په نتيجه کي داپه ډاگه څرگنديږي چه مطلوب خوب ليدونکي ځانته په څه ډول گوري او څه نظر لري خلك هغه ته په ژوند څخه په څه ډول دي ؟

لوي اوستر پوه (امر سون) پدي باب داسي نظر لري چي (يو پوه انسان دخپل ځان دپيژندلو لپاره خپل خوب تر څيړني او مطالعي لاندې نيسي) که څه هم شخصيتونه په خوب کي ډير اوبيل بيل وي مگر ديوي قاعدې له مخي راټول شخصيتونه د حقيقت زمونږ تر لاسه کوي چي دوي (بيل بيل کرکټرونه) دهغه شخص (خوب ليدونکي) په عاطفي ژوند کي دخالت لري .

ولي مونږ پردي خلك په خوب کي وينو ؟

ددې پوښتنې لپاره زمونږ خواب پدي ډول دي چي دغه پردي خلك په رښتيا هم پردي او نا آشنا خلك نه دي، بلکه زمونږ د ذهني مفاهمو تجسم دي چي دهغو اشخاصو په باب يي لرو چي البته هغوي ښه پيژنو دمثال په توگه - هغه ځوان چي خپل پلار ډير سخت گير اوبانضباط گڼي نو دخوب په وخت کي خپل پلار ديو عسکر ياد پوليسو دافسر په ښه اوياد ښوونکي په څير اوداسي نورو انضباطي مظاهرو غوندي ويني .

حقيقت دادې چي دغه سړي دخپل پلار نه نور تصورات هم لري چي دهر يو لپاره په خوب کي يو مناسب مشکل پيدا کيږي، اوددغو مفاهيمو مجموعه دپلار په باب به يوه خاص شکل تجسم پيدا کوي، چي خوب ليدونکي ته ناشناس وي. که څه هم خپله هغه صفات او خصايع ورته معرفي دي .

همداسي امکان لري چي خوب دهغه نظر ښکارندوي دي، چي خوب ليدونکي جهان ته په هغه نظر گوري، که دي دخپل عادي ژوند کي حس کړي چي جهان ورته تنگ دي نو په خوب کي ترلي ځايونه ډير ويني، که ژوند ورته بي خوندي، سوږ او بي لطفه وي نو دده دخوب زمينه هم وچه او بي خونده وي .

(نور بيا)

منطقه کانال سوئز بیک مرکز صنعتی و سیاحین جهان مبدل میگردد

از شتر ن
ترجمه : س علوی

هفت سال تمام کانال سوئز پیش ازیک کانال مرده نبود. و بصورت عمومی جبهه جنگ بین مصر و اسرائیل را تشکیل میداد. اکنون متخصصین مصری، امریکایی و انگلیسی مصروف پاک کردن کانال از مینها و نقیبهای میباشند که اسرا نیلیها در آن تعبیه کرده بودند.

ژان مارك پلانگان جوان ۳۴ ساله اهل اسپانیا قو ماندان و رئیس دسته غواصان شهر تولون اخیرا اظهار داشته است که بازرگانان نسبت به غواصان نیکه نقیبها را خنثی میکنند بیشتر با خطر مرگ مواجه میباشند این دسته غواصان که فن شان جستجوی نقیبهای غیر مکشوفه است از شهر تولون منطقه توریستی کورت آژور را هر سال از مینهای دور جنگ دوم پاک میکنند. بقدرار احصائیه که این دسته در اختیار ارباب جراید گذاشته سالانه پنجمصد

هستند به خطیر بودن این وظیفه خوبتر ملتفت میباشند. زیرا آنچه قوای نظامی مصر و اسرا نیل در طی هفت سال در چار جهت کانال سوئز بکار برده اند بمراتب مشکلتر و خطرناکتر از میدا نهی جنگ عمومی دوم میباشد. زیرا همچنانیکه تخنیک سلاح جنگی بعد از جنگ عمومی دوم تغییر قابل توجهی پیدا کرده در طرز تعبیه مینها و نقیبهای جبهه اسرائیل و مصر و سوریه نیز تغییراتی صورت گرفته است. چنانچه نقیبهای درد و جهت کانال سوئز کشف شده است که از یک جعبه سنگرت بزرگتر نبوده و کشف چنین نقیبها واقعا کار دشواری به شمار میرود.

امیر البحری کنتتکا زول منتظم تصفیه منطقه کانال اخیرا اظهار

داشته که تنها در یک ساحه دو صد متری کانال بیست و پنج هزار عدد بمب و نقب منفجر تا شده کشف شده است.

درینجا مراد از کلمه «ماء» این است که مصرینها در کنار امر یکاییها مشترکا کار میکنند.

اما در داخل کانال انگلیسی و فرانسویها مصروف میباشند. ولی هر دو وظایف جدا گانه دارند به این ترتیب که غواصان انگلیسی با آلات مخصوصه تا عمق سیزده متر بستر کانال را پاک میکنند در حالیکه فرانسویها با دستگا ههای شان تا عمق سه تا چار متر سواحل کانال را تصفیه و آماده کشتیرانی مینمایند. همچنان سه تن از غواصان ورزیده در کنار هم در بستر کانال مشغول شناوری میباشند و ریگهای بستر کانال را میکاوند غواصان وقتی موجود مشکوکی را کشف کردند فوراً ذریعه یک قطعه کاک روی آب خبر میدهند و غواص سپس به تجسس خویش ادامه میدهد وقتی درست در حدود یک کیلومتر از محل مکشوفه دور شد گروه منفجره فرا میرسد.

یکی از غواصان در محلیکه کاک بالا آمده است به آب فرو میرود و موجود مشکوک را با مقداری مواد منفجره آلوده می سازد و به ایسن ترتیب تمام مواد مذکور به سوا منفجر میگردد. برای سر بازار مصری که مشتاق فیروزی تا لحظه اخیر هستند و هر لحظه چشم پراه مارش دیگر میباشند این انفجارها از زندگی یکنواخت شان میکا همد و بدنبال هر انفجار فریاد شادمانی میکنند.

یکتن از خبر نگاران از رئیس دسته تصفیه کانال پرسید که آیا این وظیفه وحشتناک و ترس آور نیست؟ رئیس هیئت خنده گنان این موضوع را رد کرده گفت که دسته مادر رشته شان تخصص پیدا کرده اند. خلاصه بعد از چار یا پنج ساعت کار متد و خسته کننده در زیر آب و هوای گرم روز، کار گنان از کار باز میمانند و



۲- غواصان فرانسوی در عمق کانال مشغول پاک کردن نقیبهای منفجره میباشند.

به استراحت میبرد زنده .
 کند . اجرت غواصان مذکور ۵ فرانک
 تعجب در این است که هیچکدام و هفتاد سه آنتیم میباشند و از بیست
 آنان نمیتوانند مقدار خطر را تشخیص و پنج سال تغییری نکرده است .
 بدهند . کا پیتان پلانکان نقشه البته معاش ماهانه شان به سه هزار
 جغرافیایی کانال را بصورت دقیق و فرانک فرانسوی و بیمه صحتی و محل
 مشرح تهیه کرده و هر غواص وقتی رهایش نیز تأمین میگردد .
 بخواهد محلی را از نقب پاک کند مشکلات جستجو کنندگان نقب
 پیش از پیش از روی مودل خود را بریتانوی کاملاً بادیگران تفاوت می
 باخصوصیت اراضی آن منطقه آشنایی کند زیرا آنان نه تنها آلات و وسایل

شان محل نقبها را کشف میکنند بلکه اشیا مشبوه و جامدی را که
 سالها در بستر کانال سویز افتاده است نیز معلوم میکنند . این وسایل
 نقب تانک و نقبهای ضد موجودات انسانی ، پیپ های خالی بنزین و
 صندوقهای مشرو بات الکلی و امثال آنها نیز کشف میکنند که رویهمرفته
 باقره فیصد از مجموع این اکتشافات

خطر ناک تبثیت گردیده است . از خلال فعالیتهایی که جریان
 دار داستنباط میگردد کار پاک کردن نقبها اساساً سخته یافته است
 در حالیکه کار گران روسی در بندرو خلیج و سویز هنوز مشغول پاک کردن
 نقبها میباشند . تصفیه کانال سویز که از آرزو
 بقیه در صفحه ۵۹



۱- نقبهای که از طرف عساکر اسرائیل در امتداد کانال سویز تعبیه شده بود حالا ذریعه متخصصین نظامی مصر و کشور های دوست خنثی-
 شماره ۳۰ و ۳۱ ساخته میشود .
 صفحه ۲۱

دو صد فیصد افزایش در

دارای



دوکتور غلام ابوبکر رئیس و تر نری و مالدارى وزارت زراعت و آبیاری و شاه احمد فیضی آمر عمومی پيله وری

امسال از ۲۷ هزار جعبه تخم تجار تی پيله بالغ به ۱۰۸-افغانی بدست خواهد آمد

کرم پيله تقریباً از ۴۵۰۰ سال قبل به اینطرف در جهان شناخته شده است .

راه ابریشم با طول ۶۰ هزار میل از کشور ما عبور مینمود و به خط تاریخی ابریشم مشهور گردید .

کشور ما بتاسی از مساعی مشترک ملت و حکومت در آستانه یک تحول عظیم اقتصادی و اجتماعی قرار دارد و هر روز بسوی ترقی و تعالی گامهای مثبت بر می دارد و این امر مستلزم آنست که برای نیل به این آرزوی ملی همه در یک جهت بکوشیم و در تطبیق پلانهای انکشافی و پروگرام های اصلاحی صارقانه سهم بگیریم ، بامسرت ملاحظه میشود که نظام نوین به این واقعیت متوجه گردیده و مطابق به کشور ما بتاسی از مساعی مشترک ملت و حکومت در آستانه یک تحول عظیم اقتصادی و اجتماعی قرار دارد و هر روز بسوی ترقی و تعالی گامهای مثبت بر می دارد و این امر مستلزم آنست که برای نیل به این آرزوی ملی همه در یک جهت بکوشیم و در تطبیق پلانهای انکشافی و پروگرام های اصلاحی صارقانه سهم بگیریم ، بامسرت ملاحظه میشود که نظام نوین به این واقعیت متوجه گردیده و مطابق به

تقریباً چهار هزار و پنجصد سال قبل از امروز ابتداء در کشور چین توسط ملکه (سی لنک تی) کشف شده و در حدود سه هزار سال قبل اخراج تخم پيله از خاک چین ممنوع قرار داده میشد قیمت ابریشم در آنوقت خیلی گران و بوزن طلا خرید و فروش میگردد و تنها خاندان امپراتور ها و ثروتمندان به استعمال ابریشم قادر بودند. امپراطوری چین پارچه های ابریشم را به قسم تحفه به امپراتور هاوسلاطین دیگر تقدیم مینمود بعد ها تخم مذکور را نیز بقسم تحفه به شاهان و سلاطین نیز توزیع مینمود . راه ابریشم یک خط مهم تجار تی و تاریخی جهان بشمار میرود که از مرکز چین ، پیکنگ ، تا روم و لندن به طول شصت هزار میل امتداد داشت و توسط قطار های اشتراک ابریشم را بادیگر اموال تجار تی به کشورهای مختلف نقل میدادند این خط تاریخی از حصه شمال مملکت ما عبور نموده بلخ و هرات در آن زمان از مراکز مهم تجارت ابریشم بشمار میرفت تهیه کرم پيله از سال های قدیم در کشور ما خصوصاً در صفحات شمال و شمال غرب رائج بود .

برای تطبیق پلانهای انکشافی و عملی نمودن آن گامهای موثر برداشته است. این مطالب را دوکتور غلام ابوبکر رئیس و تر نری و مالدارى وزارت زراعت و آبیاری طی مصاحبه باخبرنگار ژوندون بیان داشت . دوکتور ابوبکر در مورد تاریخچه کرم پيله و تاریخ پرورش آن در کشور اظهار داشت : کرم پيله از جمله حشرات مفیده بوده از نظر طبقه بندی حشرات کرم پيله اهلی میباشد، کرم پيله



ما مورین فنی در داخل لابراتوار پروژه پيله وری در حال فعالیت

در حاصلات فارم پیله وری

امان



تخمهای استحصال شده کمپاین اول به اطاق مخصوص برای حفظ درجه حرارت گذاشته شده است

۵- شعبه نجار خانه برای ساختن سی هزار جعبه خالی تخم پیله که در سابق از خارج وارد میگردد و تامین سایر نیاز مندی های پروژه در طول هر سال .

۶- شعبه تولید و حفظ تخم نسلی و یا مادری پیله برای سال های آینده. این پروژه در سال ۱۳۴۷ شروع بهره برداری امتحانی نمود که در آن سال صرف ۷۰۰ جعبه تخم تجارته پیاله استحصال شده بود .

از سال ۱۳۴۶ با ینطرف بود چه و عواید پروژه عصرنی پیله وری طی جدول جهت معلومات بیشتر ارا نه میگردد.

بقیه در صفحه ۵۸

همچنان در گذشته لابراتوار مجهز جهت اجرای فعالیتهای فنی موجود نبود و امور فنی بدون وسائل و تجهیزات نمر بخش نمایی باشد بنا بر آن در سال ۱۳۴۶ پروژه عصرنی و مجهز بنام پروژه پیله وری در دارالامان به ظرفیت تولیدی (۲۰) هزار جعبه تخم تجارته ۱۲ گرامه به سرمایه یکصد هزار پوند ستر لنگ در ساحه ۳۵ هکتار زمین تاسیس گردید که دارای شش شعبات ذیل می باشد .

۱- فارم توت به ساحه ۳۵ هکتار زمین که تا کنون ۸۰ فیصد آن نهال توت غرس و دارای سه چاه عمیق می باشد این فارم بمنظور تولید دو صد تن برگ توت برای بهره برداری از (۲۰) هزار جعبه تخم تجارته ۱۲ گرامه و دو هزار تخته کاغذ تخم مادری تشکیل شده است .

۲- تولید تخم - سه بلاک بزرگ یکی سه طبقه ئی و بلاک دیگر دو طبقه ئی بمنظور بهره برداری تخم پیله اعمار گردیده است .

۳- لابراتوار مجهز با میکرو سکوب و مواد کیمیاوی برای معاینات میکرو- سکوبی تخم پیله از نگاه امراض پیله .



محل مخصوص برای نگهداشت و ذخیره برگ توت

داکتر ابوبکر در مورد افزایش حاصلات تخم پیله امسال چنین گفت: ج - تربیه کرم پیله از سه لیان متمادی بین مردم پیله و در قسم عنعنوی مروج بوده و از فروش ابریشم مفاد زیاد بدست می آورند .

این رشته مخصوصا برای مردم بی بضاعت و بیکار ارزش حیاتی دارد چون درخت توت در همه نقاط کشور نمو کرده و آب هوای مناسب برای تربیه کرم پیله و درخت توت موجود است از ینرو در تمام نقاط کشور امکان ترویج پیله دیده شده و ده ها هزار نفر همین اکنون در این شغل مصروف بوده و در ظرف کمتر از ۳۵ روز از یک جعبه تخم پیله ۱۲ گرامه ۸ کیلو غوزه خشک بدست می آورند که فی کیلو غوزه خشک (۵۰۰) افغانی خرید و فروش میگردد . بنا بر دلایل فوق حکومت از سال ۱۳۳۲ -

الی ۱۳۴۶ - استیشن های پیله در ولایات کابل ، هرات ، ننگرهار و بدخشان با فارم های مناسب برای تولید تخم پیله و توسعه پیله وری اعمار گردیده بود و بدبختانه در نتیجه بی توجهی یکی بعد از دیگری بین رفت تا اینکه در نظام جمهوری استیشن های فوق جهت توسعه و انکشاف پیله وری دو باره احیا شده بر علاوه استیشن های فوق استیشن پیله وری شرکت سپین زر در ولایت کندز روی یک پرو توکول برای مدت پنج سال برای تولید غوزه ابریشم و رهنمائی پیله وری آنولا تحت رهنمائی وزارت زراعت و آبیاری قرار گرفت که نتیجه آن در سال جاری فوق العاده قناعت بخش میباشد .

اروپا با اضافه سی سال

● دانش آینده نگرى باتازه گى
 گامهاى لوزانش را بر مى دارد
 ● اين دانش امكان ديد واقعى
 تر را از دگرگونى هاى آينده
 مى دهد

كسيكه آيندهى اروپارا زيرنگرش و كاوش دارديك نفر از اعيان انگليس است . او توسط كميسيون جا معه اقتصادى اروپا ، براى دريافت اينكه چه ارزش ها ، چقدر مدت و چه اندازه پول ضرورت است تا به صورت علمى آينده تحول اروپا را نگرىست تعيين شده است لارد كندت كه پابه پنجاه ويك سالكى است در گذ شته وزير بوده و در دانش آينده نگر علمى خيره است . پرو گرام آزمائيشى او در وجود دانش آينده نگرى علمى تبلور يافته است دانشمندان در بروسل و هشتم پايخت ديگر كشور هاى عضو جامعه اروپا باور دارند كه هر گاه ما انديشه هاى كامل از ضرورت هاى آينده به صورت علمى در دست داشته باشيم مى توانيم به آسانى چار چوب سياست انرژى ، زراعت و رشد منطقه اى و دانش را تعيين بيازيم . شعار (اروپا به اضافه سي سال) گويائى تلاشى است كه امروز براى نگرش واقعى فردا صورت مى گيرد .

نشان مى نمايند هر گاه بخوا هيم متخصصان بيشترى را در ساچه اى معين دانش گرد هم آوريم ، بايىد سرحد هاى ملي را در هم نورديم .

ساچه هاى ملي بسيار كوچك اند هيچ ساچه ديگرى مانند دانش و تكنولوژى داراى امكان گسترده ي همكارى نيست . پرو فيسور رالف

شورائى وزير اى جامعه اروپا يى ، اجازه آغاز كار براى مطالعه آينده اروپا را در دراز مدت آن ، صادر نموده . اين طرح بخش از پرو گرام علمى در چار چوب سياست علمى و تكنيكي است كه شورائى مذكور پذيرفته است اين پرو گرام نتيجهى سالها گفتگو و جر و بحث بين نه كشور عضو است . همراه با پيشرفت در ساچه هاى ديگر ، معارف ، سياست رشد اجتماعى ، اين پرو گرام علمى و تكنيكي راه را براى رشد آينده اروپا باز ميسازد .

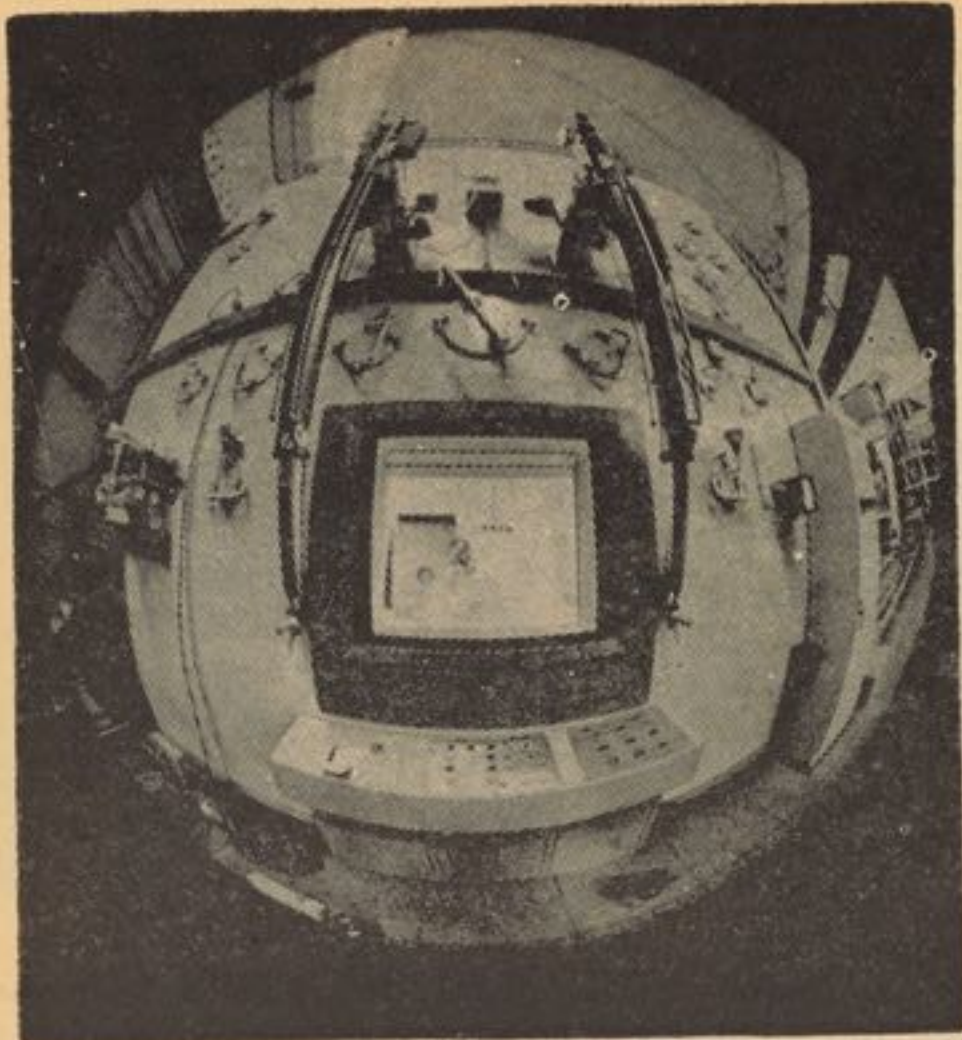
ضرورت نبود با آينده بنگرىم تا بر احتياج رشد و همكارى هر عضو جدا گانه جامعه آگاهى يابيم . ممكن پرو گرام (اروپا به اضافه سي سال) نتايج نوين ديگرى به همراه بياوردولى هيچ گونه دگرگونى درين واقعيت كه آينده به همكارى بين المللى بيشتر ضرورت دارد ، بميان نمى آورد . به صورت مثال ، رشد و پيشرفت در ساچه پژوهش هاى طبي وابسته به بهره بردارى در ساچه هاى ديگر دانش مى باشد ، اطبا بايد توسط بيولو جيست ها كيميا دانسان

و ديگر خبره گان دانش پشتيبانى شوند تاريخ تمام نو آوزى هاى طبي در گذشته نزديك اين پندار را توجيه مى نمايد . بانهم ، تعداد دانشمندان در ساچه هاى دانش طبي براى حل مشكل كم اند . دانشمندان خاطر

دارند ورف ، عضو كميسيون اروپايى تا آموزش ، معيار هاى ملي بسيار در پرو سل و مسول اينگونه امور محدود و باريك بوده جوا بگوى خواست هاقبل اظهار نموده بود كه توجه هاى تحقيقات دانش امروزي را نم بيشترى در ساچه تكنولوژى ميشود دهند . اين ساچه شامل ساچه اى



آله ي پيمائش نيو ترون



کانال برای مپار کردن نیو ترون

تواند صورت بگیرد. این کار از قیّم آن ها میباشد. بر علاوه، هدفی که طی آن کشور تمام شدن تحقیقات می گاهد. برای رسیدن به گونه‌ای از این های عضو تلاش می ورزند اینست تا طرح مشترکی را برای آرمان مشترک بمیان بیاورند.

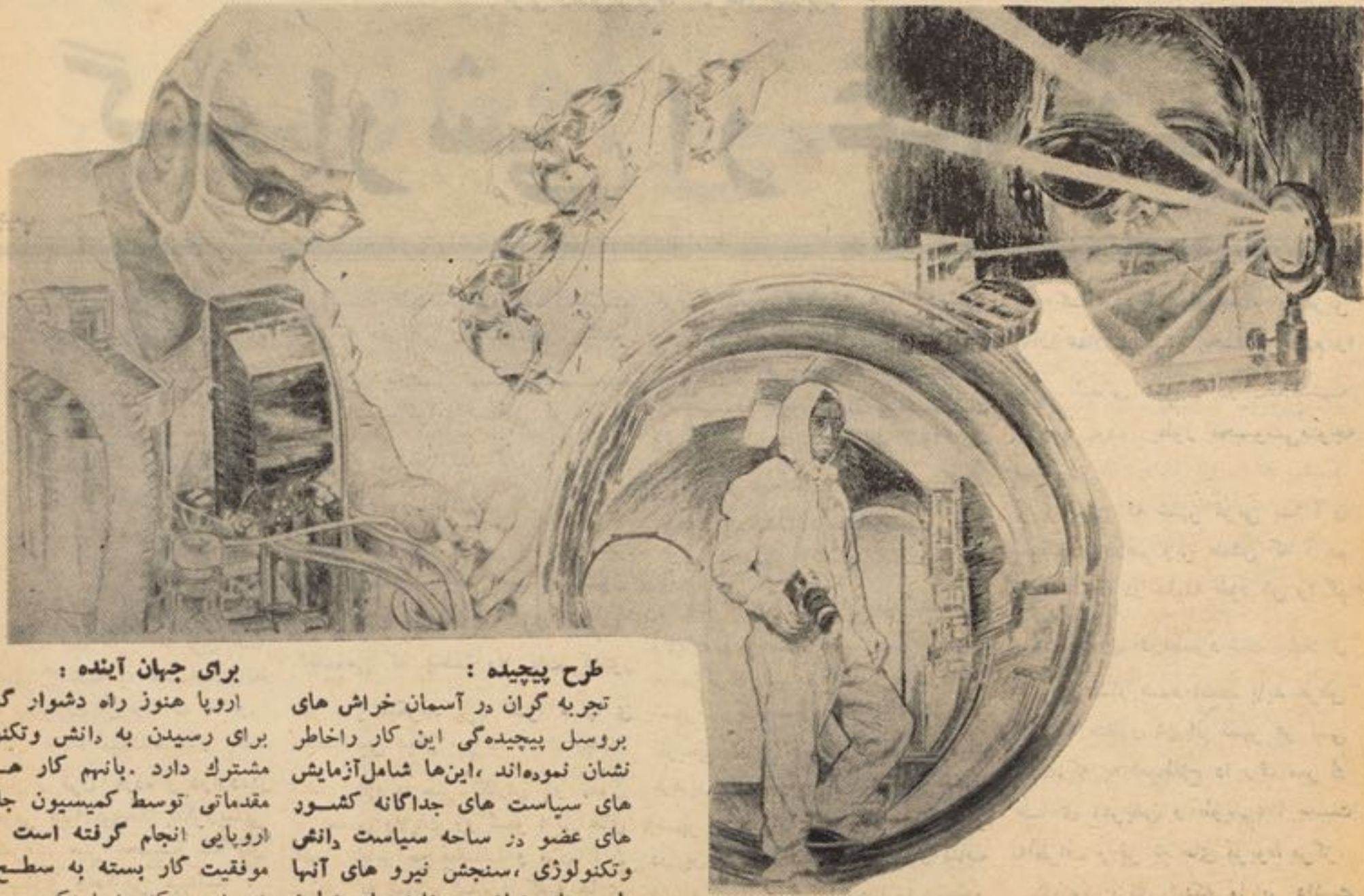
دانش میشود که هدف آن نیرو- بخشیدن بیشتر برای رشد سیاست اقتصادی است. او هم چنان نظر دارد که جامعه اقتصادی اروپا می تواند و باید برای رشد دانش و تحقیقات آن سرحد های تحمیلی علی را زیر پا گذارده و (ساحه دانش اروپا) را بمیان بیاورد تا زمینه همکاری بیشتر را آماده سازد.

دانش و تکنولوژی :

این پرو گرام فرانسوی سرحد های دانشی که در گذشته بدست آمده است می رود. این آغاز یک سیاست جامع اروپایی در ساحه دانش است. در اعلامیه‌ای شورای همکاری مشترک در ساحه‌ی دانش و وزرا خاطر نشان می نمایند که یک تکنولوژی، سهم بسزایی در رشد اجتماعی و توازن اقتصادی آینده می داشته باشد.

این پرو گرام شامل چهار نکته اساسی است. تساند سیاست‌های تحقیقات ملی، تبارله پژوهش های اساسی، ایجاد معیار های همگونه تلاش برای اجرای این نکات گام به گام صورت می گیرد. مفیدیت این کار روشن است: ارتلف شدن نیروی زیاد برای تحقیقات معین جلو گیری شده و نتایج ناهمگون بدست نمی آید با تقسیم کار معین تمام طرح ها عملی شده و ایجاد منبع بزرگ مالی امکان تحقیقات پر مصرف می است.

ساحه های از این بنیاد علمی رادر تعداد زیاد کشور های اروپایی دیده می توانیم پروگرام نو در از مدت در این چهار موسسه کار را ضما نت بیشتر می بخشد همین اکنون در مرکز تحقیقات اتمی را در کار لبروه کاوش های در مورد آن عناصری که نمیر اتمی آنها را از پلا و نیم و پورانیم زیاد است صورت می گیرد تا

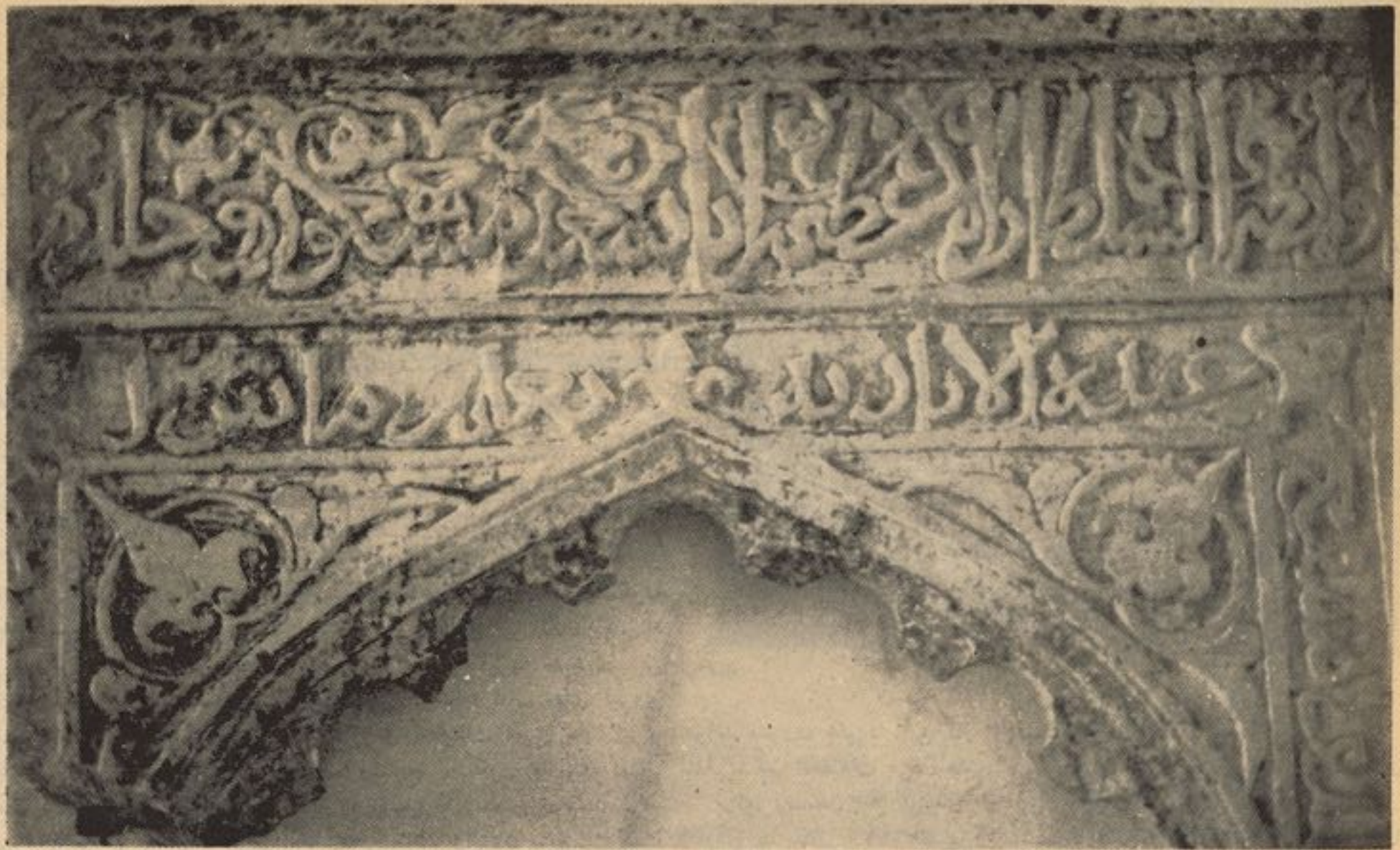


طرح پیچیده :

تجربه گران در آسمان خراش های بروسل پیچیده گی این کار را خاطر نشان نموده اند، این ها شامل آزمایش های سیاست های جداگانه کشور های عضو در ساحه سیاست دانش و تکنولوژی، سنجنش نیرو های آنها طرح های شان، بر نامه های شان مصارف، امکانات و طرز العمل های

برای جهان آینده :

اروپا هنوز راه دشوار گذاری برای رسیدن به دانش و تکنولوژی مشترک دارد. بانهم کار های مقدماتی توسط کمیسیون جامعه ای اروپایی انجام گرفته است. بانهم موفقیت کار بسته به سطح آزادی ای است که به این کمیسیون اعطا می گردد.



غزنی زمانی مرکز مدنیت های آسیا بود

گزارشی از غزنی؛

از نجیب

سرکهای کج و معوج غزنی با آن عمارات بزرگ و خست آدم را به بی انتهای های که در دهه گذشته موجود بوده. بطور محسوس متوجه میسازد.

براستی که شهر غزنی با آن سرکهای درهم و برهمش که آدم نابلد طرف دو دقیقه خودش را گم میکند بدون در نظر داشت پلان شهری اعمار شده است باید عرض کنم که منظور من از شهر غزنی است که به اصطلاح داری سرک های (عریض و طویلی) است نه اطراف و قریه های مربوط مرکز. آنروز برای اینکه ما بر داشت کامل از غزنی بدست آورده باشیم

غزنی دمر و زکه در ۱۳۵ کیلومتر جنوب غرب کابل موقعیت دارد منطقه وسیع را در بر میگیرد که مشتمل بر بیش از بیست و لسوالی است که در اطراف واکناف مرکز غزنی به فاصله های نسبتاً دور موقعیت دارند. ازینقرار میتوان گفت که از نظر وسعت جغرافیایی ولایت غزنی یکی از بزرگترین ولایات در کشور ما است. ما فقط از مرکز غزنی بازدید کردیم و داخل شهر را با بعضی مناطق که از نظر تاریخی شایان اهمیت است از نزدیک دیدیم. باید بگویم که ساختمان شهر غزنی که محدوده کوچکی را در بر میگیرد و در اطراف واکناف آن تک ساختمانها و عمارات بطور پراکنده موقعیت دارد.

نویسندگان معرفی شده است لازم به معرفی و شناسایی بیشتر آن درین مختصر نیست. فقط میخواهم گزارشی کوتاهی از غزنی برای خوانندگان ارجمند پیشکش نموده باشم.

مجله ژوندون ضمن تدوین میزهای مدور خویش پیرامون موضوعات مختلف خانوادگی و اجتماعی که بعضاً ولایات کشور نیز دار میگردد پروگرامهای اختصاصی دیگر نیز دارد از آنجمله است بازدید خبرنگاران ژوندون از بعضی ولایات و لسوالی های کشور تا با مراجع مختلف مردم آن سامان به تماسی شده و گفته های شانرا در ژوندون منعکس سازد.

شهر باستانی غزنی، که زمانی مهد تمدن های شکوهمند و زادگاه بزرگترین شعرا و نویسندگان پر آوازه بوده است، اکنون آن عظمت و جلال پیشینش را که برایمان تاریخ قصه میکند و آثار نویسندگان بازگو گرانتست، ندارد.

روند پرتلاطم و دستخورد چهره این شهر زیبا را دیگرگونه ساخته است ولی آثار یکه هم اکنون در غزنی میبایم ما را تا قرن ها وسده های گذشته به عقب میکشاند و جلال و جبروت آن زمانه ها را در نظرمان زنده میکند. آثار یکه مخصوصاً از قرن یازدهم و دوازدهم موزیم غزنی میبایم حکایتگر زیباییها و پیشرفت هنر مجسمه سازی و سفال سازی و حکاکی میباشند. چون غزنی باستان در آثار بسیاراز



افتاده بود و آنها برای حفر يك چاه جهت استفاد از آب تـلا شـمـی نمودند.

صنعت گلیم بافی در زندان واقعا جالب نو چه بود زندانیان گلیم ها و شطرنجی های جالب، مرغوب و زیبای بافته بودند. قو ما ندان امنیه غزنی گفت: برای تو سعه صنعت گلیم بافی در زندان مشکل اساسی ما را جای تشکیل مید هد. زندانیان در محبس جدید جای زیادی بر ای کار های دستی و صنعتی خواهند داشت.

مقبره سلطان محمود غزنوی و باغ گسترده ای که در مقابل آن

قرار دارد جای بسیار جالبی است ولی پارک مقابل آرامگاه سلطان محمود وضع خرابی دارد. سطح باغ دست نخورده است و جویه های آن

که معلوم است زمانی آب در آن جاری بوده خشک است بطوریکه درختان زرد و خمیده گشته اند در يك

کلام شهر غزنی را تعریف چندانی نیست. زمین کار برای مردم

به سراغ قوماندان امنیه ولا یست غزنی رفتیم. قو مندان که سردی فهیم ودانسته ای است در مدت ده پانزده دقیقه ای که در خانه او بودیم معلومات اجناسی جامع در مورد ولایت غزنی ارائه داد. گرچه از مقرری وی مدت زیادی نمیگذشت ولی معلوماتش در مورد غزنی چنان مکمل بود که گویی سالهاست در این جا وظیفه دارد گرچه آنروز جمعه بود و لی بناغلی قو ماندان امنیه موتوری در خدمت ما گذاشت تا نقاط مختلف مرکز غزنی را بسهولت از نظر بگذرانیم. ما از نخستین جائیکه در مرکز غزنی دیدن کردیم محبس آن شهر بود. هنگام دیدار از جاهای مختلف شهر غزنی معاون ترافیک غزنی با ما یکجا بود که آدمی فوق العاده مجرب و مصمم به نظر میرسید و بایک عالم لطف ما را همراهی میکرد و معلومات لازم بدسترس ما گذاشت.

قوماندان امنیه ضمن گفتگو در مورد زندان جدید غزنی گفت: این محبس مدت نه سال است که همین طور نیم کاره باقی مانده در حالیکه نکتعداد زیاد از محبوسین در يك

حفریات جدید مدنیت های کهنه را از زیر خاک بیرون میکشد

غزنی فوق العاده مساعد است به همین ترتیب امکانات عمران در کابل، احداث بعضی از سرکهای فرعی یا حداقل پاکی و نظافت شهر کاملاً موجود است. امروز از تپه سر دار غزنوی دیداری بعمل آوردیم. جای واقعا جالب توجه است کشفیات این تپه

گرچه آنروزها با بوریانها پوشانیده شده بود و کار دور دهم حفریات آغاز نگشته بود ولی بعضی از قسمت ها بیکه دیده میشد طرز معماری و مجسمه سازی و کلتور زمان بودانیان را در غزنی کاملاً ترسیم مینمود. (بقیه درص ۶۲)

شهر باستانی افغانستان



محبس تنگ و غیر قابل اقامت بسر می برند. وبعد از محبس جدید دیدن کردیم. محبس واقعا بزرگ و جالبی بود. اتاقهای آن فراخ و صحنی بنظر میرسید و تشناب ها و اتاقهای کار برای زندانیان در آن وجود داشت.

این محبس که کار تکمیل آن در دوره پرافتخار جمهوری بشدت جریان دارد این مفهوم را ارائه میکند که نظام تازه کشور نظام مردم است و برای رفاه عامه در تمام شئون زندگی میکوشند.

بناغلی قو ماندان امنیه و لایت غزنی گفت ما تصمیم داریم هر طوری شده زندان جدید را فعال سازیم و تا حدود توان يك قسمت زندان را آباد و تکمیل نموده و زندانیان را بدینجا انتقال بدیم. کار ساختمان محبس جدید توسط قوای امنیه در آنروزها تازه بجریان



اهالی ترک نشین جزیره قبرس در بازداشت یونانی های قبرسی و همچنان پس از جنگ جهانی دوم که انگلیس ها به مستعمرات خود آزادی دادند به ندای قبرسی هادر مورد اعطای حق خودارادیت جواب رد دادند: در مورد قبرس نزد انگلیسها هیچ سوالی مطرح نیست. این جو ابی بود که ایدن وزیر خارجه محافظه کار انگلستان به قبرسی ها به این ترتیب جزیره غنی و پر از ثمر قبرس مانند مرواریدی در دست سلاله ترکی باقی مانده تا اینکه سلطان پس از جنگ روسیه و ترکیه در سال های ۱۸۷۷ و ۱۸۷۸ برای نظم و نسق سر بازان خود به پول بیشتر احتیاج پیدا کرد. به این

ایسویت با وارد کردن يك ضربت تمام ملت را با خود همخوان ساخت و بدنبال خویش کشاند هم غلبه نظامی و هم موفقیت سیاسی ترکیه دایر شدن مساعده جلسه اول مذاکرات جینوا را سبب شد. از لحاظ آوای های مردم ترکیه حدود و سرحدی برای آن نمیشود تعیین کرد.

پس از آنکه سیا ستمداران موفقیت های حاصله را به قوای نظامی تبریک گفتند لوی در ستیز ترکیه جنرال سنزرنیزبه صدراعظم ایسویت تبریک خود را اظهار داشت. وزیر خارجه گونس با مسرت خاطر اظهار کرد: مردم حالا میدانند که ترکیه قوی است با داشتن این تصور از تفوق ترکی های عقب نشینی قوای ترکی بعید به نظر می رسد. همچنان گمان نمی رود ترکها از امتیازات سیاسی خود به نفع حمایت ریمو کراسی جوان یونان چشم پپو شند. با داشتن چنین تصویری از قوی ترکیه در قرن ۱۶ میلادی سلطان

ترکها قوی هستند

قسمت دوم

ترتیب جزیره را نزد انگلیس ها به داد. و وقتی در سال ۱۹۵۵ پار تیزان های قبرس جنگ آزادی طلبی و مسلحانه را علیه انگلیس شروع کردند. انگلیس ها تخم ترا زیدی امروز را در آن جزیره کاشتند: باوصف آنکه قشون یونان و قبرسی جزیره بنام ایو کا بز ششصد سر باز فعال جنگی تجاوز نمی کرد دولت بریتانیا به تعداد سی هزار سر باز را بشمول لوی در ستیز امپراتوری سر جان هار دینک برای مقابله با گور یلا های قبرس به آنجا فرستاد. ولی با تعقیب آنان به کدام نتیجه نرسیدند انگلیسها در تلاش گروه های کمکی شدند و از میان تر کهای باشند جزیره دسته های مورد نیاز خود را تهیه دیدند که تا آنم تحت سلطه انگلیس در محیط صلح وآرامش یا محبوس ساختند یا زیر نظارت گرفتند.

بودن ترکیه ، عقب کشیدن قوا از طرف ترکها بعید به نظر می رسد همچنان گمان نمیرود ، ترکها از امتیازات سیاسی خود به نفع ریمو کراسی جوان دریونان چشم پپوشند. یکروزنامه نویس ایتالیایی اظهار می- حامی کلیسای شرق بعنوان دایتهن



بحر یه امریکا در بندر پروس

آنها شهر بندری لفاکا را به تصرف خود آوردند و به این ترتیب قسمت شمال قبرس را که خویشتن جزیره محسوب میشود، از باقی مانده جزیره مجزا ساختند.

جنگ در تمام جهات:

سپس ترکها اور بند را بر قرار ساختند چه بقیه کارها را تصفیه مناطق اشغال شده از مقامات عناصر باقی مانده یونانی های جزیره احتوا میکرد.

بزرگان یونانی که از ایشان در زمینه سوال نشده بود، از نتیجه کار ناله سرداده بودند.

شاه مخلوع کنستانتین میگوید: جنگ در قبرس به قتل عام ملتها انجامید. رئیس جمهور مخلوع سراسقف مکار یوس را عقیده بر اینست که این تجاوز وحشیانه یک فاجعه بود. اما یونان میباید تحمل بکند.

یونانی ها تحت فرماندهی حکومت نظامی آنان به حالت تیارسی در آمدند او آنها در هفته اخیر تعداد بیست هزار نفر را با بهترین تجهیزات در ترا زیا برای یک تعرض متقابل علیه استانبول آماده ساختند و توسط تمام جبهات که در اختیار شان قرار داشت دسته های جنگی و تانک و زرهپوش به جزیره اژه فرستادند. در روز چهارشنبه آن در ست موقعی که حملات ترکها به جزیره قبرس آغاز شد، روزنامه چاپ آنان بنام ایوگی ما تینی مضمونی تحت عنوان جنگ در تمام جبهات نشر کرد.

بقیه در صفحه ۳۶



واحد های مخصوص از قبیل باراشو تی و تفنگداران دریایی را تحت رهبری جنرال سوات اکتولگا وارد میدان کردند. وقتی اما دگی تنها جمعی آنها به آن سرحد رسید، از کنفرانس جینوا بیرون رفتند و بدون اطلاع قبلی با تمام قوا یکباره ضربت خویشرا در میدان های جنگ قبرس آزمودند.

آنها نیکو سیاه یا سخت جزیره را بمباران کردند. بنادر بحری را توسط قوای بحریه خود زیر آتش گرفتند. در طرف سی و شش ساعت آنرا از نیکوسیا تا به ساحل شرقی جزیره پیشروی کردند و توانستند در شام روز پنجشنبه آزاد بندر فاماگوستای ترکی را جشن بگیرند. یونانی قبرس دو مین شهر بزرگ را با ترس و وحشت ترک کردند.

تابه پایان هفته ترکها در ساحل غربی به هدف های خود رسیده بودند.

ملل متحد بصورت کج دارد و مرز به اداره خود ادامه داد نه تا اینکه در ماه جولای گذشته حکومت نظامیان آن به جنگ داخلی یونان نیبها و ترکهای قبرس دامن زد. یونان طرفدار کنار رفتن سراسقف مکار یوس از پست ریاست جمهوری جزیره بود.

حکومت نظامی آنان خود شراوارد ما جرای قبرس کرد. اما آنچه رابا مداخله خود در جزیره بجای گذاشت عواقب تلخی بود برای حکومت غیر نظامی آنجا: یونان در برابر ذهنیت جهانی در قضیه کشیدگی و نارامی قبرس مسوول شناخته شد و حکومت کرامانیس اقدام یونان را یک راه حل برای تو سل بسه دیمو کراسی تلقی نمود.

کرامانیس به قدرت عظیم ترکها که با سرعت در برابر دشمن دیرینه به حرکت در آمد و ضرب مستی به یونان نشان داد، از طرف یونان صرف با کلمات و حرف مقابله کرد. اما طوریکه و زیر خارجه یونان ما و روز که یک دیپلمات ماهر و با دزدی می باشد در جینوا جنا از موقف دولت خود دفاع نمود و استدلال کرد پشت سر او قدرتی که به فتح متیقن باشد وجود نداشت، بلکه مورال قشون ضعیف و از لحاظ تجهیزات جنگی بسی فقیر بود. و بر خلاف ترکها ظاهرا مصمم بودند نقشه قبرس را برای همیشه به نفع خود تغییر بدهند.

مذاکرات جینوا برای ترکها از لحاظ یونانی ها صرف فرصت خوبی بود برای استفاده از موقعیت قدرت جنگی شانرا برای اشغال یک بر سه حصه جزیره قبرس آماده سازند و به اینصورت دو فرقه سرباز، سه صد تانک و زرهپوش

در آنوقت نخستین بر خور دبین ترکها و یونانی ها بود قسوس پیوست (رئیس کودتای قبرس نیکوس شامیون بود. پس از آنکه جزیره در سال ۱۹۶۰ استقلال خود را حاصل کرد، این مرد در حقیقت مو حشترین و خون آشام ترین فرد بشمار می رفت.)

هزده فیصد با شنندگان ترکی در قانون اساسی جزیره حقوق فوق العاده زیادی کسب کردند. در وظایف و مشاغل رسمی و اجرائیوی حقوق مساوی سه جانبه و حق ویتو را علیه فیصله های حکومت بدست آوردند.

سراسقف مکار یوس مو فوق نشد که قانون اساسی غیر عملی جزیره را تعدیل کند. انقره برای نخستین بار بایک مداخله و تهدید رسمی دولت به آن پاسخ گفت.

کنفرانس قبرس در جینوا محض جنبه این الوقتی داشت:

بتاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۶۳ نخستین آتشباری صورت گرفت و در طرف چند روز دشمنی بین دو گروه یونانی زبان و ترکی زبان جزیره به کشتار بیر حمانه مبدل شد که طی آن ترکهای ضعیفتر قربانی شدند. یونانی های باکانه و با قساوت قلب، زنها و کودکان را قتل عام کردند و حتی در پسا موارد ترکها را زنده بگور نمودند. آتش کینه توزی بیشتر مشتعل شد. در سال ۱۹۶۴ بمب افکن های ترکی قصبه های یونانی نشین را

در شمال قبرس بمباران کردند. در سال ۱۹۶۷ مجددا کشت و کشتار شروع شد و امریکایی ها جلو مداخله رسمی ترکها را گرفتند. یک هیات ناظرین ملل متحد مؤظف شد کشیدگی های ناشی از ملت خواهی را مراقبت کند. نمایندگان



عساکر ترکی و ترکهای باشنده قبرس: در ظرف ۳۶ ساعت یک ساحل دیگر اشغال شد



تقاضای مار یا شنایدر

«ماریا شنایدر» از جمله ستاره های معروفیست که در فیلم «آخرین تانگو در پاریس» با (مارلون براندو) صحنه های عجیبی را که ذکرش لازم نیست بازی کرد. این فیلم گرچه باعث شهرت فراوان ماریا شد ولی او امروز از بازی کردن در آن سخت پشیمان است و میگوید: یاد آوری آن صحنه ها مرا عصبانی می سازد و تنها آرزویم اینست که همه کسانی که آن فیلم مرا دیده اند آنرا بکلی فراموش کنند و با در نظر گرفتن سایر فیلم ها نسبت به من قضاوت کنند.

بزرگترین تولید کنندگان موتور

- | | |
|--|--|
| ۸- رنو - فرانسه . | ۱- جنرال موتورز امریکا (شورلپ کادیلک و غیره) |
| ۹- فورد اروپا - المان ، انگلستان ، بلژیک . | ۲- فورد امریکا . |
| ۱۰- لیلاند - انگلستان . | ۳- تویوتا موتور ژاپن . |
| ۱۱- اوپل - المان . | ۴- فولکس واگن - المان . |
| ۱۲- پژو - فرانسه . | ۵- نیسان موتور - جاپان . |
| ۱۳- ستروئن - فرانسه . | ۶- کرای سلر - امریکا . |
| ۱۴- مازدا - جاپان . | ۷- فیات - ایتالیا . |
| ۱۵- فورد - کانادا . | |



ژولون

پرنده عشق

پرنده ای را که در عکس ملاحظه میکنید ، (پرنده عشق) نام دارد و برای بسیاری از مردم ، نشانه و پیک عشق و عاشقی است . در عکس می بینید که این پرنده میخواهد عشق و عاشقی را به نمایش بگذارد زمانی که این خانم سوار بر موتورش از یک پارک بزرگ که حیوانات در آن آزادانه میگردند ، میگذشت ، پرنده عشق بلافاصله بروی بسام موتور نشست و بوسه گرفت ، آنقدر بوسید که خانم در یور بمشکل توانست خود را از دست او آزاد سازد .



بهترین نمایش

آقای (هنری لمت) که یکی از آرتیست های معروف المان است ، جشن تولد هفتاد سالگی خویش را با دیده جالبی بر گذر کرد هنری به بالای یکی از ساختمان ها رفت و از ارتفاع ۱۲ متری به پائین پرید و بدون یک حوض کوچک به عمق سه متر فرود آمد. او بلافاصله از آب بیرون آمد و مردم او را بشدت مورد تحسین قرار دادند . هنری از اینکه توانسته در سن هفتاد سالگی این عمل خطرناک را انجام دهد ، بسیار شادمان بود .

حریم آناز

رفتیم و دل زهستی دنیا گرفتیم
 وز لوح سینه نقش تما گرفته ایم
 خون کرده ایم دیده و این اشک لاله را
 گوهر فشانده از دل سحر گرفته ایم
 تا سر به آسمان محبت نهاده ایم
 (هر جا که رنج بوده میباید گرفته ایم)
 چون شمع هر کجا که کند شعله سرگشته
 پروانه ایم و جنس تو لا گرفته ایم
 هر چند ذره ایم و لیکن چو آفتاب
 با سیرتالیه راه تر یا گرفته ایم
 ما را (طهوری) گریه حرم رنداده اند
 اندر حریم نازبتان جا گرفته ایم
 امان الله (طهوری)



گنج

عاشقان مستند و ما دیوانه ایم
 عارفان شمعند و ما پروانه ایم
 چون ندارم با خلاق اقلتسی
 خلقی پندارند ما دیوانه ایم
 دراز دل دادند چون جام است
 تا ابد ما مست آن پیمانه ایم
 ظاهر سستی ما را خود مبین
 در شکست نفس خود مردانه ایم
 کسی نگرود واقف اسرار ما
 زانکه همچون گنج دورانه ایم
 (مولانا جلال الدین بلخی)

سالها تو سنگت بودی دگر اثر
 در بهار آن کسی شود سرسبز سنگ

از مون را يك زمانی خاك باش
 خاك شو، تا گل برآید رنگرتنگ
 (مولوی)

چند رباعی از سید حسن غزوی شاعر قرن ششم و پنجم

رفتیم و گرانسی ز وسالت بردیم
 تا مونس هر دو یاد گاری باشد
 ای کرده بسی جفا بجای دل من
 يك روز نجسته ای رضای دل من
 بکنند نهان سوی دلا رام شدیم
 ترسیدن ما همه زید نامی ما ست
 در دیده نمو نه جمالت بردیم
 دل را بتو دادیم و خیالت بردیم
 در عشق تو شد ز جای پای دل من
 این است و از این پتر سزای دل من
 و اکنون بعبان جفت می و جام شدیم
 اکنون زجه ترسیم که بد نام شدیم
 سید حسن غزوی

خمار دوشینه

دوشم به اهل بزم سرگشت و گو نبود
 من در خمار بودم و می در سبب نبود
 پرسید در دل تو ندانم چه آرزوست
 غافل که دردم بجز او آرزو نبود
 دوش آمدم که پای تو بوسم بیم غیر
 راهی به خلوت توام از هیچ سو نبود
 فاسد بگوز دوریت آذره سپرد جان
 در گوید از منش گلای بود گو نبود

آزاده

بیتا بم و از ماه فلک تاب بگیرم
 من تاب ز خود شنیدم فلکتاب بگیرم
 تو فان حوادث نکشیدم در خم و پیچم
 آن سخت در خیم که دگر تاب بگیرم
 از تشنگیها هر چه شود (آب دل من)
 با جامه از بحر فلک آب بگیرم
 من لا له آزاد (طرب دست) خیالم
 جادو پر محصوره من تاب بگیرم
 شد (اصل) گل و باغ بود (باب) تماشا
 من باز در باغ (از یمن) آب بگیرم
 من موج خرو و شنده آشتی غنایم
 آرام به جز در دل من تاب بگیرم
 خواهم که به سیماب هم درس ببینم
 من شیوه کم جنبش سیماب بگیرم
 را حگه من بستر پر شور «تیشپا» است
 من لذت راحت زبر خواب بگیرم
 «دکتر شمع ریز»

بازی

تسیم صبح اگر باز لف آند لیر کند بازی
 تو گویی کاروان مشک باغبان کند بازی
 گمان بردم عرق را از جبین پرتو افشا نش
 گواکب پرفراز برخ نیلو فر کند بازی
 زمین گمانش هر اسانم زای پرویش هر اسان تر
 که نوک تیزه با شمشیر پسر جوهر کند بازی
 حیاتی نیست امید که با آن تیغ جوهر دار
 مدام آن سنگدل با آن تن لایر کند بازی
 لب لعل شکر خا پیش تبسم گر کند گاهی
 تو گوئی بر کف ساقی لب ساغر کند بازی
 خوش آن ساعت که گر آبی پروانای شهر یار حسن
 (عدهم) از بهر استقبال چون عسکر کشد بازی

قصه‌ی کوچک تابستان

سختی چند در پاره نویسنده:
اشرف نسوا یکی از نویسنده‌های جوان نیمی از او ل سده معا صر ، در کشور های آلمانی زبان است نوشته های او به چندین زبان بر گردانیده شده و مجموعه‌ای از آثارش در سال ۱۹۲۸ یا پیش گفتاری که ماکسیم گورکی بر آن نوشت ، در انحصار شوروی چاپ شد .
اولاد نویسی ، داستان کوتاه نویسی ، شاعر ، درام نویسی و زندگی نامه نویسی سترک و مترجم چیره دست و تواناست .
زندگی نویسنده می آید با نشر دوره‌های نثره ای کتاب نثری در مورد سبک امپرسیونیسم و ونو مانتیسم در سال ۱۹۰۰ آغاز یافت .
بعیت یک درام نویسی پیروزی بر رگید درام «نولپون» بدست آورده و بعد از این چارلس پستونت رسید . نمایش نامه‌های دیگرش در عا طر یک زندگی و «برمهات» که دومی ضد جنگ می باشد .
در سال ۱۹۲۰ شاعران اپرایی و چارلسترا وس بنا م (زن ساکت) را نوشت .
اوج کار های هنری او در داستان کوتاه نویسی در مجله «ناتام» احساس همدار سراسیگر که در سال ۱۹۱۰ بدست نشر رسیده شد دیده می توانیم که در بین آن داستان انگلیست روی پرده سینما با بازیگری انگریز بر گمن آورده شد .
او در نوشته‌هایش معنی میکند بلژوف نگر و رانکا و پانه در روان فیر مسان هایش نفوذ نماید . به همین دلیل در نوشته‌های او طرز بر خورد روانی فریود و مسمر دیده میشود .
این نویسنده بزرگ بعد از فرا ز از مظالم نازی ها و دیدن فرو ریختن تمدن انسانی زیر چرخه های آ هنین آنان بازنش در مکزیکو جام زهر نو شیدند و به این ترتیب بانک اعتراض خود را بر این پدیده تا سالم اجتماعی ، بکشد نمودند .



هوای گرم تا اندازه خفه کننده ولی نسه بسیار شدید و ما می لطف مانند ا گوش فرغ زنی بنظر می آمد . پاکتین نفس دوزخ سانه در خنای رایحه عطر شکوفه ی لایمی شنیده می شد .
- شروع کرد .
و از همه اولتر باید اعتراضی تمام .
پیشنتر از نو پنهان کرده بودم که من بهار زبگری هم در کانه نایبا در همین وقت سیال نشسته . در همین هو ای گلزاره بودم .
این امر ممکن تو در شکفت زده بسیار زبوا بنو گفته بودم .
که من در زندگی ام از دست زدن رنگاری بار دوم با ناز اقلقت کردن در جایی برای بار دیگر بهمنه ت بهم می آید . ولی گو شی ای البته اینجا به همین گونه نتایج سنگین میگردد . همان مردی از میلان اینجا بود و تمام روزش را صرف فر قتن ما می میکردند آن عارا دوباره شامگاه بدریا بیند از دو فردای آن باز آنها را شکار کند . همچنان در اینج دونن سالمند انگلیسی که خاموشا نه روزها شام می خوردند . بودند عا تصور جوان زبیا می همراه با دختر رنگ پریده ای که آنکون من باور ندارم زتش بوده باشد با نظری که اندو سخت بهم میری آن و چسبیده بودند زندگی میکردند . عا تگونه یک خانواده - آنها ای که سخت با نده سنت های پروری می باشند ، بگزن بر که بسیار استخوانی و سبیه رنگ ، باحر کات کوشه دار ، چشمان سرد و فولاد تی رنگ و دغا نش جنان زشت و زنده بود که گویی بجای آن طهره ای - ساخته باشند . او با خواهرش همراه بود بدون کو چکترین تقری خود حال شان یکی بود بجز اینکه گلشت زمان چین و شیار عا ی بیشتر بر آن کشید میبود این دو چادایی نا پذیر بودند و در عین حال هیچ من نفس با هم نمی زدند ، و همیشه روی کارگاه های کو چک خامک دوزی شان هم و بدون شک صرف نظر از اینکه چه افکاری در سر های شان دور می زنده ، مانند سر نو ست های سخت دل در یک فلور کسل کننده - بوجی عاویط لت ها ، بغیه می زدند و با نایبا دختر جوانی در حدود شان زنده ، دختر یکی از آنها سولی نمیدانم از کدام شان زبیرسا بنز می نازیبای ای دوران بلو فیت چایش را به زبیبای زانگی داده بود او سانه . و سپید کشیده و هنوز هم مانند ، های دوران کودکی در بلبوی زانه شدن ، دیده میشد . ولی چیزی در آرزو های مشتاقش دیده میشد . چشمان بزرگ داشت ، و آنها به پلین پراژ نورافسردگی و دلنگی بوده و لی هنگام بر خوردن مو چی از عجان و کنسی آنها افرا می گرفت . او هم سوزن کاری داشت ولی دست هایش اکثر آرام میگرفت و یکا انگشت هایش متوقف میشد و پنهانی آنرا با حرکت می نشست و رویا وار روی دریای خیره میشد نمی دانم چرا این متفکر بر من اثر می کرد .

بیا باشت می رساند و بعد با شتابی کشامها بدون درنگ بسوی کتابخانه چته چندی - عواقل می دوید و با کتاب های شعری را که اخود آورده بود ، اشعاری از گوته و سیسی میاخ .
- راه خور ، بمن باور داشته باش پسرای دختران جوان به این سن کمالا بی تفاوت است که چگونه اشعاری می خوانند خوب باید ، لطف با نادرست .
برای آنان مصرعه های شعری فقط به منزله ی جریه آبی است که فقط بسورای فروتنان نشستی شان بدرد می خورد آنان بمنحتوی جام شراب و زهر آگین بودنش نمی آید نشید نوازرا لاجرمه سربکشند . و این حادثه به دختر با نده نیز میماند . به این ترتیب نما های لیلیا پر و دست نیافتنی در درخشندگی چشما نش لیلو ریخته و در نتیجه ی آن انگشتان لی زاننش روی میز ناخود آگاه تکان خورده و هر چه سعی میکرد تا لیلیا بیفتاوی بخورد بگریز ممکن نمیشد . بغویی بریاید ، و آرزو دارد سیم از شادای عالم هایش را با دیگری تقسیم نماید ولی کسی وجود نداشت .
هیچ چیز دیگر مگر کسالت مرده صدای خشک بیهود سوزن به چپ و راستش نگاههای خشک و تپلا نه دوزن مسن در اطرافش وجود نداشت . برایش بی نهایت متأسف شدم ، با آنهم چیزی از دستم نسی نمی آمد ، از همه مهمتر اینکه یک مسرد سالمند و مسن چه مفیدی برای یک دختر جوان می داشته باشد ؟ بر علاوه هر گونه تلاشی من با نرس از اشتیاقی خاوادگی و اندوزن سالمند با رفتار قابل احترام شان ، خنثی میگردد .
به این سبب آزمون لیر عادی را روی دست گرفته ، فکر کردم او دختر جوان نارسیده بی تجربه بوده و اولین سفرش به ایتالیه می باشد که در آلمان شیرینی بهم زده است آخرین به شکسیر مرد انگلیسی ای که هرگز این سرزمین را ندیده ، جایی که زانگاه رویاهای رنوها ، عشق های پنهانی ، بکه های بدستی زبیا ، خنجرهای ی براق ، نقاب ها ، دایه های کس سید که تکبیل دختران جوان آند و استالان ، مایاید یقین داشته باشم که در رویا هایش ماجراجا را می بیند ، و گویی داند چهره های دختران دارنده ، این با سر حساسی سفید و سیگنال که در زمینه ای آبی ، مانند همه ابرهای شامگاه با ندر خنثی قللی او در می خراشد ، اول کلایی رنگ و عصبه سرخ آتسین ؟ پس بر آن شدم که عاشق پنهانی برای او بیا فرستم .
دوره همان شب یکس نامه فراز ، پس از اشتیاق ، آرزو ، معلو از کلمات زبیا و رویا آفرین بدون کدام اشعاری برایش نگاشتم . نامه ای که چیزی نمی خواست و چیزی ندیده نمی داد و آسیره ای از عطفه و نشود بسو د - کو تاه اینکه یک نامه رویایی و رومانیک که فقط می توان از لایبلی اشعار زبیا آن را بیرون کشید . و چنانچه می دانستم که هر روز تا آرامشی اش او را وامی دارد تا از همه اولتر روی میز میخانه بیاید ، نامه را بلائی دستمال روی میز بیچاندم زمانیکه صبح شد او را از باغ تحت نظر داشتند و شگفتی در باوش ، تکان ناگهانی و بوجی از سرخی خونگ اینها بدرجساز هایش دوند و سیسی تا کلو عوار شد ، دیدم . من زبیدم که میگویند به اشعاریش با نتاب نگر بسته نامه را پنهان نمود . روی میز نان و قنار نارام و عصبی داشت ، پیش از وقت از میز برخاست و سعی می کرد تا جاییکه امکان دارد دور ازهم باشد .
من حرکت نمودم که از آن لحن پرسشگرانه خواهم می شد . گفتا .
«این برای من یک حرکت باجرات بود که انجام بدهم . تو فکر کردی که ما تا او برسی کند ، با اینکه از پیش خدمت جوانی شوم که چگونه نامه ای در دستانت پیچیده است و با اینکه آن را پس از درش نشان

بدهد .
«البته این فکر ها در ذهنم راه یا فت . ولی اگر تو این دختر را دیده بودی ، این مطلق لطف ، شکفته پرواز و شیرین کحتی اگر کمی لحنش را بلند می ساخت پس اضطراب و تشویش به اطرا قش می نگریست . همه چیز را نادیده می گرفتی . دخترای لسی وجود دارند که شیوه رفتار شان انسان را و می دارد تا کمی با افراط با ایشان بر خورد نماید ، زیرا آنها اشرف ناولان اند که حاضر اند به اندکتر بن تو چه ن به اعتماد دیگران بدهند .
همچنانکه از نظر دور می شده تیسر می نمودم از اینکه نامه موثری نداشته بود بهشت خوشحال بودم ، بعد از مدت کوتاهی بر گشت و من ناگهان احساس نمودم که شایقه هایم بهشت می زند : او دختر دگرگوله ای پاره رفتن متلاطم ازبیش بود . با حالت نا آرام در حالیکه جیره اش را سر می خورم زده دوبر گرفته و کنسی و عجان از سر تا پایش خواهم می شد ، نزدیک شده این حالت عجان زدی تمام روز ادامه داشت ، نگاه هایش همه پنجره ها را می پلاید تا گروازی را کشف کند ، هر مردی که می گذشت تا آخرین لحظه او را دنبال می کرد و حتی برای تقریبی بجانب من افتاد و لی بژوی چشمانم زبیدم تا بیاید نگاه های ناگرا می مرا رسوا سازد و لی با آنهم دید پرسشگرش روی بدم مانند فوغ آتش دود ، مسمنی رسیدم و بار دیگر بعد از سالیانی مشا و ی احساس نمودم که از این کار خطر ناگسار وجود ندارد که شعله ایمنی را در قلب دختر جوانی روشن نمود ، بعد تر دیدم که او بیسن دوزن سالمند نشسته است ، انگشت ها پیشش بیکار بودند ، و من متوجه شدم که گاه گاهی آنها بهجایی که نامه پنهان شده بوده ، امان می نمودند . اکنون این بازی را شکفت آ و در نامه اش نام دیگری نوشتم و به این ترتیب در دوزخهای دیگر .
سعی می کردم در نامه هایم احساس های عشقیک مرد جوان را بکنجا نم تا وا کتشی آن و افرادی آن در رفتار دختر دیده و کدی ای را که شکار جیان از گلزارن نام و به ناله افشانن شاد می نمایند ، بسیم ، ولی پیسوزدی هایم تا اندازه زیاد دلبره آورد بود زبیرا یا با ن آن با فوادم نمی دانستم .
ناگهانی سرور آید و زبیا جای خود را به پوشانی که من فادو به گفتن آن نشسته بود ، چشمانش را سرخ مانند اینکه گسر بسته باشد ، بنظر می آمد و اندوه و غم سرپایش را در بر گرفته بود . خاموشی اش به عیان صامتی می ماند که هر لحظه خواهان فریاد کردن باشد ، ابرو هایش تصو یسر تمام نمای از اسردگی بوده و نگاه ها پیش بیانگر قصه ای تاریک و تلخ ناامیدی ها ، در حالیکه من خواهان بشکستن سرور برپایان به او بودم . احساس ترس نمودم . زبیرا برای اولین بار اثر شگای دود آید یک نوطه را زدیم و هر قدر بغلظت فشار آوردیم تا یک دلیل ممکن برای آن بیابم ، ممکن نشد . شروع به احساس ترسیدن از حبه اش چنگام نموده و برای اینکه از دیدن اش دور باشم تا شام از گردنم بر کشتم . بعد زما نیکه برگشتم همه چیز برابرم دو شن بود ، میز خالی بود و خانواده مذکور آنجا را تسرد کتف بودند . دختر رفته بود بدون اینکه حتی یک کلمه با من می شنیده نامه بگو بد حتی به خانواده اش نگفته بود که چگونه لیلیا برای همان یک روز ، همان یک ساعت که او را ازبیک رویای آسمانی بهمان دهکده ز مینسی کوچک کشانده بود ، می کشد . این را فکر نکردم . و ناگهین لحظه من آن انبیا را در نگاه آخرش ، آن مصیبت لیلیا را ترس کشنجه ، ناامیدی و درد ناکی که من بزرگی اش راه داده بودم ، احساس می کنم سوگی نتایج دیگرش را می داند .
بقیه در صفحه ۲۸

تابستان گلشنه ماه اگست را د و -
کانه نایبا یکی از معروفترین اشعرا ستگاه های کنار دریای ای کا مو که چسبون اشتباه زبیا بین چنگل های تاریک و بیجان های سفید آتسا مان بنظر می آید ، گلزارم اکنون آرام و بعدا بنظر می آمد و گویی که آرزو های پر سرور صدا که در هر بهار به وسیله تفریح کنندگان دهکده های پلاکیس ویتا گو قبا منی بر پا میکنند ، هیچ خبری نیست . هو ای تقریباً متروک و دور افتاده بنظر می آید هر مبعان در این عواقل با نظر بیگانه و غریبی بهم می نگردند و گویی که هیچ وجه مشترکی بین آنان و جسود ندارد .
این رخداد ها و حوادث ترا بشگفتی می آمدند و بطبعی من زما نیکه در پارک مرد گاه که در ظا هرش خلعت آ را مش انگلیسی منشا نش اش با فرزی و چایکی یک پارسی جوش خورده بود اوند تهای دراز روی آرام جو گی ای می نشست و بعد لیلیا سگرتش که پارسی در هوا تا پدید میشد می نگریست و با مشول و در زدن کتابری می شد ، کسالت و خستگی خوش آینه خو دوزن متوالی باران ویر خورد بر دیا او بل دوستی و وفا قت بین مان و ایدو چود آورد پای که در طرف خلیج سالیانی شمالی و ایبم بیوند می زند . او اهل لیب ویا بود ماول د و - فرانسه و بعد در انگلستان تحصیل نموده بود و هیچگاه مزه تلخ کار و زحمت را - نچسبید مولا لیلیا متعالی بدو ن سا گمن شدن در جایی مانند گو چیا ن ویا رهزنان درباری و اینکه که هر سارت و چساول جدید بر رفتی ثروت شان می آرا یسد زندگی میکرد و تاویل شدیدی به همه اش حفاظت و آنها را به دید ماحترام مسی نگریست ولی رابطه و پیوند او با آنها - استعجاب کمتر از آن داشت که بر همین وارد درخت مت آنها در آید .

هر چه ساعت زیاد خوشی و لذت خود را در برای آنها می دیدم ولی در این راه - هرگز دست بفرمانی ای نکرده بودم ، او یکی از آن گونه شیوه های زندگی و از سر می گذرانده که زاید و غیر ضروری بنظر می آمد زیرا آنان هر گونه مسر زنده می رانسر فاده می معنی رد می نمودند و بطرفی که آنها نم تروت اندوخته و شکو عیندی که آنان با نذا از هزار آن تجارب نشی گرد آورده بودند . پس از مرگ شان بدون کمتر ین گذشتن اثر مانند بطار آب بیوا پلند می شد .
تا می که بعد از سر فدا در محوطه ای هو ای دوی همین گونه مطالب می می زدیم و ناظر آ بودیم که چگونه با هستگی در خنثی می دریا چه روی به تاریکی می گراید .
او تیسر نمود .
(ممکن چیزی در کلمه ات باشد به یقین دارم که باور چندا نی به خاطر هاندارم ، و اینکه چیزی را تجربه میکنم ، ما آنرا در آن لحظه انجام میدهم که آرزوهای واپدید شدن است . واد با تاد آیا طی بیستی یا پنجاه سال آینده رویه بیستی نیست لیکن امروز حکایتی برایت میکنم که به یقین نامه کوتا می را خواهد ساخت .
بیانم بزنم اینگونه مطالب را با گردش کردن بهتر می توان بیان نمود .
ماکتار دریا چه که تقریبا نگاه خو سی بود ویر آن درخت های سرو سایه افکنه و از لایبلی شاخه های درخت شاه بلوط - اوج در خنثی ونا آرام دریایه بغویی دیده میشد ، براه اندازیم - درگاههای دور دریایه ، و برای پلاکیس مانند باره ای رسیدیم کابه اثر نور خورشید فرو ب قلبی رنگ شده باشد ، بنظر می آمد ، بویال تر از آن روی تیر سیاه ، و برای سر بر کوفی مانند لکن العالی در غروب آفتاب می درخشید



متصدی: زبس
دیو پښتو نستانى پښ

دمازیگر او به

اولسی ادب :

دمازیگر او بو له شی په شه هنرباندى
 دمازیگر او بوله شی کمس ایی شین دی
 داسور پیروان یی جی او کړی په تابیندی
 دسپرو میره دروتلی په اختر باندى

دمازیگر او بوله شی پیکى شاهه کاندی
 رآنجه رخواخلی استرگی توری په آینه کاندی
 داغری دار منگی یی اییسی دی په سر باندى

دمازیگر او بوله شی شه پته دارلری
 بل پروت په غاړه کی دلکو روپوهارلری
 گل احمد ناست توی بادوی خاوری په سر باندى

ناسته په گودر باندى
 خالی پی په چیندی
 شه (ملک) دچیندی
 ناسته په گودر باندى

زلفی جانانه باندى
 شی او به پانه کاندی
 ناسته په گودر باندى

شین کمیس گادارلری
 شه سینه گلزار لری
 ناسته په گودر باندى
 گل احمد دکامی اولسی شاعر

دخیگر په وینو پایم

زپه می وایی چی آزادیم
 هر دینس لره صیادیم
 دخیگر په وینو پایم
 نهمی سا ری په ختن کسی
 دکوکی سره بدید یسا یم

دخیگر په وینو پایم
 زما قسم په ذوالجلال می
 خدای بهم وایی چی ستایم
 دخیگر په وینو پایم
 لمر ختلی دی سپار دی
 غم خو پلی د سبا یم

دخیگر په وینو پایم
 که شوک پوه په استقلال می
 هر وگری به خوشحال می
 دخیگر په وینو پایم
 دینس له خو به می سپار دی
 دوطن خدمت په کار دی

دخیگر په وینو پایم
 دسلطان محمد صابر دبلوچستان ملی شاعر

لر غو فی ادب :

دوصال قدر

دوصال قدر ښکاره وخت دهجران کا
 دبلبلوگل ارمان آن دخزان کا
 دبلبلو په زړه خه بلاتیریزی
 هغه وخت چی گل ریزون له گلستان کا
 کجاوه چی دلیلی ورسره نهوی
 په غم به شمار مجنون هغه کاروان کا
 له کولک بی خرنگ جذب کا خاوری سترگی
 مقناطیس شانی چی بی جذب زړونه چشمان کا
 دعاشق دزړه دتن تماشه گوړه ؟
 چه فانوس غوندى جلوه درته عیان کا
 قلم، ژبه مقصودی له بیان یی
 دیارغم چی بی په یاد زمان زمان کا
 په هجران دیار تصویر په تصویر کارشه
 چی سعید یی یا دتصویر غوندى حیران کا
 «بابا سعید خټک»

ادبی توتہ

بی بهاور انگی

دکور ترخنگه په دریدلی کیردی کی دماشوم زړا دیر تنگ کړم .
 له خولی چی را بهر شوم ، نودشوارلمسی شیبی سپوږمی په خیلو زړینو و پانگو غری .
 سره رهاکری وو . .
 کیردی تورغلم ، چی یو ماشوم دموړپه لیرکی پروت دی ، زاپی ، چیفی وهی ، او
 لوشاپوشی کوی .
 چی وز لژدی شوم ، نود خواری مورهم دخیل بیوزله ماشوم په دی لوشا پوشو .
 ناکاره اوښکی په سترگو کی وی ، او وروزی ددی په سبیتو انگو لاره کوله . .
 ومی پوښتله چی خوری ! دا ماشوم ولی دومره چیفی وهی ، ناچوړه بهوی چیرته بهمو
 کوم طبیعت بیولی و ، داخو په تمامه شه تاسو له خو به وپاسی ، تاسو خو لاشه ، چی
 ان موږ یی په خیل کورکی له زړا په تنگ شوو .
 دی راته کړل : ته دهمی کسبوی خیری کوی ! موږ دخولی مری نه لرو ، اوته ددوا
 غم یسی اخیستی یی ؟
 دالوپه دنیا دومره په موږ تنگه ده ، چی ددی لوی سمندر نه دیو شاخکی واک هم نه لرو
 او داسی به یی لوری کی شیبی نیوو ، چی پرته دسپوږمی ددی بی بها وپانگو له لورنی
 نوردھیجا او هیخ شی لور را باندى نشته .

اوسنی ادب :

دخنو حال

په چمن کی چی دی بوق دخندا خپورشی
 زما دزړه په کورکی کله دهیلو شورشی
 جی دی مخه غومره غومره سوخم
 مابد مرغ ته دی دوصل او به اورشی

په یوه مسکادی عقل رانه یووړ
 خدا زده خه بهلا په ما بیچاره نورشی
 لیونی په خنخیرونو کی فریاد کړی
 چی په مخ باندى دی حال دخنو خپورشی
 «سلیمان لایق»

ژوندون

خاطره

دخنگل چیه چیتیاکی
 دیوشین تالاب په غاړه
 دسپوږمی سره رهاکی
 سره یو ، غاړه په غاړه . . .
 هغو لویو سر درونه
 مسافر مرغان رسیری
 دویو ونو په منځ کی
 په تیاروکی شی ودرکیزی

یوسپین زیری کی نیونکی
 جاله بیایی وروورو وړاندى
 دسپوږمی تیکله ناخی
 دتالاب پرخپو باندى

نیمى شیبی وزمه چلیزی
 خوځوی دوتو خانگی
 دساحل پر پستو شگو
 کوی جگره سیوری او وړانگی

موږ دشگو پسته غیری کی
 ددی شین تالاب په غاړه
 دریا او تورم لاندی
 لاپراته یولاس ترغاړه
 (محمود لارانی)

گړنی ادب :

بابو لالی

دگلو بهیر دمخ گرانو لوستونکو!
 موږ زیار باسو چی دپښتو دشفاهی ادب بیلابیل ډولونه دگړنی ادب ترستون لاندی
 تاسوته وړاندى کړو ، نودادی پدی برخه کی دشفاهی ادبیاتو دغه گرانى مرغلری ولولی .

ناوی جوړه کړه دزرباوو دمالونه
 د(پلانکی) مسخولی ډیر دی وایه شینه

ناوی په جوړو جوړو دی وږمه
 ناوی که شال لخوا یی نن دی واردی

ناوی که شال خوا یی نن دی واردی
 د(پلانکی) جاننن په دوکان درته ولاړدی

افغانستان بهتر دانست که...

جز تولید بدبینی، نارضایتی و حس به خلع سلاح تام و عمو می مقاومت بیشتر چیز دیگری ببار صورت میگیرد پشتیبانی کرده نخواهد آورد و گذشته از آن خواهیم کرد.

صلح و استقرار را در منطقه ما ما از منع آزمایشات ذروی که به آن سخت علاقه مندیم در تمام اشکال آن پشتیبانی کرده ایم. به موجب قرارداد متاثر خواهد ساخت.

در حالیکه اظهارات جلالتماب عزیز احمد را در مورد اینکه گفته است حکومت او خواهان بهترین روابط ممکنه با افغانستان میباشند مقابله میکنم میخوامم یکبار دیگر بگویم طوریکه در سابق نیز به کرات آمادگی خویشتن را برای مذاکره اظهار داشته ام، حالا نیز صمیمانه طرفین به بار آورده است. با جدا ساخت، همین قضیه بود که در مدت تقریباً یک قرن دو مناسبات افغانستان و حکومت هند بر تانوی وقت را تیره اعتماد در هر جاوهر موقعی ای به میان آید که مشحون است با عقیده داریم در مورد خلع سلاح چنان موافقت نامه

جدید راتحت عنوان قضیه فلسطین در آجندای مجمع عمومی کا ملا تائید واز این نظریه که نمایندگان سازمان آزادی بخش فلسطین در مباحثات مربوط باین آیتیم در جلسه کامله اشتراک نمایند از صمیم قلب پشتیبانی میکنند.

روابط گرم و صمیمانه، علایق مختلف قسمتی از خاک ما و مثر اقتصادی را به نفع مردم ما را از پیکر اصلی شان طرفین به بار آورده است. با جدا ساخت، همین قضیه بود که در مدت تقریباً یک قرن دو مناسبات افغانستان و حکومت هند بر تانوی وقت را تیره اعتماد در هر جاوهر موقعی ای به میان آید که مشحون است با عقیده داریم در مورد خلع سلاح چنان موافقت نامه

بنا غلی رئیس

در نتیجه مذاخله نظا می رژیم سابق نظا می یونان در امور داخلی قبرس، ما شاهد بروز یک بحران بزرگ در این منطقه هستیم که در اثر آن استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت قبرس به مخاطره افتاده است.

حکومت جمهوریت افغانستان امیدوار است که مسأله قبرس با احترام به حقوق جامعه تر زبان و حفظ حاکمیت قبرس حل گردد.

هیئت افغانی اظهار امید مینماید که در نتیجه مذاکرات یک راه حل عادلانه و دایمی متکی بر تصمیم نامه شما در ۲۵۲ شورای امنیت بدست خواهد آمد.

روابط ما با همسایه بزرگ قبرس دیگر ما جمهوریت مردم چین تا جاییکه به ما مربوط است، به صورت نورمال و دوستانه

ادامه خواهد یافت. روابط افغانستان با هند همیشه صمیمانه و دوستانه بوده است ما همکاران خود را که علامت با رز روابط بدترین دوستانه ما بوده است، حفظ کرده و ادامه، خواهیم داد.

بنا غلی رئیس

بهبود تد ریحی در روابط بین بعضی دول بزرگ همچنان سرعت خود را حفظ کرده است. وزیر خارجه پاکستان در مورد ما از پیشرفت دیتانت که تیره بودن روابط افغانستان امیدواریم منجر به تقلیل و پاکستان باید گفت که ایشان بحران گردد. حسن استقبال وضع نارضایت بخش روابط را بیان نموده اما از ذکر علت معین

معبدا این روحیه تقاهم آن خود داری کردند، یقین همکارانی نباید منحصر محدود دارم که در ذهن نمایندگان به روابط بین دول بزرگ باشد. محترمی که درین تالار گورد معقیده داریم که مو فقیست آمده اند این سوال پیدا شده دیتانت مستلزم سهم گیری است که علت واقعی این کشید تمام دول بزرگ و کوچک گی و تیره گی روابط چه خواهد می باشد تا اینکه منافع آنان بود؟

به صورت متساوی حفظ گردد. میخوامم با استفاده از موقع محض برای روشن ساختن اذهان ما و با جلب رضایت رهبران ملی

سیاست خارجی افغانستان عمومی و جستجوی امکانات راه مبتنی بر سیاست عنعنوی ما حلی توضیح کنم که علت واقعی افغانستان در این کشیدگی یکانه اختلاف دارد که استعمال قوه جبر و در بلا گهای نظامی، همزیستی سیاسی بین دو کشور میباشند حبس در برابر کسانیکه حقوق بشری خود را مطالبه دارند، اقدامی که به منظور رسیدن

مساومت متساوی حفظ گردد. میخوامم با استفاده از موقع محض برای روشن ساختن اذهان ما و با جلب رضایت رهبران ملی

سیاست خارجی افغانستان عمومی و جستجوی امکانات راه مبتنی بر سیاست عنعنوی ما حلی توضیح کنم که علت واقعی افغانستان در این کشیدگی یکانه اختلاف دارد که استعمال قوه جبر و در بلا گهای نظامی، همزیستی سیاسی بین دو کشور میباشند حبس در برابر کسانیکه حقوق بشری خود را مطالبه دارند، اقدامی که به منظور رسیدن

بنا غلی رئیس

در ساحة خلع سلاح سیاست جمهوری افغانستان کاملاً مستلزم واقعیتی است

بنا غلی رئیس! در ساحة خلع سلاح سیاست جمهوری افغانستان کاملاً مستلزم واقعیتی است

در حالیکه اظهارات جلالتماب عزیز احمد را در مورد اینکه گفته است حکومت او خواهان بهترین روابط ممکنه با افغانستان میباشند مقابله میکنم میخوامم یکبار دیگر بگویم طوریکه در سابق نیز به کرات آمادگی خویشتن را برای مذاکره اظهار داشته ام، حالا نیز صمیمانه طرفین به بار آورده است. با جدا ساخت، همین قضیه بود که در مدت تقریباً یک قرن دو مناسبات افغانستان و حکومت هند بر تانوی وقت را تیره اعتماد در هر جاوهر موقعی ای به میان آید که مشحون است با عقیده داریم در مورد خلع سلاح چنان موافقت نامه

در صورت لازم بعجل آورند. هر چند این آیتیم نظر به تقدم آن از تحت غور کنفرانس کمیته خلع سلاح قرارداد، متاسفانه تا این تاریخ هیچگونه موافقت نهایی در زمینه حاصل نشده است. ما عقیده داریم در مورد خلع سلاح چنان موافقت نامه

باید که در این زمینه موافقت نامه حاصل شود. ما عقیده داریم در مورد خلع سلاح چنان موافقت نامه

باید که در این زمینه موافقت نامه حاصل شود. ما عقیده داریم در مورد خلع سلاح چنان موافقت نامه

باید که در این زمینه موافقت نامه حاصل شود. ما عقیده داریم در مورد خلع سلاح چنان موافقت نامه

باید که در این زمینه موافقت نامه حاصل شود. ما عقیده داریم در مورد خلع سلاح چنان موافقت نامه

باید که در این زمینه موافقت نامه حاصل شود. ما عقیده داریم در مورد خلع سلاح چنان موافقت نامه

باید که در این زمینه موافقت نامه حاصل شود. ما عقیده داریم در مورد خلع سلاح چنان موافقت نامه

باید که در این زمینه موافقت نامه حاصل شود. ما عقیده داریم در مورد خلع سلاح چنان موافقت نامه

باید که در این زمینه موافقت نامه حاصل شود. ما عقیده داریم در مورد خلع سلاح چنان موافقت نامه

باید که در این زمینه موافقت نامه حاصل شود. ما عقیده داریم در مورد خلع سلاح چنان موافقت نامه

باید که در این زمینه موافقت نامه حاصل شود. ما عقیده داریم در مورد خلع سلاح چنان موافقت نامه

باید که در این زمینه موافقت نامه حاصل شود. ما عقیده داریم در مورد خلع سلاح چنان موافقت نامه

باید که در این زمینه موافقت نامه حاصل شود. ما عقیده داریم در مورد خلع سلاح چنان موافقت نامه

باید که در این زمینه موافقت نامه حاصل شود. ما عقیده داریم در مورد خلع سلاح چنان موافقت نامه

باید که در این زمینه موافقت نامه حاصل شود. ما عقیده داریم در مورد خلع سلاح چنان موافقت نامه

ترکها قوی هستند

اما شماره های روز نامه پیش از تو ذیع بین مردم از غر فیه های فروش به علت نشر خبر جعلی توسط پولیس جمع آوری شد. پس از گذشت دوز رنج آور کسرا - کانلیس پشت میکرو فون آمده به توضیح علت حو صله یونان در برابر حمله تر کها پر داخت: به و ارد کردن يك ضربت متقابل با رعایت حقایق مشهود و کامل بائر بعد مسافه بین یونان و قبرس و برخلاف

نزدیکی آن جزیره به تر کیه ممکن نبود. یونان میل ندا رد به قانن جنگل تو سل جسته، زور را به زور جواب بگو ید. در مورد وضع موجود در آنجا رژیمی که به تاریخ ۲۴ جولای سقوط کرد،

مسوول می باشد. نخست اندیس که اینبار نظامیان کفاره آنرا باید پس بدهند، هر گاه، مثلیکه همیشه پس از بسینه کش کردن عده ای را در یونان سر بریده اند.

مزیداً دیار تمننت شهری هم تسلط تر کها را بالای جزیره قبرس خیر مقدم گفت. یونان به جینو ا روی آورد و به آنها در آنجا تو صیه شد که به تقسیمات تر کها گردن نهاده آنرا بیدیرند و اشنگتن بست مینگارد: در قضیه بحر ان قبرس هنری کیسنجر از پوزش

بهبخواهی خود فاصله داشت. چرا این موضوع در وهله اول پنهان ماند. احتمال دارد که منازعه قبرس از طرف کیسنجر جدی دنبال نشد، زیرا او گفت ویتنام را صرف بعنوان يك انگیزه جنگ بین المللی قلمداد کرده بود. با تمام انتظام اجباری منطقه شرق قریب که با قوت زیاد دنبال می شود شاید او را به آن واداشته باشد، و در فرجامین تحلیل احتمالاً سرگرم موضوع انتقال قدرت اداری در ایالات متحد بوده است.

معهدا سیا ستمداران مسؤل آن تصور مینمایند که طرح تقسیم قبرس از طرف تر کها با اعمال قوه و مداخله قوای زرمی مدتها پیش

در واشنگتن ترتیب شده بود. علاوه بر اسرائیل در پشت پرده نقشی دارد بسو جود آورده شود.

سراسقف مکار یوس بی طرف سد راه تطبیق نقشه واقع شده بود اسرائیلی ها نظر به درک مناسب یونانی از مدت ها پیش - - - - - اصرار می ورزیدند تا این میکاریوس از صحنه بیرون کشیده شود دلایل این موضوع نه تنها غوغا نیست که در مطبوعات اسرائیلی پس از سقوط سراسقف مکار یوس برپا کرده، بلکه تماس های بسیار سری رهبر کودتای آتن جنرال ایواند لیس با اسرائیلی ها می باشد.

آیا سیا سون از اسرائیلی طلا دریافت میداشته است ؟

عضو رابط در حاشیه این تماس ها تبعه یونانی جاکمی الا سا را کیسی می باشد که اصولاً یهودی بوده و شوهر خواهر ایواندیس است. قرار معلوم جنرال کودتا کنندگان با فرستاده های اسرائیلی ماه ها پیش از رویکار شدن کودتا علیه مکاریوس بطور منظم در کلینیک شوهر خواهر داکتر بنام کییانوس ستا وروس بهم میدیدند.

ظاهراً ایواندیس کور کورانه در دام افتیده بود. با کودتای که کرد و باعث تحرك قوای ترکی گردید، یونان با تقسیم ناخواسته جزیره قبرس مواجه شد این تقسیم نه تنها يك تقاضای قدیمی انقره بود، بلکه واشنگتن هم به آن سر موافقت جنبا نید. تقسیم جزیره به اساس ناگام شده بود.

تیکو س سامیسون، آلت دست ایواندیس در جزیره و رئیس دولت

يك هفته ای در عین زمان از تسباط های هم با اسرائیل برقرار ساخت پس از يك ملاقات در بیت المقدس غالباً داد و ستد پولی منظم هم صورت گرفته است و از همینجا سازمان گور یلا های دیگر هم علیه آنها وارد عمل شده در لست فعالیتهای شان مبارزه علیه آنها را شامل ساخت امریکایی ها قبلاً به سامیسون وعده شناسایی رژیم او را داده بودند و تقریباً همین وعده را هم بسر رسانیده بودند که ترکها قوای خود را به حرکت در آوردند و او از طرف مردم خود معزول گردید.

سگدیس سیا ستمدار سوسیال دیموکرات در روز پنجم نهمه آنوقت در آتن طالع اقدما تى شد تا یونان از ناتو خارج شود. علاوه بر یونان میبایست قرار داد های خود با امریکا را در مورد اعطای امتیاز پایگاه برای لنگر انداختن قوای نمبر ۶ بحریه و هکذا موافقتنامه هیات نظامی اعزامی امریکا را در آتن فسخ بدارد.

موضعگیری متحد زور مند که به حکومت نظامی آتن ابراز وفاداری مینمود و یونان را در راه اتخاذ روش بازگشت به دیموکراسی به اشکال مواجه ساخته بود، یونان را باعث کتک کاری پر سونل امریکایی در چنان وضع نا هنجاری قرار داد در پیروس گردید.

مظاهره کنندگان علیه کیسنجر شعار داده او را قاتل خطاب می واز او تقاضا داشتند که امریکایی ها را از پایگاه های شان در یونان بیرون ببرند. يك نطق دولت قصد حکو متش را در مورد

اجرای این تقاضا با لحن سستی پس گرفت و چنین اظهار داشت: او از این موضوع هیچ چیزی نمیداند و لاقلاً این راپور ها گمراه

کننده میباشد. البته راپور ها که بر اساس آن یونان مانع رسیدن مواد نفتی برای بحریه نمبر ۶ امریکائی شود، رد نشده باقی ماند.

ایالات متحد امریکا در وسط بحران سفیر سابقه دار خود تسکا را که از سالها در آتن بود فرا خواند. تسکا به ایالات متحد بازگشت و خلف او کو پیش متخصص در امور امریکای لاتین هیچگاه از او ضاع جاریه در مدیترانه آگاه نبوده و به موضوعات مربوط به این منطقه سروکار نداشته است. دعوت کیسنجر به آتن از طرف وزیر خارجه و بعد ها از طرف کرمانیس شدیداً رد گردیده و چنین جواب داده شد که: عجالتاً بنا بر اشتغال زیاد دیدار هر دونفر میسر نمی باشد. زیرا یونانی ها احساس نمودند که در ساحه دیپلوماتیک از طرف امریکا حمایت نمی شوند، امریکایی ها البته طی رات عصری فانتوم به آتن تحویل داده اند (تامام می ۱۶ عدد ولی بدون تجهیزات فیر را کست و گیر های حاصل بمب) ولی این طیارات جهت فانتوم در میدان های جنگ بیبچه چه برای یونان قابل استفاده نمی باشد.

علاوه بر نمبر ۶ امریکا که حق استفاده از بنا در یونان را دارد پهلو گرفتن کشتی مسافر بر ارگادی دی یونانی را در ساحل قبرس که قوای عسکری و محصلین قبرس رضا کار را برای جنگ در قبرس روی عرشه خود حمل مینمود، ممانعت کرد. (پایان)

تمام کشور های دارای اسلحه ذروی شرط قبلی واجتناب ناپذیر محسوب میشود. حکومت ایران امسال آیتم جدیدی را بنام تاسیس يك منطقه غیر ذروی در شرق میانه پیشنهاد کرده است. ما ازین اقدام بموقع حکومت ایران، حسن استقبال میکنیم و عقیده داریم که این پیشنهاد صلح و امنیت منطقه را بیشتر تقویت بخشیده قبول و تطبیق آن يك قدم مثبت در راه خلع سلاح ذروی خواهد بود. ما جداً آرزو میبریم که بحث مجمع عمومی بر جنبه های مختلف این آیتم منجر به تصویب اقدامات کافی برای تطبیق فوری آن شود.

بناغلی رئیس!

در مورد رفع استعمار و تسلط خارجی در تمام اشکال و صور آن سیاست حکومت افغانستان تغییری نیافته است. اگر چه در طول بیست و نه سال گذشته ملل متحد درین ساحه به موفقیت های مهمی نایل آمده، معذالك بقایای استعمار و سلطه بیگانه در بعضی قسمت های دنیا هنوز هم وجود دارد که سد بزرگی در برابر حق تعیین سر نوشت ایجاد نموده و انکشاف و پیشرفت را مختل مینماید.

طوریکه مشاهده میشود در مورد مسئله رو دیشیای جنوبی او ضاع در طول سال گذشته بعلمتاً اتخاذ اقدامات جابرا نه از طرف رژیم غیر قانونی اقلیت نژادی ایان سمیت علیه مردمان بومی (زما مبابوری) بدتر شده است.

همچنین بعلمت تخلف بعضی دول مخصوصاً افریقایی جنوبی از قیودیکه توسط شورای امنیت وضع شده بود اوضاع بدتر شده است. نظربه وضع فعلی رو دیشیای جنوبی هیئت افغانی از مفکوره توسعه دادن به این قیود کاملاً پشتیبانی مینماید. در مورد (نامیبیا) افریقای جنوبی به سر پیچی از تصامیم ملل متحد ادامه داده و وجایب خویش را به اساس منشور ملل متحد در مورد آن خطه پامال نموده است، افریقایی جنوبی به صورت روز افزون متوسل به تشدد، شکنجه و تهدید

افغانستان بهتر دانست

مردم نامیبیا گردیده و سیاست غیر بشری آ پار تاید و «با نتو ستان» را کما فی السابق پیش میبرد.

هیئت افغانی از اقداماتیکه توسط شورای ملل متحد راجع به نامیبیا به تصویب رسیده قدرانی میکنند.

ما امیدواریم تمام اعضای ملل متحد با شورای مذکور بحیث يك مقام ذیصلاح برای نامیبیا همکاری نموده و تصامیم آنرا رعایت کنند. هیئت افغانی از بیانیه وزیر محترم امور خارجه پر تکال در بحث عمومی مبنی بر اینکه سیاست حکومت آنکشور در جهت رفع استعمار پیش میبرد، حسن استقبال میکند. البته برای ما اسباب رضایت است که رهبران جدید پر تکال حقوق غیر قانونی تفکیک مردم مستعمرات پرتگال را برای تعیین سر نوشت و استقلال برسمیت شناخته اند. موافقتنامه حاصله بین فریلمو و پر تکال در مورد اعطای استقلال به موزامبیک در سال ۱۹۷۵- امیدوار کننده است. ما جداً آرزو میکنیم که موافقتنامه مشابهی را جمع به انگو لا نیز در آینده قریب حاصل شود تا اینکه مردمان آن کشور هم بتوانند به آمال مشروع و در راه خود نایل گردند.

بناغلی رئیس!

افغانستان به حیث يك کشور محاط به خشککه به نتایج سو مین کنفرانس ملل متحد راجع به حقوق بحر اهمیت بزرگی قایل است. ایجاد يك نظم قانونی و عادلانه در مورد ابحار که بتواند حقوق و منافع تمام کشور ها اعم از ساحلی و یا محاط به خشککه، پیشرفته یا روبه انکشاف، بزرگ یا کوچک را تضمین کند يك ضرورت فوری بین المللی می باشد. يك میثاق آتیه در مورد حقوق بحر حتما باید حق دسترسی آزاد به بحر و از بحر را برای کشور های محاط به خشککه تضمین نماید و متکی

بر پرنسیپ های قانونی و تثبیت شده حقوق بین الدول باشد. حق ترانزیت آزاد کشورهای محاط به خشککه و سهم گیری آنان در انکشاف و بهره برداری از منابع حیه و غیر حیه ابحار در ماورای آبهای ساحلی کشور ها که حدود آن بصورت بین المللی مورد قبول باشد، حتما باید تأیید و تضمین شوند.

بناغلی رئیس!

تا رسا بر نظم اقتصادی جهان و موسسات موجوده اقتصادی برای مقابله با مسایل انکشاف در کشور های روبه انکشاف و رسیدن به يك رشد متوازن اعضای جا مع بین المللی برای اولین بار در ششمین جلسه خاص مجمع عمومی ملل متحد که به منظور مطالعه و بررسی پرو بلم مواد خام و انکشاف دا یر شد، به صورت دقیق آشکار و مطرح مذا کره قرار گرفت. ارزش این جلسه خاص درین نکته قرار دارد که يك دیا لوگ متکی بر تفاهم و مواضع مشترکات فوری تمام کشورها در سطوح مختلف انکشاف میان آمد درین جلسه این حقیقت که منافع کشور های پیشرفته و روبه انکشاف هر دو نمیتواند بیش ازین از هم جدا باشد آشکار شد و تصمیمات آن نقطه عطفی را در روابط اقتصادی بین المللی کشور ها که از نظر اقتصادی در سطوح مختلف پیشرفت قرار دارند بوجود آورد. ما اطمینان داریم که این تصمیم ها عصر اتکاء به هم عدالت، پیشرفت، و صلح را به دنبال خواهد داشت. طوریکه اعضای محترم این مجمع عالیقدر اطلاع دارند افغانستان يك کشور روبه انکشاف محاط به خشککه و هم چنین در بین کشور های روبه انکشاف یکی از کشور های کمترین انکشاف یافته می باشد. پرو بلم ها و احتیاجات فوری این کشور ها در جریان جلسه خاص مورد بررسی عمیق قرار گرفت و در نتیجه در زمره

کشور ها ییکه از بحران اقتصادی بین المللی شدیدا آسیب دیده اند شامل ساخته شدند. تطبیق اقدامات فوری بمنظور رفع حواجی و پرو بلم های آنان در تصویب نامه ایکه از طرف جلسه خاص به تصویب رسید پیشبینی گردیده است ولی متأسفانه اقداماتی که در تصامیم جلسه خاص گنجانیده شد از طرف اعضای جا مع بین المللی تا اکنون تطبیق نگردیده. پروگرام مخصوصی که اتخاذ اقدامات اضطراری را به منظور حل مسایل فوری کشور های محاط به خشککه کمترین انکشاف یافته و سایر کشور های که از ناحیه بحران اخیر اقتصادی شدیداً خساره مند شده اند پیش بینی کرده بود بصورت مو ثر جامه عمل نپوشیده است این علم موفقیت بیشتر ناشی از فقدان علاقه و تفاهم از جانب کشور های پیشرفته، علی الرغم تصمیمات جلسه خاص میباشد. هیات افغانی مایل است قدر دانسی خود را به کشور های پیشرفته و هم چنین به کمک دهندگان وابسته به کشور های روبه انکشاف که جهت تطبیق تصمیمنامه جلسه خاص مجمع عمومی پیشنهاد مساعدت کرده اند اظهار نماید.

بناغلی رئیس!

چون تطبیق تصمیمات جلسه خاص و آیتم های دیگر اقتصادی که بصورت خاص مورد علاقه ما است در کمیته دوم مجمع عمومی مفصلاً مورد بحث قرار میگیرد هیات افغانی درین وهله به ابراز نظریات عمومی اکتفا میکند.

در خاتمه هیات جمعی ریست افغانستان از همکاری کامل خود به شما بنا غلی رئیس و به دیگر اعضای ملل متحد بمقصد صرف مساعی جهت بمیان آوردن يك عصر جدید و اقدامات مشترك بمنظور مطالعه طرق اصلاح وضع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و احوال مردمان سراسر جهان اطمینان میدهد. مایقین داریم که با ابراز و تعمیل حسن نیت لازم این جلسه توام با موفقیت خواهد بود.

تشکر

قصه كوچك تابستان

او داستانش را پياني رساند.
 نزديكي شب قدم زدن مارا همرا هستي
 كرد. و ماهي كه ماه از لاي پاره ابر ها
 مي برآمد روشنائي كمرنگي مي انداخت .
 ستارگان چشمك زن و پيچاي رنگ پريده اي
 درياچه چنين بنظر مي آمد كه در بين درخت ها
 معلق و آويزان مانده اند .
 بالاخره دوستم سكوت را شكستند « اين
 داستان بود . آيا قصه اي رانمي سازد؟ »
 « يقين ندارم . اين هاهمه رخددها ي
 يك داستان اند كه من مي خواهم بديگر ان
 در هم آميزم ، يكي از قصه هاي كه بغا طر
 ترتيب آن از تو شكر گلدارم ، و لي نمي توان
 آن را ناول كوتاهي گفتم . اين يك آغا ز
 و پيش در آمد زيباست ، و ممكن مراد چار
 وسوسه وانوا كند .

اين خصلت ها به سادگي يكي از برابر
 ديگري مي گذرند و بدون اينكه پيو ندرست
 داشته باشند . در اينجا خوش نوت سرنوشت
 هاي خصوصي وجود دارد بدون اينكه چنين
 پاياني بيمان باشد . ممكن يكي بغوا هد
 آن هارا تا نسايج و فر جام د نبال
 كند .

« مي دانم منظور تو چيست سرنوشت دختر
 جوان ، بازگشت به شهر ، و وحشت از سر
 گرفتن زندگي يك نواخت و كسالت بسا ر
 هميشگي ... »

« لي ، زياد هم چنين نيست ، دخترچندان
 علاقه بخصوص مرابر نمي انگيزاند . دختران
 جوان هميشه جالب نيستند ، جالب تو جا
 چيزي است كه آنان در خود شان مي نگرند
 زيرا تمام تجارب شان فقط منفي و بسيار
 همگونه اند .

دختری در چنين شرايط ممكن فر دا يي
 با مرد مورد احترامی ازدواج كند و بخانه بخت
 برود ، و اين حادثه مانند ورق روشني در
 دفترچه خاطراتش باقي خواهد ماند . دختر
 مورد توجه ام نيست .

« خوب ، اين عجيب نيست ؟ مثل كس
 براي ، من چيزي را كه تو در مورد يك
 مرد جوان مي بيني ، نمي بينم . نگاه هاي
 اينگونه ، حرف شعله هاي كه در گذشته يكي
 زبانه مي كشدند ، چيزي است كه همه كس مزه
 آن را در جواني مي چشيد ، چيزي كه اكثر
 مردم قادر به احساس آن نيستند ، و ديگر
 بزودي بدست فراموشي مي سپارند . يكي
 بايد مسن و سالمند شود تا نمره اي همه
 تجارب را بچشند ، ممكن اين يكي از برتري
 ها عميق و شاد جواني است . »

اوست كه وهم و خيال را بخود راه ميد هد و
 (مرد جوان هم طرف علاقه ام نيست)
 (خوب ، پس چه طرف تو چه ات است؟)
 (براي من جالب تو چه در مرد سالمند
 نويستنده ي نا مه است و مي خوا هم كمي
 آنرا گسترش داده و داستانش را بفرجا مي
 بياورم . من فكر نمي كنم كه يكي در هر
 سن ، بدون بخشودگي بتواند نامه هاي بر
 انگيزاننده همچان بنو بسد خود را در احساسات
 عشقي بيگند . من سعي خواهم كرد كه

تصور كنم چگونه اين بازي باشد چدي
 و گرم ميشود و چگونه او تصور لگام زدن
 آن را مي نمايد در حاليكه خودش ايجادگر
 رنج ها و درد هايش است . زيبا يي شكوفان
 دختری كه اول فكر ميكند فقط از دور نظاره اش
 مي نمايد ، چگونه در زرفشاي يك احساس
 بدون كه خود متوجه باشد ، مي كشاندو -
 لحظه اي كه همه چيز بصورت ناگهاني از
 چنگش ميرود - و اينز ماني است ؟ و ي -
 خواهان پيوستگي و تداوم بازي مي باشد
 بازي كه سخت بان دلبيستي يافته بود -
 براي من جالب تو چه است تاير الترات
 اشتياق و آرزوي كه توسط يك مرد پيسر
 ايجاد ميشود و همانندي با لحنات جواني

آن خواهد بود...)

(حيله گر ، گمراه ، تقلب ، و كاملا غير
 ممكن:)

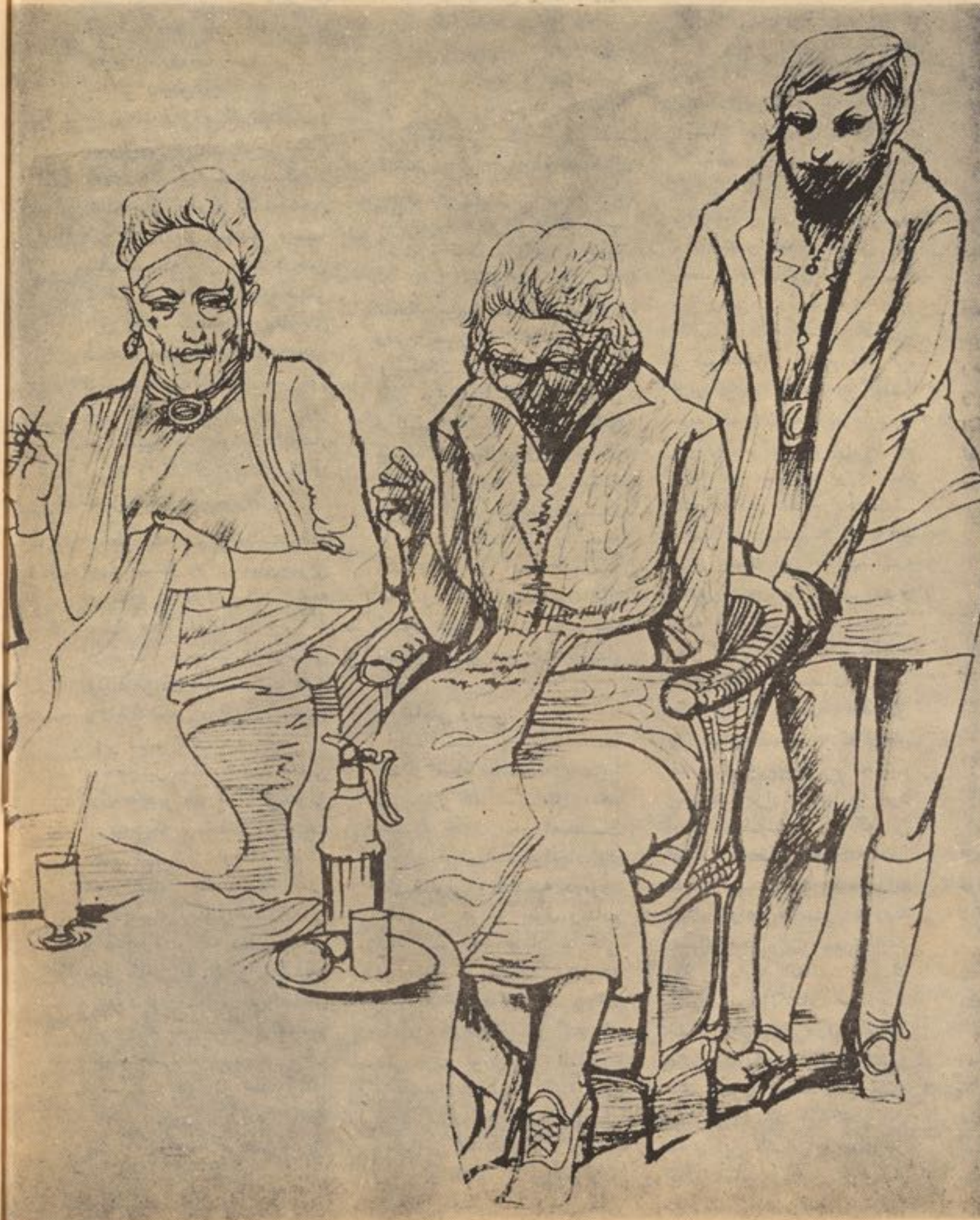
قدم هايم را گر فتم . صدا ، خوش نش
 ولحن بي ادبانه اش كلماتم را با چنان شدتي
 بريد كه بوي تهديد از آن ها خوانده مي -
 شد . همچو قوت دوستم رابه اين حد آشفته
 نديده بودم .

دريك لحظه دانستم كه افكار من پرايش
 سخت درد آور بوده است و هنگاميكه به
 صورت ناگهاني و شدت توقف نمود من از
 موي سپيدش گيج شدم .

خواستم تا موضوع را تغيير بدهم تا از عصبانيتش
 بكاهم . ولي دريك لحظه دوباره
 مرا مخاطب ساخت و لي اين بار بالحن بسيار
 محترمانه و چنان كلمات را ادا كرد كه در
 زرفشاي آنها معدلت خوانده شد (يا ممكن
 تو راست بگوي يقين در آن يك چيز جالب
 وجود دارد . بفكرم بهمين دليل با لژاك يكي
 از داستا نهاي زيبا و باشكوه اش را بنام

(بين عشق پيري را) نام گذارد .
 ولي سا لمتدان ، كه از راز هاي زياد
 در اين قلمرو آگاهي دارند ، فقط ترجيح مي -
 دهند از پيروز ي هاشان حرف بزنند و روي
 ضعف هاي شان پوشش بگذارند ، آنان مي
 ترسند از اينكه خويش را روي مسايلى مسخره
 كنند ، كه در مورد ي ، چيز ديگر نيستند مگر
 پاندول نوسان جاويد انگي . آيا براستي
 فكر مي كني تمام فصل هاي كتاب خا طرات
 كازانوا تصا دفي بوده ، چاييكه فريبرگر خود
 را فريب زده مي يابد ؟ ممكن دستش محض
 سر نوشتي بوده كه بطرف قلم دراز شده
 دراز هاي قلبش را بيرون داده است .
 دستش را دراز نمود . لحن صدايش -
 كاملا سرد ، آرام و نا همچاني بود (خدا حافظ
 شب بخير . مي بينم كه گفتن قصه هاي
 جوانان دريك شب تابستاني خطرنا ك است .
 اين امر افكار احقانه ي را در ذهن آدمراه
 مي اندازد و انسان رابه روي هاي غير ضروري
 مي كشاند . شب بخير)

بقيه در صفحه ۶۴



ازدوستکاران

از : دوكتور محمد عزيز سراج

از : فضل هاري محصل طب

پرواز دل

آموختم

پرواز دل بسوی خدا می برد مرا

مستم خممار عشق کجا می برد مرا
 در جستجوی وصل نبا شد قرار من
 یارب چه عالمیست ز جا می برد مرا
 پروانه وار چرخ زخم در طواف تو
 این اصل خانه ایست بجا می برد مرا
 بی جا مه کی توان در حریمش قدم نهاد
 پوشید نام حرام قبا می برد مرا
 دانه که در است نصیبم نوشته است
 در حیرتم که باز چرا می برد مرا
 دیدارم آرزو ست صدا هم به پشت کوه ست
 چشم بصیر توست صدا می برد مرا
 دل داده ام زاول دلدارم آرزو ست
 گشتم اسیر ناز ارامی برد مرا
 وصل است آرزو و یقینم رسیدنست
 من چا کرم به عشق وفا می برد مرا
 بایک جهان نیازید ربا ر شس آمدم
 یارب شود قبول دعا می برد مرا
 هر کس به کمکم چو تهی کرددوش خود
 زار و ذلیل دیده به پا می برد مرا
 دستی دراز کرده و رحمی طلب کنم
 صاحب کرم کجاست گدای می برد مرا
 در سینه گر طپشی است ذکر ذکر اوست
 این ذکر رهبر یست صفا می برد مرا
 من غرق انفعال شدم در حضور او
 پا سار ب بجاست حیا می برد مرا
 گر مطلب (عزیز) رسیدن به عالمیست
 در پای کوه طورند می برد مرا

می پرستی راز چشمان نگار آموختم

راستی را از قد بالای یار آموختم
 نشنوم آواز نا هنجار بید و قا ن عشق
 تا نوای شوق بخش از بانگ تار آموختم
 میسزد باز ور گویان زور گو بایشدن
 درس خوبی از ستیز روزگار آموختم
 تا شدم من رو برو با صبح دیدار خوش
 پاکی و صدق و صفا آینه وار آموختم
 بهر آزادی تلاش بیجهت کی می کنم
 منگه اندر دام زلفا نشن قرار آموختم
 هر زمان شادابی و سر سبزی از نو آور یست
 این روش از سیر خوب جو یبار آموختم
 تا نسنجیده قسم ، در کوی او بگذارد ده ام
 من بسی اخطار زلف تابدار آموختم
 گر تواضع پشت استغنا می منم میکند
 همچو درسی از خم ابروی یار آموختم
 هیچگاه دل بستگی با بیوفایان خوب نیست
 «هادی» خوش اندرزی از روزگار آموختم

تهیه کننده: سید احمد شاه (شامل)

بخوان و بیندیش

جای تاسف است که بسیاری از مردم از صراحت لهجه بیش از شنیدن دروغ احساس ناراحتی میکنند .
 نوئل کوارد
 حقیقت مانند شیر در نده است که اگر هم بدام افتد همه تر جیح میدهند همواره در قفس باشد !
 شکسپیر
 بدبینی نشانه ناتوانی و عدم اعتماد به نفس است زیرا کسی که به خویشتن اعتماد ندارد همه چیز را از پشت عینک بد بینی می بیند
 پاسکال
 یگانه خوشی واقعی درین جهان نیست که از زندانی که برای خود

ساخته ایم بیرون بیا نیم و با زنجیر عشق پیوند خود را با زندگی استوار کنیم .
 آلدوس هکسکی
 هرگز صبر و برد پاری را از دست ندهید ، زیرا این آخرین کلیدی است که در بسته را می کشاید .
 «۹»
 خوش شبختی در میان چهار دیواری خانه شساست . بیهو ده آنرا در باغ خانه بیگانگان مجوئید .
 مارک اورل
 زن مثل سایه است ، اگر دنبالش کنی میگرد یزد و اگر فرار کنی دنبالش میکند !
 افلاطون

جهان ناپایان با امکان

از ایلستر تیلوکی آف اندیا

واستخدام در رشته‌های

در جهان کوران هر سوم نفر هندیست سوء تغذی یکی از اسباب عمده کوری در بین اطفال هندی محسوب میگردد. امروز در کشور هند پنج میلیون نفر ناپنا است.

خانه کوران خوشحال یاد می‌شد به بمبئی برده شد. «اما من خوش نبودم. احساس میکردم که باید همراه بینایان درس بخوانم».

بنای وی بیک مکتب عالی که چند کیلو متر دورتر بود داخل گردید. چند ماه اول، ماه‌های مشکل بود. «چنین معلوم میشد که هیچ کسی متوجه من نبود. اما بعدتر رفقای مکتب به کمک و نجات من رسیدند. آنها برای من کتاب میخواندند و مرا کمک میکردند تا نوت بگیرم».

امروز پراوین نسبت بخود مطمئن و متیقن بوده و بدون کمک دیگران حرکت میکند و راه میرود. وی روزانه از ناحیه جارگون واقع در حومه بمبئی جائیکه خودش به تنهایی در یک ایارتمان کوچک زندگی میکند

پنج میلیون کور : در هند در حال حاضر پنج میلیون نفر کور می‌باشند. سی فیصد از این ناپینایان اطفال بسن مکتب‌رو اند. (فیصدی نا بینایان در کشور های دیگر بیشتر در بین کلان سالان می باشد) اسباب عمده ناپینائی عبارتست از :

- (۱) سوء تغذی ، بسیاری از اطفال از ناحیه عدم کفایه ویتامین «بی» دیده نمیتوانند.
- (۲) تراخیم. «۳» مرض کتراکت چشم (وقتی که لنز چشم خیره می‌شود).
- در ظرف ۲۰ سال آینده تعداد ناپینایان در هند به ده میلیون نفر و در تمام جهان به سی میلیون خواهد رسید.

برای جلوگیری از ناپینائی چه اقداماتی صورت می‌گیرد ؟ انجمن رویال کما منولت برای ناپینایان بهمکاری انجمن ملی برای کوران سالانه ۳۰۰ کمپ چشم را تاسیس می‌کنند. موسسه «آیز آف اندیا» در ظرف سه سال گذشته ۷۰۰۰۰۰ ناپینارا مورد تداوی و معالجه قرارداد که از جمله ۶۳۰۰۰ شانرا عملیات جراحی نموده است .

درین اواخر در گجرات یک کمپ چشم بمیان آمد. یک ماه قبل از افتتاح این کمپ یکصد و دو مرکز معاینه چشم در مناطق قبایلی در مدھیسا برادیش ، راجستان و مهاراشترا تاسیس گردید. چهارده نفر جراح در هر پنج دقیقه یک عملیه جراحی

پراوین داندیا پنج ساله بود که بمرض چیچک دچار شد و چشمان خود را از دست داد. علت آن این بود که به وی واکسین چیچک زرق نشده بود زیرا «برادر کلان من بزودی بعد از اینکه واکسین چیچک گرفت از دنیا چشم پوشید» .

پدر شان که خیاط متوسط الحال در سورات بود فکر میکرد که باید واکسین چیچک به پراوین جوان داده نشود.

پراوین اکنون سی و سه سال دارد و بحیث یک معلم خانگی ایفاء وظیفه میکند. وظیفه اصلی او اینست که با کوران در تماس آید و امکانات تعلیم و تربیه و کار کردن را با ایشان مطرح کند .

پراوین اکنون میخواهد ازدواج کند. وی گفت: «دختری را میخواهم که دیده بتواند و باید مانند کلکسین اطاقی باشد که با چهار دیوار بسته شده است. این امر برای وی مشکل خواهد بود زیرا مشارالیه مجبور خواهد بود که خود را بشرايط يك زندگی مشکل توافق دهد. من يك وظیفه مامون در انجمن مردان کور دارم در تاریخ از کالج ولسن بمبئی درجه ماستری گرفته ام» .



یکتعداد از کوران بحیث معلم، نماینده، ایجت بیمة، آپریتور تیلفون و خبر رسان استخدام میشوند .

در شهر ما برده بود. ولی یک شخص رؤف و مهربانی (شیراز بسرای که خود نیز کور بود) نزد مادرم آمد و بوی از موجودیت مکاتب اطفال کور چیزها گفت» .

پراوین به مکتب کوران که «بنام

تافل و را فوانتین که ۴۰ کیلو متر مسافه دارد راه می‌پیماید و از خانه های اشخاصی که جدیداً ناپینا شده‌اند دیدن میکند .

«یکانه مشکل من در زمان نیست که جاده را عبور می‌کنم. فقط عمده معدودی

ذات و سعیدی تعلیم و تربیه

مختلف همراه است



نابینایان در پروژه های اعمار سرك مصرف كار اند و از این راه آنها اعاشه مینمایند .

وظیفه را در مراکز تولیدی در فابریکه های دولتی، ویا در فارم های زراعتی پیدانمایند. مراکز تعلیمی و تربیتی کورس های عالی را برای نابینایان دایر میکنند و مکاتب تجارتي را تدویر می نمایند . بعد

ازاکمال کورس ، فارغان نابینا میتوانند یادرخود مرکزتعلیمی کاری پیدا نمایند ویا اینکه به يك فابریکه دولتی رجوع کرده واستخدام شوند درسال ۱۹۶۹ نود هزار نابینا درمراکز تولیدی و بیست هزار دیگر درفابریکات استخدام شده بودند . وی علاوه کرد : بهترین شکل استخدام برای کوران کار کردن درمراکز تولیدی است. درین مراکز تمام شرایط ضروری کاری که نابینایان میخواهند بشمول ارتقاء واعتلای فرهنگی میسر است . در اتحاد شوروی ۴۸۰ تصدی وجود دارد که مصرف تولید موتور های برقی ، ترانسفارمر ها، سامان ولوازم برقی، لاین های برق، پرزه جات التوی موتور و ماشین های زراعتی بوده وکارگران آنها را همه نابینایان تشکیل میدهد.

امروز دراتحاد شوروی جمعا هفت هزار نابینای روشنفکر و تعلیم یافته مانند معلمین ، نوازندگان آواز خوانان، قانون دانان، نویسندگان و کارگران مغز الکترونیکی موجود می باشند .

(بقیه در صفحه ۶۰)
صفحه ۴۱

واستخدام کنندگان آنقدر مثبت نبوده است. این ازاین لحاظ نیست که آنها بمقابل نابینایان همدردی نداشته اند. استخدام کنندگان اصلا فکر میکنند که نابینایان شاید قادر نباشند تا بمطالبات واقتضات عملیات صنایع عصر حاضر جواب مطلوب دهند . در جمله کشور هائیکه پرابلم نابینایان را موفقانه حل نموده است اتحاد شوروی می باشد. میرمن فاضل بای گفت : تسهیلات خوبی برای نابینایان تهیه دیده شده است. «درهند پسران ودختران ما میتوانند آواز بخوانند، رقص کنند و آلات موسیقی را بنوازند.

بورس زمین، عسکری که درسال ۱۹۴۳ نابینا شد و اکنون رئیس شورای جهانی برای رفاه نابینایان می باشد از امکاناتی که برای استخدام نابینایان در صنایع و رشته های مسلکی دراتحاد شوروی موجود است حرف زده میگوید: هر نابینائی که آرزوی کار را داشته باشد میتواند

چشم را انجام میدادند. سی نفر داکتر از مریضانی مراقبت ونگرانی می نمودند که از ناحیه مرض شکر سوء تغذی و بیماری های دیگر رنج می بردند. به تمام آنهائی که تحت عملیات جراحی قرار گرفتند (۷۸۹۲ نفر بشمول ۳۰۰ طفل) بستر، ادویه و غذای رایگان داده میشود. این بیست و دومین کمپی بود که ازطرف موسسه «سد گورو سیوا سا ننگ» برای مبارزه بمقابل امراض چشم ونا بینائی تاسیس شده است. این موسسه ادعا دارد که تا حال ۴۰۰۰۰۰ نفر را تداوی و ۹۰۰۰۰ کور را جراحی نموده است .

برای دریافت کار ووظیفه برای نابینایان چه اقدامی صورت میگیرد؟ میرمن رحمت فاضل بای که يكعضو فعال کمپ چشم داهود درگجرات است درین مورد چنین گفت: ما مساعی زیادی درسراسر کشور برای پیدا کردن کار به نابینایان بخرج داده ایم. اما جواب کار فرمایان



این نابینایان میوه ها را می چینند تا بهره کار خود را در یابند.

تأثیر تنباکو بالای ارگانیزم انسان عمیق است. خصوصاً اینکه گفته میشود یک عدد سگری که کشیده میشود به اندازه‌ای بالای قلب اثر می‌گذارد که :

- ۱- یک کیلو متر انسان پای پیاده گردش کند ،
- ۲- سه کیلو متر را انسان با بایسکل سفر کند .
- ۳- نیم متر مکعب چوب ارچه را اره کند و غیره بالای قلب اثر می‌کند. آیا ما همیشه میتوانیم این مشق و تمرین را اجرا کنیم ؟ نخیر هرگز! سالون سیبورت را در منزل نمی توانیم بسازیم و اگر در جاده های عمومی به دوش بپردازیم بسیار امکان آن موجود است که رهگذران راجع به صحت عقل ما تبصره کنند ..

در منزل به وضعیتی که روی دیوان نرم لم داده ایم و سگری به لب داریم میتوانیم از گانیزم خود را با سر داشت همان فشار لازمه ای که در اثر دوش یک کیلو متر یا بایسکل دوانی سه هزار متره و سر از پیر شدن عرق از سر و پا و ایجاد نمودن مفکوره لایعقلی در باره خود بدست می آورم مورد تجربه قرار دهیم علاوه بر آن از نقطه نظر زمان نیز مفاد بیشتری حاصل میگردد آیا وقت طلا نیست و این طلا را نیز بکشیدن یک سگرت بدست آورده توانیم صفحه ای از روز نامه را مطالعه نماییم و یا پروگرام جالب تلویزیون را نیز مشا هده کنیم . (در صورتیکه ممکن نیست در سالون

سیبورت همچو موهبتی را نصیب گردید.) و اگر چند دانه سگرت را بیهم دود کنیم قادریم همچو فشار پیرا بر ارگا نیزم خود تحمل کنیم که معادل آنها با بلند نمودن وزنه های ریکاردی هم نتوانیم مورد تجربه قرار دهیم .

اکنون که اظهارات دفاعیه ماروبه پایان است ، امید وارم ، که تمام عوامل متذکره بتواند تبلیغات بسی ارزش کسانیکه علیه این عمل اقدام می کنند خنثی سازد . و هر وقتی که من تصور میکنم که در میلیون ها ایپارتمان مختلف در منازل پاک و نظیف دود تنباکو متصاعد شده آواز سرفه ها بلند می گردد چه خورمند میشوم و عقیده ام در باره اینکسه (زندگی ادامه می یابد ، زنده با د زندگی) را ساختن میگردد .

نه ، نه ... بابا ... آنچه شما کرده اید قابل ستایش است .. ولی من نمی توانم ... نمیتوانم ... می دانید نمیتوانم قدرت و اراده ام ضعیف است.

دور و نی وریا کاری بس است ... حالا وقت آن رسیده که به مقام دفاع از همان ماده کشنده و مسموم کننده را که امروز معتادین به آن عادت کرده اند بر آمد .

و بدین ترتیب ما در نظر گرفتیم پیدایش دخانیات در مراحل تاریخی باید اعتراف کنیم فرضاً : همین دود تنباکو نبود که در زمان پطر اول در روسیه با دود بخاری ها یکجا شده بحیث سمبول پیشرفت های اقتصادی شناخته شد ؟

و در عصر ما ! ... قبول میکنیم که در مسایل خانوادگی راجع به مزایای دخانیات صحبت کنیم بچقدر الفاظ رکیک و تلخی که ممکن است روز مره به خانم تان بگویند ولی به علت اینکه ذهن تان با سگرت مسدود است و مجال گفتن آن را نمی یابید ؟

فکر میکنم هیچکسی در مورد از تو رینه گفتار فکاهی نو یسان معروف ایلسی الف و پتروف که تصدیق کرده اند همه چیز از روی احصائیه به میدان میرسد تردیدی داشته باشد . بلی ! احصائیه عمومی ارقامی را به دست میدهد که در آنر تحقیقات دامنه دار علمی به اثبات رسیده که



مترجم : ژرف بین

حرف حسابی در مورد دخانیات

ایجاد کرده ، از قعر سینه آهی برون میدهند (مثل اینکه تا تخته مرگت با تنباکو وداع کردنی نیستند) و می گویند :

عادت به دخانیات راهمه کس مزمت کرده ولی کمتر دیده شده است که راجع به مزایای آن سخن گفته شده باشد . تبلیغاتی که علیه تنباکو به شکل لجام گسیخته اش راه افتیده بسی از معنا دین را تا اندازه تحت تأثیر گرفته حتی میتوان گفت در دنیا بصد ها هزار نفر عملی و بسه تنباکو رو از سگرت و چلم گشتانده و دیگر سوی آن نرفته است ، ولی کسانیکه یارو باور صادق و فدا کار تنبا کو اندو چاه های فلزی بایبب ها و لبنی ها دوستان وفادار آنها اند بطرز بسیار ساده و منطقی ای نمیتوانند از موقف خود در اجتماع و یاران همیشگی خود دفاع کنند .



بنون شرح



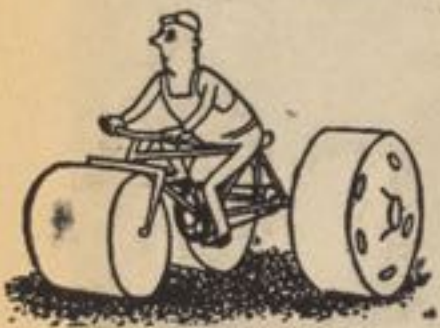
این هم ششمین گول



دوکتور- این دروازه را دیسه
میتواند؟ گوکیبر- خیر! پس بهتر
است بفکر فوتبال نباشد.



وقتیکه فوتبالیست ها میخواهند
شطرنج کنند



نتیجه عکسینت یک ورزشکار

اعتیاد

خانم نسبتاً در مانده که از مشتریان
قدیمی این دوآخانه بود با عصبانیت
به فروشنده گفت:

- نمی فهمم به چه مناسبت آن دوا
همیشگی را به من نمیدید.

فروشنده مود پانه جوابداد:
- چون همانطور یکه عرض کردم
مقررات جدیدی وضع شده است که
ما اجازه نداریم این دارو را بدو ن
نسخه طبیب به کسی بدهیم علتش
هم اینست که متوجه شده اند بعضی
ها بعد از مدتی به این دوا هم مثل
مواد مخدره معتاد میشوند.

زن که از شنیدن این حرف بر
عصبانیتش افزوده بود فریاد زد:
واه واہ چه مزخرفاتی، که این
چنین حرفی را زده است. ابتدا چنین
چیزی نیست، خود من الان بیست
وپنج سال است که هر روز ازین دوا
میخورم و ابتدا به آن معتاد نشده‌ام.

راه چاره

کشتی در میان دریا در حال غرق
شدن بود و همه مسافران در نا راحتی
بسر میبردند درین موقع کپیتان
کشتی رو به مسافران کرد و گفت:
- آیا کسی از شما دعای نجات را
میداند.

مردی جلو آمده و گفت:

- بلی... من دعای نجات را می
دانم کپتان با خوشحالی گفت:
- بسیار خوب... تمام مسافران

را کمر بندهای نجات خواهیم داد جز
این آقا که دعای نجات را میداند.
چون ما از تعداد مسافران کشتی
یک کمر بند کم داریم...

سن زن

زنی از نویسنده شوخی پرسید:
بچه دلایل خانم های سی ساله خیلی
پیر تر از مرد های سی ساله بنظر
می رسند.

نویسنده جواب داد:

برای اینکه خانم های سی ساله
خیلی بیشتر از سی سال دارند.



امید وارم که خو شبخت باشدا...!

نویسنده

مردی علاقه زیادی به نویسنده گی
داشت ولی چون درین راه استعداد
نداشت مقالاتش مستقیماً به کاغذ
دانی ریخته میشد.

روزی یکی از دوستانش با او
گفت:

- خوب خوب درین روزها کارها
چطور است، از کجا پول بدست می
آوری.

دوستش سینه را صاف کرده و
گفت:

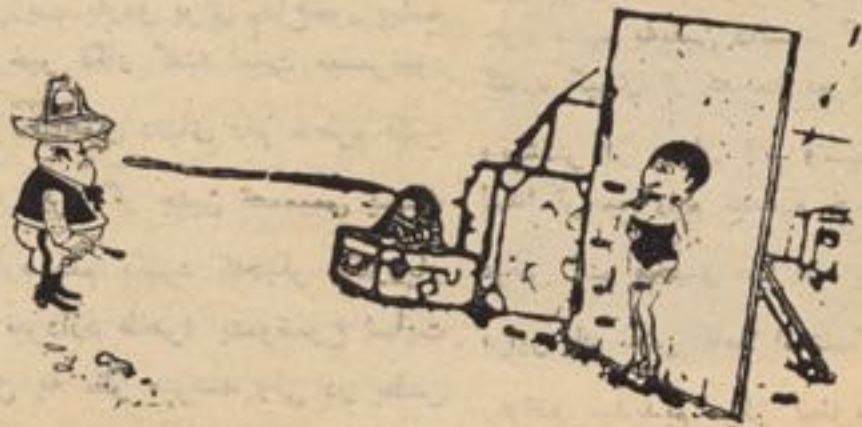
- از راه نو یسنده گی.

- چطور... بخاطر حق الزحمه
مقالات پول میگیری.

- نه جانم هر وقت بی پول می
شوم نامه ای به پلزم می نویسم تا
برایم پول بفرستد.



قدرت عشق



بنون شرح

ستارگان افسانه ساز



ایزابیل اجانی

مشهوری است که شهرت او در قاره اروپا به نقطه معروجی رسیده است.

جایزه دیگر این مقابله به (مورس بیجارت) طراح و کوریو گرافر فرانسوی تعلق گرفت پارچه را که مورس عرضه نمود یک پارچه رقص کاملاً جدید و ابتکاری بود که سخت مورد توجه واقع شد. اگر چه (مورس) در این مقابله چهار نوع رقص را به نمایش گذاشت ولی مقبول ترین پارچه او را همانا رقصی مدرن تشکیل میداد.

با در نظر داشت طرز کار و شوه های اختصاصی کار این دو هنر مند هیات داور جایزه (ایراز موس) برای شان داده شد.

جایزه مشتمل است از یک سنسد اعتبار نامه و چهل و شش هزار دالر پول نقد برای هر دو هنر مند. **برژیت در نقش اصلی خود:**

برژیت باردو آشوبگر چهل ساله فرانسوی اخیراً در فلمی نقش یک دون ژوان «زن» را به عهده گرفته است اگر چه چندی قبل برژیت همینکه فلم «بلوارام» را آغاز کرد بهمه خبر نگاران گفته بود که دیگر بروی پرده فلم ظاهر نخواهد شد ولی برژیت قسبیکه در هیچ راهی از راه های زندگی ثابت قدم نمانده بود، در این قول خود هم وفادار نماند.

برژیت باردو برای دفاع خود بیاسخ یک خبر نگار گفته است میسر نبود که از هیاهوی دنیای فلم خاطر فرار شود زیرا اگر چنین تصمیمی یک ستاره فلم بگیرد که دیگر بکاروبار فلم نپردازد ظاهراً این موضوع نهایت سهل به نظر میرسد ولی در بطن خود سر و صدا هایی دارد که بهیچ

سکس آلود خود را بدلها جاه بزندان و موفقیت در خور خواسته خود را به دست بیاورند ولی (روت ماریا) در چند بازی اخیر خود ثابت ساخت که جلوه های هنری و قدرت تبارز حالات بقدری موثر است که چون مقنا طیبی احساسات بیننده را جذب میکند. از اینرو ستارگانیکه قدرت و استعداد بازیگری دارند بهیچ وجه بسوی بازی های سکس آمیز متمایل نمیشوند چنانکه (ماریا) فقط در پرتو استعداد خود بازیگری می کند و بس.

دو جایزه برای دو هنر مند: اخیراً در مقابله بهترین آثار رقص که بمنظور انتخاب بهترین پارچه آن ترتیب شده بود دو هنر مند برجسته توانست که جایزه بزرگ این مقابله را در یافت نمایند. برنده اولی همانا (نیتی والویر) کوریو گرافر معروف انگلیسی است که جایزه را بخاطر یک پارچه کلاسیک او منظور کردند. (نیتی والویر) مردیست پنجاه و یک ساله که تا کنون پارچه های متعدد رقص های کلاسیک نور کلاسیک و مدرن تهیه نموده و یکی از کوریو گرافر های

(ایزابیل اجانی) دو شیزه خوش قیافه و هنر پیشه است همیشه بشاش که او را هنر پیشه خندان لقب داده اند که او بعد از یک سلسله هنر نمایی های موافقانه اخیراً در یک فلم کمیدی فرانسوی نقش عمده را یفا کرد که گردانندگان سینما و صا حسان صلاحیت برای ایزابیل اجانی بخاطر بازی موفقیت آمیزش جازه معروف «سوزان بیا نچیتی» را برایش منظور کردند.

جایزه بیانچیتی مدال طلائی است که از چندین سال باینطرف برای بازیگران موفق سینما در فرانسه داده میشود.

بازیگری در پرتو استعداد: «روت ماریا کوپیت شک» هنر پیشه چهل و سه ساله موبلاند تیاتر آلمان است که یک بار دیگر سال گذشته با بازی در نمایشنامه (سفر بصوب تلزیت) کار نامه بی در تیاتر بجا ماند ناقدان امور تیاتر در یک بخش کورتیک تیاتری در مورد بازی (روت ماریا) چنین ابراز نظر نموده اند که غالباً تصور میشود ستاره ها می توانند به خاطر نمایش اندام و یا بازی های



روت ماریا هنر پیشه تیاتر آلمان

وجه برای ستاره راحت بخش نیست چون منم به یقین دانستم که هیاهوی کناره گیری از سینما بمراتب زیادتر و بیشتر از جهان فلم و سینما ست لهدا ترجیح دادم تصمیم خودم را عوض کنم مخصوصاً از اینکه در برابر یک نقش کاملاً استثنائی خود را واقع میدیدیم دیگر تعلق و درنگ راجایز نشمرم.



فیروز خان و هیما مالینی در فلم «دهر ماتما»



بریزیت بار دو در نقش اصلی خود

از هندوستان چندین بار دیده است اگر روی این احساس تشابه و مشابهی در بعضی از صحنه های آن ملاحظه شود انکاری ندارد ولی یک کاپی مکمل نیست . ناظران تبصره می کنند که ممکن این موضوع برای فیروزخان مشکلاتی خلق کند بهتر است قبل از وقوع حادثه را جلوگیری کند و البته ایسن حرکت به نفع او خواهد بود .

فلم «آرمالا دوس» را حاصل کرد و بعدا فلم خود را بنام «مورنجن» به معرض نمایش قرار داد او نیز این کار را بکند تا بمشکلاتی بر نخورد . در جانب دیگر فیروز خان این همه شایعات را عاری از حقیقت خوانده گفته است چنین چیزی در فلم او بچشم نمیخورد که او را مجبور نماید تا حقوق فلم «کاد فادر» را خریداری کند. او اعتراف نموده که فلم «گاد-فادر» یکی از فلمهای نهایت عالی عمیق امریکائی است که آنرا بیرون

آنان بهم خورد و از همدیگر کنار گیری اختیار کردند.

(سلکپشنا) بجواب يك نامه نگار گفت : تازه وقتی میخواسم یکی از آهنگ های فلم «گیتا نجلی» را که پرو د یو سر و موزیک دا تر کتر آن همنت کمار است ، ریکارڈ نمایم که همنت صاحب خواست که چون تا هنوز برای فلمش هیرو نین انتخاب نموده من نقش هیرو نین رادر فلمش بازی کنم . بمقابل این خسو امش اعضایم بلرزه افتاد و بدست پاچگی گفتم از من بازی در فلم ساخته نیست او مرا تشویق کرد و وقتی قرار دادم با همنت کمار امضا شد سیل پرودیو- سران بسویم سر از پرشند در طرف مدت یک هفته تقریباً چهار ده قرار داد را امضا نمودم که درین چهارده فلم همبازی هایم را جیش کهنه ، نوین نشیجل ، فیروزخان ، سنل وت ، ریشی کپور ، ششی کپور میباشند .

از او پرسیده شد : در این فلم های که بازی میکنی آیا آهنگ های فلم را هم خواهی سرود او جواب داد سعی خود را میکنم ... ولی تصور نمیشود از عهده دو وظیفه مهم موفقانه بدر آیم شخصاً خودم ترجیح میدهم که آهنگ هارالتاجی و آشاجی بخوانند .

از سلکپشنا پرسیده شد آیا از زندگی جدید خود راضی میباشی یا خیر گفت :

تا زمانی که موفقیتی از این راه به دست نیآورده ام در يك اضطراب و تشویش خود را احساس میکنم البته وقتی فلمهایم بمو فقیقت روبروشد آنوقت این پرسش را جواب خواهم گفت :

آیا فلم جدید فیروز خان کاپی است ؟

همگان در مورد فلم «دهر ماتما» کم و بیش اطلاعاتی دارند برای اینکه يك قسمت این فلم در کشور عزیزما تهیه شده است ولی قبل از اینکه این فلم ببازار عرضه شود در مورد فلم شایعات وافوا هاتی وجود پیدا کرد که گفته شده این فلم يك کاپی مکمل و صددرصد فلم معروف «گاد نادر» امریکائی است که در آن تعدیلات عمدی وارد کرده شده است . همچنان عده به فیروز خان پرو- دیوسر فلم توصیه نموده که هر چه زودتر باید مثل ششی کپور که حقوق

داستان فلم جدید بریزیت بار دو ترکیب است از قاجاق بری ، دزدی اختطاف وزد و خورد های مود روز جهان سینما که بدون شك نقش بریزیت کاملاً بیسابقه حساب شده می تواند عده از خبر نگاران گفته اند بالاخره بریزیت بار دو موفق شد که نقش اصلی خود را در یافت کند .

در يك هفته پانزده فلم :

اخیراً سلکپشنا بندت که تازه به نام ونشانی در حوزه آواز خوانسی رسیده بود بسوی فلم و سینما متمایل شده و همنت کمار او را برای بازی در فلم (گیتا نجلی) بحیث هیرو نین انتخاب و با وی قرار دادی امضاء نموده است .

(سلکپشنا) که بیشتر از بیست سال ندارد غالباً در پرو گرام های موسیقی با کشور کمار یکجا حصه میگرفت و بقدر این دو با هم گرم بودند که شایع شده بود آن دو با هم ازدواج خواهند کرد ولی بعد از صمیمیت سه ساله ناگهانی میانه



نمایی از رقص ابتکاری موریس بیچارت



نیتی والویر اکوریو اگر ۱ فر انگلیسی

هوشدار برای پدران و مادران

عجب دوره و زمانه ای شده است انسان اصلا فکر نمیکنند و انتظار ندارد که یک پسر ۹-۱۰ ساله با این سن و سال در حالیکه اگر ارزش پرسیده شود که دست راست و چپیت کدام است شاید نداند ولی سگرت کشیدن را با تمام معنی میداند.

چند روز قبل به سینما رفته بودم در همین یکی از سینمای شهر خود ما، پسرک کوچک تو جه مرا بخود جلب کرد، مانند بزرگان سگرت دود

چیز را نباید سطحی فکر کرد و از عبارت از تر بیه کودکان است. البته آن پسرک از خود پدر، مادر و یا برادر بزرگی دارد که مسئولیت سر پرستی و تربیه او بدوش آنهاست. ولی چرا اجازه داده اند و گذشته اند که پسر شان تنها به سینما رود؟ آیا رفتن زیاد به سینما و آن هم تنها تأثیری سوء بر کودک کان نمی گذارد؟



مینمود بدو ن اینکه اصلا اعتنا نمی نماید که آیا این کار او خوب است یا خیر؟ فکرش را هم نمیکرد که این عمل او چقدر زننده است.

حرکت او آنقدر مرا تحت تأثیر آورده بود که ده ها سوال در نردم پیدا شد.

آیا پدر و مادر این پسرک میداند که پسر شان سگرت میکشد؟ بول سگرت را از کجا بدست آورده؟

چرا معتاد به کشیدن سگرت شده؟ آیا سگرت کشیدن امروز در آینه شده برایش خطراتی نخواهد داشت؟ ... و ده ها سوال دیگر که باید به هر کدام آن جوابی پیدا می نمودم و خود را قناعت میدادم.

مسلمان میدانم که هیچ پدر و مادری نمی خواهد که پسر شان سگرت کش بارآید آن هم در این سن و سالی که این پسرک دارد. اما یک

این ها سوالاتی بود که از خود در آن لحظه نمودم.

جواب این همه سوالات و ده ها سوال دیگر مستلزم یک سلسله مطالعات عمیق را می نماید ولی می خواهم با این چند تذکر ساده عرض کنم که هر پدر و مادر مسئول تر بیه اولاد خود چه در محیط خانه و چه در محیط خارج از خانه میباشد.

هر پدر و مادر وظیفه دارند تا حرکات فرزندان شانرا در خارج از منزل بدقت و با حوصله زیاد کنترل کنند. با رفیق و دوست و آشنای پسر و یا دختر شان آشنا بوده و تماس داشته باشند و بدانند که این دوست و آشنای فرزند شان چه تربیه دارد، بول جیب خرج آنقدر زیاد نباشد که فرزند شان هوس کند که سگرت بکشد تنها همانقدر باشد که کفایت رفع تشنگی و گرسنگی او را نماید اگر احيانا فرزند شان نظر به عواملی که در نزد آنها مجهول است و نمی

و چیزه ها

- آنچه شایسته نیست، نکنید و آنچه حقیقت نیست نگوئید.

(مثل یونانی)

- در يك مباحثه خشم آلود بیسم آنست که حقیقت از دیده ما ناپدید شود.

(مثل لاتینی)

- آنکس که فعالیت ندارد بزرگترین

مفلس روی زمین است و هر کس که همه چیز خود را از دست داد امسا فعالیت و اراده خود را حفظ کرد به

زودی سالهای نا امید خود را بروز گا بیروزی تبدیل خواهد کرد.

(آندره مورو)

- کسیکه بکوشد و در کار خود نا امید شود بهتر است از کسی که بدون کوشش رستگار گردد.

(لویدجنز)

- هنر پیشگان ممتاز را با تماشای وضع سکوت و استماع آنها بهتر میتوانی تشخیص دهید.

(کرکرو گلاس)

و اگر برای همیشه طال لب خوشی هستی عفو نما.

(لاکورد)

- عفو از کسانی نیکوست که توانایی انتقام دارند.

(ابوزر جمیر حکیم)

- خطای بندگان باید بهر حال که پیدا شود، عفو از بزرگان.

(جوهری)

فرستنده نریمان، ن

دانند که چرا پسر شان معتاد به سگرت شده است و از دود کردن سگرت، فرزندشان چه میدانند و چه لذت میبرد در صورتیکه امکان نداوی در نزد شان موجود باشد به

نداوی فرزند شان پیر و ازند والی به واکتر مراجعه نمایند و این مسئله را سطحی فکر نکرده بلکه جدآ مراقبت نمایند.

از تقلید و حرکات بی جای پرهیزیم

در جستجوی دوستان قلم

مایلم با برادران و خواهر انیکه در قسمت جمع آوری تکت و سستی علاقه داشته باشند مکاتبه نمایم .
آدرس : محمد کریم (آرزو)
مدیریت عمومی تعلیم و تربیه
مدافعه هوایی .

میخواهم با کسانی که در باره ادبیات قرن ۱۹ معلومات داشته باشند مکاتبه نمایم .
آدرس :
لیسه حبیبیه محمد عثمان متعلم
صنف دهم .

آرزوی مکاتبه را با خواهران خود که در قسمت جمع آوری مسکوکات قدیمی علاقمند باشند دارم .
آدرس : لیسۀ زرغونه - نظیفه
متعلم صنف نهم .

اینجانب محمد فاروق از لیسه حبیبیه میخواهم با کسانی که درباره موسیقی علاقمند باشند مکاتبه نمایم
آدرس : لیسۀ حبیبیه محمد فاروق
متعلم صنف یازدهم .

مایلم درباره تخنیک موتر معلومات تازه بدست آورم .
آدرس : عبدا لظاهر متعلم صنف یازدهم لیسۀ تخنیک .

میخواهم در باره هنر رسامی و مجسمه سازی معلومات داشته باشم .
آدرس : لیسۀ عالیشده درانی - ظاهره
متعلم صنف نهم .

به آثار ویکتور هوگو نو یسنده ، فرانسوی علاقمند هستم
کسانی که با من هم عقیده اند و با آثار او آشنایی دارند به این آدرس : مکاتبه نمایند .
لیسه محمود طرزی - نجیب الله
متعلم صنف دهم .

مایلم به مکاتبه با خواهران و برادرانیکه در قسمت عکاسی - استعداد و معلومات داشته باشند دازم کسانی که مایل به مکاتبه اند لطفاً به این آدرس نامه بفرستند .
محموده - متعلم صنف نهم لیسۀ زرغونه



اقتضای خود و خانواده خود ضرر به زنی ؟
اما خوشبختانه اکثر جوانان ما به این نکته ملتفت اند امروز مردم ما مملکت ما به نیروی جوانان احتیاج دارند و جوانان ما با درک که دارند وظایف خویش را دانسته اند که شعارشان باید کار باشد .
کار برای آبادانی کشور و کار برای آرامی مردم .
شیرین خویش داخل نمایم و با انجام دادن حرکات شانه ها ، دست ها ، ابرو ها و غیره خود را را مسخره دیگران سازیم .
آیا بقدر کافی ، ما مشغولیت های در زندگی نداریم که خود را بدان مصروف نگهداریم ؟
آیا لازم است که با وجود داشتن زندگی متوسط الحال باز هم بسا خواسته های نامعقول خویش به پیکر

اگر بعضی ها انکسبت انتقاد بر برخی از کارها و اعمال ما میکنند ، ما جوانان نباید ازین انتقادات سالم و سودمند آنها آزرده گردیم من خود جوانم اما از آن دسته جوانانیکه آرزو برادر در چشم دیگران خویش را مشخص با همیت و فهمیده جلوه دهد نیستیم .
ممکن است دانش و تحصیلا تم آنقدر زیاد نباشد ولی گفته میتوانم که همان چیزی را که یک جوان امروزی باید بداند من هم تا اندازه میدانم ولی این دلیل نمیشود که خود را در همه جا بدون اینکه مراعات موقعیت خویش و دیگران را نمایم با حرکات و ژست های به اصطلاح خارجی خود را فهمیده جلوه دهم .
متأسفانه باید بگویم که یک عدد جوانان ما به این نوع مریضی دچارند این عده جوانان بدون اینکه مراعات شخصیت خود و دیگران را نمایند با حرکات عجیب و غریب مانند بلند انداختن شانهدر موقع صحبت ، بکار بردن کلمات و اصطلاحات خارج از جایی و زبان خود وده ها حرکات دیگر که بعضی از آنها بدون موجب و بدون اینکه لازم باشد انجام میگیرد و حرکات موجب میشود که عده بر ما بخندند و مسخره نمایند . چه ضرورت است که ما کلمات و اصطلاحات نامانوس خارجی را در زبان اصیل و

حقایق و ارقام در مورد کتاب ، موزیک و جوانان



در جمهوری سوسیالیستی چک مطابق به آخرین احصائیه در دسامبر ۱۹۷۳ به تعداد ۷۷۵۸ کتابخانه عامه با ۲۰۲۴ شعبات مختلف وجود دارد شماره اعضای شامل کتابخانه ها ۱،۲۷۶،۰۵۲ نفر جوان رسیده که از جمله ۳۳۸ و ۴۵۵ نفر آن کمتر از ۱۵ سال داشتند .

در جریان سال ۱۹۷۳ رقم کتاب های که طور امانت اخذ گردیده به ۹۸۷،۹۴۲ و ۴۵ جلد بالغ میگردد .
بر علاوه استماع موزیک در آشنای مطالعه توسط ایرفون ها که در ایجاد محیط مساعد مطالعه خالی از اهمیت بقیه در صفحه ۵۶ .

متعلمین وقت بیشتر خویش را در کتابخانه ها صرف میکنند

بیاتاباهم آشتی کنیم

من شکایت خود را به صفحه زنان و دختران مینویسم تا شاید زنم بخواند و دو باره بسویم برگردد .
مطلب بالا فشرده ای از گفتار آقای بود که چند روز قبل به دفتر مجله آمدند و برای مانتا کید کردند که مشکل شانرا که ناشی از اختلافات زنانه و هر بیست بنویسیم تا برای شان کمکی کرده بتوانیم تا خانمشان از قهرش دست بکشد و دوباره بسوی کاشانه اش برگردد .

پرست در خانه مانده اند خودم به وظیفه ام رفته نمی توانم روزم بدو حالم بدتر است او بهانه میگرفت که چرا به شهر نرفتم زدن نمی رویم . چرا به خیاط خانه ... لباس هایم را برای دوخت نمی بری و یا چرا چنان میکنی و فلان نمیکنی .
من دیگر حوصله ام سررفته امیدوارم بنویسید که منبع خوشبختی شهر نورفتن و به معروف ترین خیاط خانه رفتن نیست ، خوشبختی به قلم زدن



این مرد میگفت :
۷ سال قبل من وظیفه عروسی کردیم البته در چند سال اول زناتوی زندگی مان به خوشی می گذشت ولی بعد اختلافات دائمی شروع شد . زنم خواهر خوانده ای داشت که بسیار زیاد به خانه ما رفت و آمد میکرد ظاهر دختر خوبی معلوم میشد اما با آمدن و رفتن او میدیدم که اوضاع زنم خراب و خراب تر میشد ، به کوچکترین موضوع بهانه میگرفت ، اطفال بیگناه را ت و کوب میکرد ، و غالباً راه می انداخت تا این که شروع کرد به قهر کردن و در عین زمان به خانه ای پدرش رفتن چندین مرتبه رفتیم با او آشتی کردم اما باز قهر کرد اطفالش بر سر

و شیک ترین لباس پوشیدن نیست بگوئید تا بیا بیاید و مرا از این فلاکت نجات بدهد .
ما سخنان این مرد را شنیدیم و آنرا به نشر سپردیم امید داریم تا خانم شان این ستون را بخواند و دلش برای اطفال بی سرپرستش بسوزد و ما برایش میگوئیم که خانم گرامی زندگی شما آیا به پارک شهر تو خلاصه شد آیا به قدم زدن خلاصه شد مانی گویم که شما از این کار تا ن دست بکشید نه بلکه از حد توان آن بسوی افراط نروید لحظه به سر و وضع طفل تان به زندگی فامیل تان و به شوهر تان نیز برسید لطفاً قهر را کنار بگذارید جنگل را از بین ببرید دوباره سوی فرزندان تان و شوهر تان برگردید .

کیاب ماهی

بکدانه ماهی سفید را گرفته پوستش را بکنید و مانند گوشت کیاب ریزه کنید کوشش شود که استخوان پشت ماهی و دیگر خارهایش خارج گردد آنکه روی تکه های ماهی کمی پیاز تراش شده بگذارید لیکن نمک نزنید سپس روی آنها کمی آب لیمو و اندکی زعفران بریزید و نگهدارید شش .
بعد از چند دقیقه توتی های ماهی را به سیخ بکشید و روی آتش قرار دهید تا هر دو طرف آن سرخ شود . وقتیکه ماهی سرخ و آماده گردید روی آنها کمی آب لیمو و نمک را مخلوط کرده بریزید و آماده صرف است .

زنان و دختران



تهیه از: مریم محبوب

فرستنده سیده (شامل)

بخوان و ببیندیش

هر قدر کمتر آرزو داشته باشید کمتر ناگام میشوید ((پلوتارک))
بیش از بیست سال طول میکشد که زنی پسرشایسته ای پرورش دهد اما در کمتر از بیست دقیقه زن دیگری میتواند از همان پسر، مرفاحقی بسازد .
زندگی مثل شبنمی است که از روی گلبرگ میگذرد و می افتد از زندگی ترسید اگر شکیبیا باشد ، زندگی را دوست خواهید داشت .
لطافت زنها مثل شادابی غنچه است و خیلی زود از بین میرود و جدان صدای خداست که از دل بیرون میاید .
هرگز دشمنی نمیتواند دوستی را شکست دهد .
تربیه همیشه بر شمشیر پیر و ز می شود .
عمانقدر که بفال دوست دار معامله است هر مند از معامله بیزار و گریزان است .
«بالزاک»

مادر خوب برای مادران و پدران نصیحت میکند



این طور پیش آمد با و نکردم بلکه خودم نیز با و کمک کردم تا بتواند به آرزوی خود جامعه عمل ببوشاند نه آن طور که بصورت جدی ...

بلکه برایش راه های معقول و سنجیده آنرا یاد آوری کردم مثلا برایش گفتم اولاً تو باید مکتب را به پایان برسانی بعداً درست را تا حد توان تکمیل کنی و اگر قناعت نمی کنی نگذار که پسر مورد نظرت ترا بازیچه قرار دهد و شخصیت تو و خانواده ات را بخاطر بیندازد در دین مورد بعد

خودت از من بهتر میدانی .
خوب خواننده عزیز :
شما باید قضاوت کنید آیا این نظریات بهتر از آن نیست که با مشت و دست نام او را از خود میرانم اگر ما به عمق بسیاری از اختلافات زندگی زن و شوهری نظری بیندازیم اگر خوب منبع آنرا مورد بررسی و ارزیابی قرار بدهیم می بینیم که اصل اختلاف از رویه ناهنجار پدر و مادر صورت میگیرد پسر و یا دختر نباید در چارچوب ذهنیت های تعصب آلود خود پرورش گردد تا آموختن ساخت تا خواسته ها و آرزوهایش را نادیده گرفت پدران مخصوصاً باید متوجه این گونه مسائل باشند ، باید با رفتار عاقلانه و دوستانه ای خویش جلب اعتماد پسر و یا دختر را بنمایند باید تا حد توان گوشش شود که در گوشت های شخصی اولاد پدر و مادر دخالت نکنند حرکات او زیاد کنجکاو نشود تا گوشت کچه کردی کجا بودی ؟ فلان کردی و یا فلان جارفتی ؟ بلکه باید از راه های مختلف مواظب او باشد .

در آوان کودکی طفلش را باید طوری پرورش کند که در ایام جوانی نباید از گفتن مسائل جدی احساس شرم کند و یا بعضی مسائل دیگر را پنهان سازد .
من خودم یک مادرم ، مادری که از هر حیث توانستم طوری خود را برای فرزندانم آماده نمودم که میتوانند با پیشانی باز مشکلات خود را چه جدی باشد و یا در غیر آن برایم مطرح سازند .

دوست مایه از یک سلسله مسائل دیگر چنین ادامه میدهد .
من مادر چهار فرزندم که دوی آن پسر و دوی دیگر دخترانم یکی از دخترانم تقریباً ۱۷ ساله عمر دارد او را گذاشتم که مطابق میل خود لباس بپوشد با دوست های خود رفت و آمد داشته باشد سینما برود و از قبیل این ها ... و در ضمن دخترم با من طوری رفتار میکند گفتم اصلاً انتظار آنرا ندارم که چیزی از آن درباره مشکلاتش بپرسم در یکی روزهای اول هفته بود که دخترم تقریباً مفهوم معلوم میشد ، صورت اش گل انداخته بود لب و رویش کمی کشال بود غذایش را خورده بعد از کمی استراحت نزد من آمد با تقریباً شرم و حیا برایم گفت گفتم مدت ها شده پسری را دوست دارم و از او خوشم می آید .

خوب درین قسمت من منجبت یک مادر باید با مشت به دهش میزد ، و یا آنرا فحش و دشنام میدادم و یا این که با بر خورد خشن و سستیزه جوانه او را از خود میراندم که این کارها به سن و سال تو غلط است و یا فلان فلان . نه هرگز من

درین هفته مانده داریم از یک خواننده این مجله ...
البته دوست مایه از یک سلسله شکایات دوستانه مطلبی را برای مانوشته اند که قابل نشر است و ما با حذف بعضی قسمت های آن آنرا به نشر می سپاریم تا بگوش پدرهایی برسد که از وضع فرزندان خود بیخبر هستند و دوست مایه خود را فاطمه کریم معرفی کرده اند شروع نامه شان این طور می باشد .

چرا پدر ها و مادر ها حق استقلال شخصی را برای فرزندان شان در سن ۲۰ و ۱۹ نمی دهند چرا مادرها با کو چکترین حرکت دخترشان انتقادات خشن و زننده خود را نشان دخترهای شان می کنند .
چرا عموماً پدرهای موجود است که پسر های شانرا حق نمی دهند تا بدون اجازه شان و استبدان آن ها به سینما و یا به منزل دوستان بروند و یا دوست ما چنین می گارند .
چرا مادرها مثل دوست همراز و رفیق هم سن با دخترهای شان مسائل جدی را حل و فصل نمی کنند و گره از مشکلات شان نمی کشانند منظورم از این مسائل آن مشکلاتی را می گویم که دختری به سن ۲۰ و ۱۹ و یا سن پانزده از آن رو برو است و باید رهنمائی شود و دختر بتواند با کمال میل مثل دوست صمیمی به مادر خود نزدیک باشد البته ممکن است که خواننده های عزیز با خواندن این مطلب در ذهنش تصور کند که دختر با حجب و حیائیکه دارد او را اجازه نمی دهد تا مسائل حیاتی و جدی را با مادر و یا خواهر خود در میان بگذارد اما من مجبورم بگویم که مادر

چون با مشاهده ای این کار عقده برای اولاد تولید می شود اولاد سرسبزه می آید و نه تنبیه حرف پدر و مادر نمی کند بلکه کارهایی که دلتی بخواهد با فحیح ترین شکلش انجام می دهد .
امید دارم که نظریات مرا پدران و مادران بپذیرند و آنرا قبول کنند .
اولاد چه بزرگ باشد چه کوچک تشنه محبت ، تشنه صمیمیت است ، پدر باید دوست همراز و صمیمی برای پسر و دختر خود باشد و مادر تا حد توان باید به مسائل جدی دختر محورو دقت را به خرج دهد که این حرکت آن از روی ملائمت باشد نه از روی خشم و سستیزه

آرایش روز



یک آرایش ملایم و طبیعی ، زیبایی را چند برابر میکند بی آنکه به چشم به خورد به خصوص برای روز هر چه از مواد آرایشی کمتر استفاده شود بهتر است با توجه به نکته های مشروح زیر میتوانند این آرایش متناسب روز را بیاموزند :
ابتدا مقداری کریم مرطوب کننده روی پوست صورت و گردن بپوشید برای شادابتر شدن صورت از روز گونه استفاده کنید اوژگونه را روی استخوان گونه بزنید . اگر زیر چشم های تان کیبود و گود افتاده است ، مقدار زیر چشم بزنید . پلک بالا را با سایه روشن مثل صورتی ، زرد آبی روشن و سبز روشن رنگ بمالید برای زیر ابروها از سایه سفید استفاده کنید . یار ریمل زدن مژه ها ، آرایش چشم کامل میشود . لب ها را با روژ لبی به رنگ صورتی یا صورتی مایل به قهوه ای رنگ بزنید .
فرستنده : سیده شامله



پاسخ ها به نامه ها

خواهری از ما شکایت کرده اند .
سلام مرا از شهر دور افتاده ای هرات قبول کنید مدت است که با مطالعه مجله وزین ژوندون عادت گرفته ام اما با کمال تأسف باید گفته شود که قسمت زیاد مطالب مخصوص عمده ای محدود بوده و از طبقه نسوان کدام مضمونی به نشر نمی رسد .
و اگر ماضیحات اختصاصی را مورد مطالعه قرار دهیم می بینیم که عموماً مطالب آن جنبه خصوصی را در بر گرفته و صورت عموم ندارد .

ما چندین مرتبه نامه های به آدرس مجله ارسال داشتیم که متأسفانه یا نرسیده و یا این که اگر رسیده باشد به چاپ نمانده اند منی دائم علت چیست که در بعضی ماضیحات اختصاصی مطالب جالب و خواندنی دارد ولی آنکه از درد مانکاهد به ما چه سود .

من خودم چندین مرتبه مضمین در مورد طرز آرایش موها ، طرز نگه داشتن جلد ، طرز تربیه کودک نوشتیم ولی متأسفانه به چاپ نرسیده که امیدوارم ازین به بعد مضمین ما را مخصوصاً آن عمده ای که علاقه وافر به مجله شما دارند از حالت انتظار بیرون کنند
(امضاء محفوظه)

دوست عزیز امضا محفوظه در جوابتان باید گفته شود که تاکنون از شما چنین نامه نگارتم تا آنرا چاپ کنیم مخصوصاً در همین صفحه دوستان زیادی داریم که مضمین قابل نشر برای ما میفرستند و ما آنرا به چاپ

اگر میخواهید

اگر میخواهید که در وقت رنگ ناخن زدن به باها انگشتان به هم نه چسبید در لابلای انگشتان پنبه ملایم قرار دهید تا بصورت صحیح رنگ زده بستواند .
اگر میخواهید ناخن های دستتان را یک برابر کنید از سوهان کوچکی که در منزل و یا نزد دوست تان موجود است استفاده کنید که این عمل هم به سهولت کار شما کمک میکند و هم به زیبایی دست های تان می افزاید گوشش کنید که قسمت زیرین ناخن ها را هرگز چرک نگیرد چون بسیار از دوستان از این حالت متنفرند .

مرسانیم البته خواهر عزیز مضمینت که شما عنوانی مجله فرستاده اید برای ما نرسیده است و یا هم اگر رسیده قابل نشر نبوده است مانه تنها به شما بلکه به همم علاقمندان ژوندون مخصوصاً به علاقمندان این صفحه تاکید میکنیم که مضمین مفید و قابل چاپ برای ما روان کنید و با کمال میل انتظار آنرا داریم آنرا به چاپ خواهیم رساند .
(الله یارتان)

مردی بانقلاب بقیه

تایید جای داستان :

گنتر مامور لایق پولیس به تعقیب سازمان بقیه ها زندگی اش را از کف داد. ایک معاون کمیسر پو لیس به تشویق دیک گاردون به تعقیب مایتلند پیر که مرد موزی است میباید. رای بنت جوان که نزد مایتلند کار میکند، به اثر تشویق لولا بسا نسا و پارتمان لوکس به کرایه گرفته می خواهد به خدمت خود نزد مایتلند پیر خانه دهد و تلاش خواهرش برای ادامه کار او نزد مایتلند به کدام نتیجه نمی رسد او را ترغیب میکند دیک از طرف وزارت خارجه انگلیس مامور حفاظت یک سند میشود. اما اسناد از سیف منزل لارد فار میلی بطرز اسرار آمیزی به سرقت میرود با تحقیقات پو لیس ها گن مایر کلپ هیرون گرفتار میشود. اما هاگن بطرز عجیبی فرار میکند و اکنون پولیس به اثر اشتباهی که دارد بکس های راکه مرا جعین در شعبات حلقیه استیشن های ریل به امانت می سپرد در دفتر مرکزی تفتیش مینماید. در اتنای تفتیش بمبی در دفتر پو لیس منقلب میشود و اینک بقیه داستان.

از خوش چانسسی مامور غلیظ پروری افتیده بود مجبور بودیم به آرامی امتداد ساحل را پیش برویم. اگر شما هنوز جریانات آنوقت را درست بخاطر داشته باشید، در آنصورت میتوانید دریانت که کشتی مانتانیا توسط یک کشتی یدکی که عازم پور سموت بود، تصادم کرد و همین تصادف زمینه را برای تطبیق نقشه ما مساعد گردانید از یک مجرای یاز به روی عرشه جهاز که ما ببار و بونه خود منتظر بودیم هر دو صندوق چوبی را به روی عرشه کشتی یدک کش انداخته، سپس خودم و همکارم به روی آن کشتی پریدیم طوری که قبلا بشما گفتم، ما غلیظ به همه جا افتیده بود. چنانچه عمل و کار کنان کشتی یدک کش وقتسی

متوجه ما در میان مسا فرار شدند که کشتی ما ما نتانازیدک کش جدا شده بود. اگر آنچه را که ما به کپتان حکایت کردیم بسیار واضح و روشن بود، اما او مصلحتا گفته های ما را قبول کرد، اما من با دادن یک نوت ۲۰ دلاری صحت گفته های خودم را برای او محکمتر ساختم ما تحت شرایط سنگین و مشکلات زیادنا وقت شام در پور سموت از کشتی پیاده شدیم. در پور سموت مامورین گمرک وجود نداشتند و خوشبختانه صندوق ها و کالای ما به ساحل رسید. ما فکر داشتیم که شب را در پور سموت بگذرانیم. اما وقتی بدنبال محل شب بانی بر آمدیم، من و دو ستم به یک مهساخانه کوچک رسیدیم. پس از گرفتن اتاق به پار رفتیم تا چیزی بنوشیم و در آنجا خبری شنیده بلا معطلی و شتابان به اتاق خود برگشتم در بار مهسان خانه شنیدیم که موضوع سرقت کشف شده بود و پولیس به دنبال دو نفری میکشست که از کشتی مانتانیا به روی کشتی یدک کش پریده بودند، چون کپتان کشتی یدک کش آدرس این مهسانخانه را بجا داده بود، بنا بر این امیدی برای نجات از چنگ پولیس نداشتیم.

(ناتانیا م)
ژوندون

نخست دستبرد زدن به سیف های بانک را فرا گرفتم. هما نگونه که یک دکتر رشته اناتومی را تحصیل میکند. به این ترتیب معلومات وسیعی در اطراف انواع و اقسام سیف های پول کسب کردم. وقتی مسیر زندگی را تعیین نمودم، فوراً تصمیم گرفتم در یک فابریکه بزرگ تولید سیف های بانک کار کنم. مدت ۵ سال را در فابریکه و لور ها پتون مشغول کار شدم. در ۲۸ سالگی به امر یکا برگشتم. و یک تعداد آلات و ابزار برای شکستن قفل های سیف تهیه کردم که چند هزار دالر خرج بر داشت. به کمک ابزار به تنهایی وارد کار شدم و اتاق خزانه نهیمین بانک ملی را باز نمودم این نخستین دستبرد سه صد هزار دالر برای من آورد. نمیخواهم از فعالیت های خود لستی به شما ترتیب بدهم بعضی از سرقت هایم را فرا موش کرده ام. برخی از دزدی هایم بی اهمیت می باشد و با اشتباهات همراه بوده که لازم می افتد به تفصیل در باره آنها صحبت کرد. تصور میکنم همینقدر کافیست که بگویم غیر از الفاظ و کلماتی که هم اکنون از زبانم می شنوید، کدام اثباتی برای ادعا های خود ندارم. اسم من تنها با یک سرقت ارتباط پیدا میکند و آن دستبرد زدن به خزانه مانتانیا بود. در سال ۱۹۱۸ شنیدیم که مانتانیا ۵۴ میلیون فرانک نوت کاغذی به فرانسه می فرستاد. با نکتوت هم قبلا بصورت هید را و لکی پرس شده بود تا از حجم زیاد آن جلوگیری شود، به این ترتیب تمام مبلغ پول را در دو صندوق چوبی جاداده بودند در یک صندوق ۳۵ بسته، در صندوق دومی ۲۰ بندل و همه اش نوت های هزار فرانکی بود. کشتی می بایست در یک بندر گاه فرانسوی لنکر اندازد. تصور میکنم بندر هاور بود زیرا کشتی های بخار ماورای بحار در آنوقت هنوز به شیر بورگ پهلو نمی گرفتند. حسین لنکر اندازی سرقت انجام پذیرفته بود. بدین معنا که من قبلا صندوق

هارا عوض کرده دو صندوق دیگر که هیچ تفاوتی با صندوق های اصلی نداشت، در عوض صندوق های محتوی پول گذاشته بودم. همه چیز بوضع سابق برقرار بود و کوچکترین بی نظمی بشما هده نمی رسید. در حالیکه ما به امتداد ساحل آیرلند حرکت میکردیم، از بخت بدو ناسازگاری طالع من نقضی در کشتی پیدا شد. کپتان کشتی مانتانیا تصمیم گرفت به ساود هامپتون برود و از ادامه سفر به بندر فرانسوی منصرف گردد، یک تغییر یعنی در پلان مسافرت برای شخصی به شغل من تا لیرات جنون آمیزی همراه داشت مثل آنکه آوردن تغییری پلان کشف و کشتار در وسط جریان یک جنک بالای صاحب منصبان تأثیر وارد میکند. من درین فرصت یک معاون کمکی هم داشتم، او مردی بود که پسا نتر به اثر مرضی مرد و یک چنین معامله برای یک نفر به تنهایی بسیار بزرگ



سری لاک اکنون غذای فوری برای اطفال

سری لاک جدید با ترکیب شیر قویا مقدار
و شکر به نچین ضرورت ندارد. آنرا صرف
همراه آب مخلوط نمایید.

این سری لاک جدید با ترکیب شیر
و شکر عجیب غذای فوری برای اطفال است

در هر کجا و در هر زمان سری لاک را همراه آب مخلوط نماید غذای طفل در یک
لحظه آماده میشود. ویتامین بانیکه در آن ترکیب شده سری لاک را خیلی
مغذی - مولد انرژی و قوت ساخته است و در رشد سالم استخوانها و دندانها
طفل غذای مطلوب است.
بر علاوه سری لاک اقتصادی ترین غذای طفل است.



Cérélac[®] NESTLÉ

نستلی معروف ترین و معتبر ترین اسم در ساخت تغذیه طفل.

ردز
امتدار
هنوز
داشته
یاقت
شستی
بود
نه را
دائید
جهاز
دیم
رشته
خودم
بدیم
ظ به
مملو
سی
زند
جدا
یک
ح
های
یک
خودم
تحت
وقت
بیاده
کمرک
مدوق
ما
سوت
شعب
یک
ساز
زی
بلات
کشم
سوغ
به
کشته
ریده
کش
بود
فنگ



جدول اطلاعات عمومی

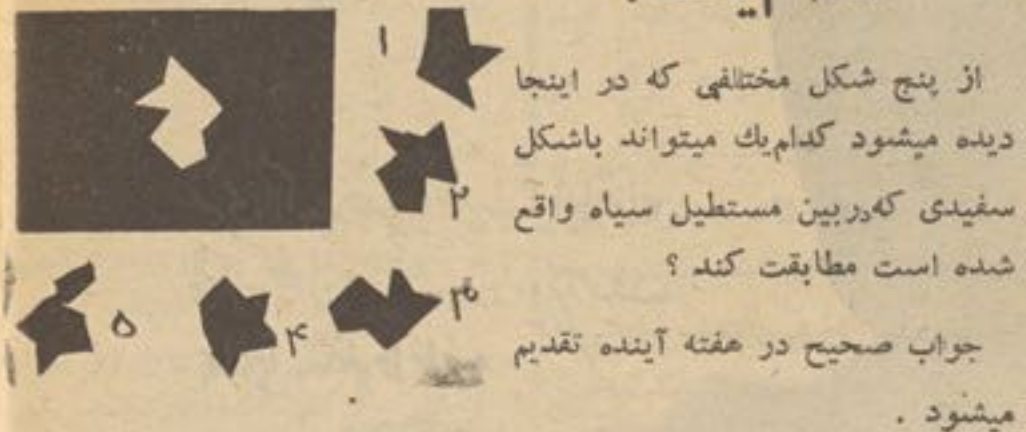
این جدول از ده کلمه مختلف که دو حرف «ن» و «س» در میان تمام آنها آمده است شکل می گیرد. برای اینکه در یافتن کلمات مطلوب اشکالی پیش نیاید از هر کلمه یک حرف دیگر را در جای خود آن حرف قرار داده ایم و شما باید آنرا یافتی باقی خانه های جدول را پر نمایید، شرح کلمات بدین قرار است:

- ۱ - سر زمینی است در قلب آسیا که محبتش در قلب هر افغان جای دارد.
- ۲ - از موسسات وابسته به موسسه ملل متحد که در امور فرهنگی خدمت میکند.
- ۳ - نظم و ترتیبی که استوار بیار می آورد.
- ۴ - از گلهای معطر و دل انگیز بهاری است که رنگ آن غالباً سفید می باشد.
- ۵ - حفظ کرامتش وظیفه همگانی است.
- ۶ - در مقابل حوادث زمانه باید چنین باشیم.
- ۷ - یکی از کشور های بزرگ جهان است.
- ۸ - از جمله جمهوریت های اتحاد شوروی است.
- ۹ - فرع دانستن و خواستن است.
- ۱۰ - رئیس جمهوری امریکا بود.

ن	ا	س	ن	ا	ن	ا	ن	ا	ن
×	و	ز	س	ن	ا	ن	ا	ن	ا
×	م	ا	س	ن	ا	ن	ا	ن	ا
×	ن	ا	س	ن	ا	ن	ا	ن	ا
×	ا	س	ن	ا	ن	ا	ن	ا	ن
×	د	س	ن	ا	ن	ا	ن	ا	ن
×	×	×	×	×	×	×	×	×	×
×	×	×	×	×	×	×	×	×	×
×	×	×	×	×	×	×	×	×	×
×	×	×	×	×	×	×	×	×	×

- طرح کننده: مونسه بشیر
- ۶ - در مقابل حوادث زمانه باید چنین باشیم.
 - ۷ - یکی از کشور های بزرگ جهان است.
 - ۸ - از جمله جمهوریت های اتحاد شوروی است.
 - ۹ - فرع دانستن و خواستن است.
 - ۱۰ - رئیس جمهوری امریکا بود.

کدام يك؟

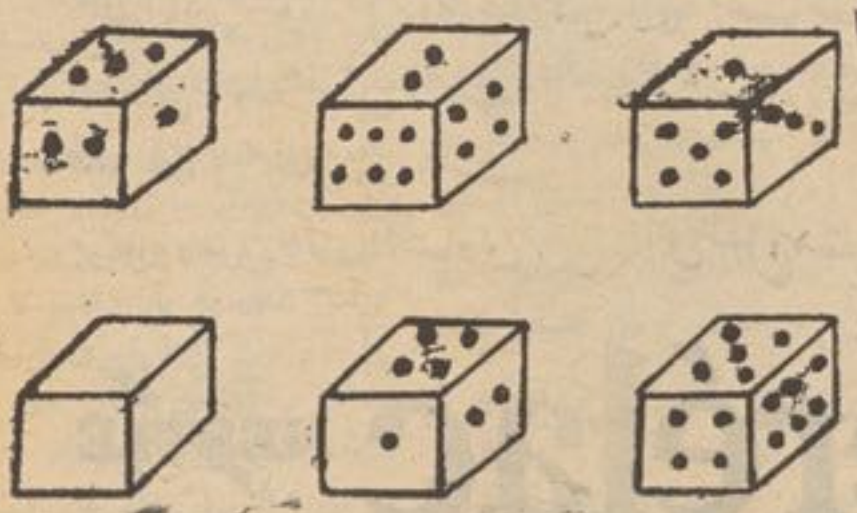


از پنج شکل مختلفی که در اینجا دیده میشود کدام يك میتواند باشکله سفیدی که در بین مستطیل سیاه واقع شده است مطابقت کند؟
جواب صحیح در هفته آینده تقدیم میشود.

او کیست؟

- این سوال را محترمه سلطانه ابوی از مکروریان فرساده اند و پاسخ آنرا از خوانندگان عزیز میخواهند.
- ۱ - یکی از نویسندگان نامدار فرانسه بود.
 - ۲ - در سال ۱۸۲۱ میلادی متولد شده است.
 - ۳ - در سال ۱۸۵۵ درگذشته است.
 - ۴ - در بنیادگذاری سبک ریالیسم در ادبیات جهان، او را یکی از معماران این سبک مهم ادبی میتوان خواند.
 - ۵ - از آثار وی چند کتاب به زبان دری ترجمه شده است که از آن جمله یکی «خاطرات يك دیوانه» می باشد.
 - ۶ - آیا میدانید که او کیست؟

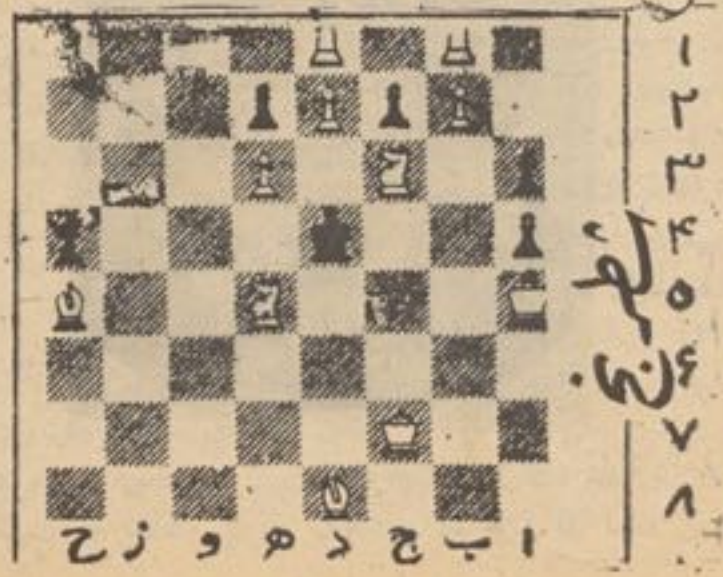
آزمایش دقت



از جمله شش حالت ممکن برای يك مکعب، پنج حالت آن در ضمن پنج شکل مکعب که در این کلیشه دیده میشود آمده است و حالت ششم را شما باید به مدد نیروی ذکاوت خویش پیدا کنید.
البته باید بخاطر داشته باشید که هیچک از پهلوهای این مکعب هانبابد دو نوبت در يك جهت قرار گیرد

مساله شطرنج

در این صفحه شطرنج یازده مهره سفید و شش مهره سیاه دیده میشود نوبت حرکت از سفید است که سیاه را با سه حرکت مات میکند.
لطفا پاسخ خود را به اداره مجله فرستاده روی پاکت هم بنویسید که مربوط به صفحه سرگرمی مجله



از
وا
دو
ار
خو
بد
نما
باش
اس
بد
تجر
آن
بین
اح
ویا
حلا
گر
باز
ارت
که
نتی
نما
زند
تبد
هنر
بکا
باش
بر
های
با
اعت
آواز
در
سال
میس
خوان
که
ومو
فرا
وقا
نظر
تھا
اھم
آنک
احص
کنس
میر
بیه
وطر
گرا
ماه
د



گروهی از تماشاگران در شب های رمضان

شب های رمضان از ساعت

گزارش از: سلطانعلی دانشور

عکسها از ظاهر صابر

- هنر در خدمت مردم ...
- از تالار هتل انتر کانتی منتقل گرفته تا صاحب کنسرت!؟
- از تصنیف های اصیل تا پارچه های تقلیدی ...
- ومهوش با آواز دلکشش شور و هنگامه بر پا کرد و گلباران شد

هنرمندان ما آگاهی از درد اجتماعی دارند، هنر مندو افقی کسی است که در قید احساسات و تمایلات کوچک و بیش با افتاده و شخصی بند نباشد، بلکه بسوی آرمانهای بسز رنگ و اندیشه های تابناک هنری قدم گذارد امروز حقیقت گویی و صداقت هنری از اهم مسایلی است در این صورت مسئولیت و رسالت اجتماعی هنری لحظه ای از نظر مترنم باید دور نباشد.

هنر مند امروز باید از بلاغت و رسایی هنری بوجه خوبی برخوردار باشد، منظور از بلاغت و رسایی هنری آنست که منطق هنری قابل فهم و بیان هنری برای تماشاگر قابل درک باشد، نه اینکه بلاغت هنری را به مبهم گویی پیچیدگی و شکل گرایی بی مضمون و بی مفهوم مبدل سازند.

اکثر هنر مندان ما دارای قریحه هنری خوبی میباشند و اگر این قریحه با کار خستگی ناپذیر آموزش یسی و تمرینی با احساس عمیق مسئولیت و با تفکر سنجید، بیان رسا او گیرا توأم گردد در اعماق روح مردم تاثیر نیکوی بجا میگذارد. هنر مند امروزی باید بسوی هنر اصیل ملی رجوع داشته باشد و دست از تقلید بیجا و ژوندون

نایبند بکشند. و حالا که که این چند سطر را خوانده اید بد نیست چنه کلمه ای پیرامون تیاتر نیز از نظر تان بگذرد، زیرا سالن بعضی از رستورا نها و کافی ها برای دسته هنر مندان شکل صحنه تیاتر را به خود گرفته است، لازم است در این باره با ختصار صحبت شود، زیرا عده تیاتر را وسیله ساعت تیری های سطحی قرار داده است ساده تر باید بگویم که در تیاتر دو عامل مهم و زنده وجود دارد، که آن عبارت از بازیگر و تماشاگر است. بازیگر باید طوری بازی کند تا تماشاگر را محسور و مجلوب بسازد، احساسات او را بشور بیاورد و فکر او را با ندیشیدن و رد دارد او را با خود در واقعه ای که روی صحنه میافتد همراه ببرد. زیرا نمایش تکرار محتوی واقعی زندگی میباشد چون نمایش به تماشاگر احتیاج دارد لذا تماشاچی باید سهمی در نمایش داشته باشد زیرا منظور از نمایش تنها تهنید یب اخلاق و یا تحریک احساسات تماشاگر در مرحله نخست مدنظر نباشد، بلکه باید او را ب فکر و ادا رد تا زما نیکه ژوندون

در دوران ما هنر بی دور نما و هنر ذهنی و بوج بدر نمیخورد، هنر باید رهنما و فرهنگ آخرین باشد، تا مبدا رستا خیز افکار و اعمال انسانی قرار گیرد و انتباهات نیک و مثبتی از خود بجا گذارد.

هنر مندان ما اعم از شاعران، نویسندگان، درام نویسان، نقادان نقاشان و سقیدانان و حتی معماران و غیره در قبال اجتماع و نظام جمهوری دارای مسئولیت مشترکند، اکثر پیشگفتاری بر این گزارش: همه امروز بسوی تحولات فرهنگی و کلتور مصممانه و متین گام بر میداریم و باین اصل یقین داریم که هنر در برابر اجتماع مسئول میباشد و البته منطق این مطلب هم آشکار و روشن است، زیرا هنر از وسایل نیرو مند تاثیر اجتماعی است و گناه بزرگی است که این وسیله نیرو مند تاثیر اجتماعی بزبان اجتماع مورد استفاده قرار گیرد.

صفحه ۵۴



احمد ظاهر خواننده نسل جوان

بدیدن دسته هنر مندا ن رادیو افغانستان که در تالار هتل پلازا کنسرت میدهند، می روم دسته هنر مندا ن رادیو که رهبری آنرا استاد سلیم سر مست بهنده دارد، آواز خوانان معروف شمس الدین مسرور، ژیل سو ما، شهروان و ظاهر فیما می و چهار نفر نوازنده در زبده رادیو حصه دارند که هر شب پنج ساعت با آرایه آهنگ ها و پارچه های خویش تماشاگران را محظوظ لطفاً ورق بزیند

تماشای مردم قرار بدهد و دل خود را بدان خوش سازد، اگر چه مرض کابی ایزم در محافل هنری ما دارای سابقه طولانی است

هنرمندان ورزیده را رادیو افغانستان در پلازا هتل

بعد از استماع کنسرت گروه هنری علی بابا رستوران خیبر را ترک میکنم

از سالن نمایش خراج میگرد باید اجتماع وانسان ها را طوری نشان داد که هر دوی آنها بعوامل بنیادی و اساسی ارتباط داشته و به تماشاگر احساس خود آگهی وانگیزه خویشمن شناس بدهد یعنی تماشاگر وقتی سالن نمایش را ترک میکند، تغییری یافته باشد، باید از آنچه که روی داده است خودش نتیجه گیری نماید تا بدین طریق نیروی اندیشمندان او تحریک گردد.

گروه علی بابا در رستوران خیبر

نخست بدیدن گروه چهار نفری علی بابا در رستوران خیبر میرویم. شب جمعه است گروه انبوه تماشاچی این دسته هنری درجا های معین، پشت میز نشسته اند و در جمله تماشاگران بیشتر طبقه متوسط و عسده محدودی فشر ترو تمند که سرو وضع آراسته ای دارد، بالا میل های خود آمده اند جوانان دارای اکثریت هستند، با اشتیاق و هیجان انتظار آغاز کنسرت را دارند.

میشود، بیش از چهار ساعت، عرض وجود کرده موقعیت خود را نزد مردم احساز - نموده، عزیز رسول گیتار نواز ورزیده است، آهنگ های جاز و غربی را با چه خوبی تقلید لوبیاده مینمایند، یکی دیگر از اعضای این گروه اعظم غیرت نام دارد، آوازخوان است صدای گیرایش شبیه احمد ظاهر است تصنیف بعضی از آهنگها ساخته خودش می باشد، در باند موزیک ارگن مینوازد.

این گروه هنری با اکثریت تام طی اظهار نظری معنویت را بر مادیات ترجیح میدهند و هنر را در خدمت مردم میخوانند، ابراز

نقش بازیگر واقعی در نمایش - آنست که نقش تماشاگر را بحیثیت یک بیننده ساده در نظر داشته باشد، احساس او را، دیده و طرز تفکر او و بالاخره زندگی او را در قبال وقایع حلایجی کرده دو باره آن را به تماشاگر عرضه کند، زندگی با صحنه و بازیگر را با انسانهای بیرون صحنه

تا یک بعد از نیمه شب

ارتباط دهد و در مقابل مجموعه آنچه که تماشاگر می بیند، بیاندیشد و نتیجه گیری دآوری نماید.

هدف اولی گردانندگان این چنین نمایش های هنری این باشد که زندگی را همیشه در حال تحول و تبدیل بنگرد و با اساس این قانونمندی هنر خود را بسود گروه بشمارد بکار برد. تا بدین وسیله توانسته باشد دانی تماشاگر را بالا و بالاتر ببرد و بدینسان مکلفیتها و مسئولیت های اجتماعی خود را بنحو شایسته ای با انجام رسانیده باشد.

موسیقی نیز هنری است بدیع و روحنواز آهنگها و سرود های دل انگیز یکه از حنجره آواز خوان هنر مند، با نوای دلپذیر سازها در شبهای ماه مبارک رمضان فضای سالن های هتل ها رستوران ها را لبریز میسازد، شادمانی و فرحت بار میآورد، آواز خوانهای ملی و محلی و خوانندگان آماتور که در شبهای رمضان هنر نما می میکنند.

و موجب سرور و خوشحالی تماشاگران خود را فراهم میسازند هنر نمایی همه شان تماشا و قابل تامل است هر گروه و دسته هنری نظر بشیوه کار و علائق هنری از خسود تماشاگرانی دارد، البته آنچه بیشتر قابل اهمیت است، ذوق و سلیقه مردم است، آنکه با آواز مبهوش علاقه دارد، بشنیدن آواز احمد ظاهر علاقه نشان نمیدهد، دگر که به کنسرت های سحاب و شبستان حصه می گیرد، بدیدار دگران ابراز علاقمندی نمیکند، بهمین ترتیب هر هنر مند از خود علاقه مند و طرفدار بخصوصی دارد، نگارنده این گزارش همراه عکاس مجله در شب های ماه مبارک رمضان از هنر نمایی تمام گروه



گروه پیام با سرودن آهنگ روز باعث سرگرمی تماشاچیان میشود

بر تری ایند سته هنری نسبت به بعضی گروه ها اینست که هر آواز خوان پارچه سر و د می خودش را میسراید ، در یک رسته تالار جایگاه مخصوص برای فامیل های علاقمند باواز این هنر مندان تخصیص داده شده و متبانی تالار هتل را تماشاگران انفرادی اشغال میدارند ، کنسرت ایندسته از نظم و ترتیب خاصی برخوردار است در بین تماشاگران این دسته هنری عموماً گروه مردم دیده میشود از خانواده های ثروتمند گرفته تا کارگران ، مامورین ، - شاگردان معارف و مردم شهر .

درین آواخر که بازار تپ ریگا در گرم است و بهای آنهم بطور روز افزونی روبه صعود است در همه جا رایج و مد شده - صاحبان این وسیله تجملی مرفه راغبند شمرده از چنین کنسرتها چندین گسیبست مجانی از آواز خوان مورد نظر خود ثبت میدارند که باصلاح بیک تیر دو نشان می زنند ، از یکسو نمایان هنری را تماشا میکنند و از سوی دیگر آهنگها را مجانی ثبت مینمایند ، در هر ستیچ چندین تپ ریکارد گرداشته شده که صاحبان آن به تماشاگران دور و نزدیک خود مجال حرف زدن را که باعث اخلال ثبت تپشان گردد ، نمیدهند و بابلند شدن کوچکترین آوازی ، صدای اعتراضشان بلند می شود .

سرور ، زیلا و سو ما نسبت با برین بیشتر مورد استقبال قرار میگیرند و در هر نوبت بیش از پنج تاشش آهنگ را می سرایند ، ایند سته چون از رهبری استاد سلیم سر مست بر خور دار است باانتظام وانسجام خاصی بدون کدام سنگی کنسرت راپیش میبرند و رضایت خاطر تماشاگران رابهنحوی شایسته فراهم میسازند ، هر پارچه ایکه اجرا میشود با هله و کف زدنهای متواتر استقبال میگردد . در شب های جمعه بیشتری مردم با استفاده از رخصتی روز جمعه شب خود را در همچو محافل میگذرانند ، نسبت بدگر شبها - سالن پلازا هو تل مملو از تماشاگران می باشد و حتی یک چو کی هم خالی پیدانی شود . تکت ادخال ایندسته هم سی افغانی است .

سرور در جواب پرسشی میگوید: سعی وتلاش ما اینست که رقابت مندی تماشاگران رابا تقدیم پارچه های متنوع ودلچسب جلب نمایم وهم بدینترتیب توانستیم باشیم وظیفه هنری خود را در قبال مردم خود بهنحوی خوبی انجام بدیم . هنگامیکه از جریان کنسرت ایندسته عکسبرداری نمایم باحیرت واستفهام تماشاگران روبه رو میشویم چون مجال توضیح دادن نیست انجاریبا خاطره خوشی ترک میکنیم .

گروه هنری پیام در سپین زر هو تل

بعد از تماشای کنسرت هنر مندان وادبو به هو تل سپین زر بدیدن گروه هنری پیامی روم ، گروه هنری پیام سه نفر است ، آرمن نواز ، گیتار یست و جازبند نواز ، تالار هو تل را غبار دود سگرت فرا گرفته و در دورای نور خیره گر و بهای رنگه سالن هتل ، به مشکل دسته پیام را می بینیم که در کنج تالار مشغول کنسرت هستند ، موزیک جاز تندی در حال اجراست و آهنگ آن غربی است ، عده ای از پسران جوان در بیس رقص تویست میرقصند ، تماشاگران با چنج کشیدن ، اشپلاق و چکچک با جوانان گروه موزیک همخوانی مینمایند .

تالار یکپارچه شور و هیجان مینمایند . با عکاس در گوشه نشسته انتظار موقع مناسب را میکشیم تا از صحنه جالب و گروه هنری عکس بگیریم . در یمنو فح متوجه می شویم که شخصی مسن با پیروی از نوجوانان در صحنه رقص داخل میشود باتاب و پیچ وادان اندام خود هر چه میگو شد بسا جوانان تازه نفس همخوانی کند ، از عهده



سیف الدین با نواختن آتشبور شنوندگان را مسحور ساخته بود

شان بر قرار میگردد . سالن تیاتر را جمع غیری اشغال کرده است . در روی ستیج هنر مندان حساب کنسرت انترک را تمثیل مینمایند هنر مندان سحاب کنسرت هشت نفر است در راس آن هنر مند باسابقه تیاتر نیا علی سایر فرادارد قرار گرفته یساکتن از مسوولین کنسرت بعضی از هنر مندان سحاب - ده سال سابقه هنری دارند و هم علاوه میدارند که قرار است برای هنر نمایی بولایات کشور هم مسافرت نمایند .

درینمو فح چهار زن و چهار مرد پشت میکروفون قرار میگیرد پارچه کورس جمهوری را دسته جمعی میسرایند و تماشاگران با کف زدنهای ممتد آنان را همراهی مینمایند .

سپس پرده پایین میافتد وبعد از تغییر دکور پارچه تمثیلی دیگری به مرحله اجرا گذاشته میشود درین پارچه جریان زندگی جوان عیاشی تمثیل میشود که باجال و نیرنگ سر راه دختران و زنان دام می نهد و انانرا فریب میدهد . چون این جوان بیکار و عاطل است مدتی زیادی باین کار ادامه داده نمیتواند ، با لا خوره میباش

آن برآمده نمیتواند ، نفس سوخته و خسته بچوکی خود می نشیند باتکان داد نسور بر گذشت ایام عمر و نیروی از دست رفته چون السوس میخورد و باحسرت و تاسف رقص تند و خستگی نا پذیر جوانان را نظاره میکند ، و بدینسان یاد دوران جوانی رابه دلش تازه میکند .

باتماشای این صحنه جا کب سپین زر هتل را ترک میکنم .

سحاب کنسرت

سحاب کنسرت در سالن هو یلی دو نزدیکی سر چو ک در طبقه دوم مار گیتی موقعیت دارد ، هنگامیکه ما برای تماشای سحاب کنسرت داخل رهرو تالار میشویم . گفتگوی تندی بین مامورین تحصیلی مالیات و مسوولین کنسرت در جریان است . وقتی بانها نزدیک میشویم ، می بینیم که اختلاف و گفتگوی شان روی موضوع تعداد نفر است ، آوانیکه آگاه میشوند که ما می میخواهیم از جریان کنسرت برای ژوندون راپود تهیه مینماییم دفعتاً گفتگوی شان جای خود را به آرامش میدهد و صلح موقت بین



زیلا خواننده محبوب رادیو افغانستان

برخون جانب منازل شان روان شوندا البته با خودمزمه میکنند که ساعت گیری و تفریح بجان ما نشست .
 در این شب زنده داری گا می باو قایم جالبی بر میخورد یم از جمله اینکه یکمده اشخاص پر توقع و خود خواه هر چاکه عکاس سر راه شان قرار میگیرند بدون در نظر گرفتن مشکلات عکاس که همه کار هایش از زیر ذره بین پر پیچ و خم میگردد باعین و تماشاخواهی میکنند که یک قطعه عکس از ایشان گرفته شود هر چه اصرار کنی که عکاس برای گرفتن عکسهای شخصی نیامد باز هم دست از مزاحمت و اصرار نمیکشیدند انسان مجبور است با از دست دادن چند دقیقه وقت و ادایه دلایل و منطقی زیاد از سر ایشان خود را خلاص کند و احياناً اگر تشدید مرتبه فلش را بروی مبارکشان روشن کند .

لازم بیاد آور یست که با غلب گمان یک تعداد رستورانها و کافیهای هم باقیمانده که مایه دیدن آنموفق نشده ایم که از نوعیت شب زنده داری و هنر نما می های هنرمندان گزارش تهیه میگردیم البته اگر زنده بودیم در ماه مبارک رمضان سالهای آینده دست باین کار خواهیم زد و از خجالت شان بیرون خواهیم آمد .

پیشامد خوب صاحبان هوتلها و هنر مندان از مطبوعاتی که نمایشگر علاقمندی شان به هنر است و مطبوعات است تشکر میکنیم بعضی هنر مندان که با خبرنگار و یا نویسنده ای سر دچار میشود بزرگ خوب سعی میکند که رول بازی کند که بنظر من اینکار از اصالت هنر شان میکاهد و بیشتر کارشان شکل مصنوعی بخود میگیرد بهتر است هنر مند ، هنر مند باشد تا با سالمته و ماهیت هنرش لطمه وارد نشود .

شب عکس شما خوب میامد ولی متأسفانه حالی اینکار از دستم پوره نیست . . . ولی او نمیدانست که کمره مجبور فلش است و شب هم میتواند مثل روز عکس بگیرد .
 صدا های عجیب و غریب و اشپلاق در وقت آواز خواندن هنر مندان جنس لطیف در همه هوتل ها و در همه سالنها رایج است بعضی پسران جوان بد پندرتیب بخود نمایی و به اصطلاح عامیانه بکا ککی مبادرت میورزند یا یکتو غرور و قد بلند که بیجا دست باینگونه حرکات نادرست و خلاف آداب معاشرت می زنند و مو جب ناراحتی و مزاحمت اطرافیان و تماشاگران را فراهم میسازند البته برای شان گفته شده هم نمیتواند که بالای چشم تان ابرو است .

در تالار رستوران فیاض خواننده مشهور
 سیف الدین که بنام (سیفو) معروف است بادسته نوازندگان خود آواز میخواند .
 تماشاگرانی زیادی برای استماع آوازش آمده بودند از همه بیشتر قیپ و یکار در برای ثبت آواز (سیفو) آورده شده بود مگروفون های قیپ ها را چنان در پیشروی ستیج - اویزان کرد بودند که وقتی از دور تماشا کنی - خیال میکنی که در اطراف ستیج - میکوبت تار دواییده است البته بخاطر بیشتر ثبت شدن آهنگهای صاحبان قیپ متباقتی - تماشاگران هم نفس هارا از ترس در سینه حبس میکنند تا مورد خشم و غضب آنها قرار نگیرند .

بعد از آنکه تمه پذیر فتن شب زنده داری های شبیای و رمضان که بطور عموم ساعت یک بعد از نصف شب است پروایلم عمده موضوع پیدا کردن وسیله نقلیه است که غیر از تکی سرویس قطعا وجود ندارد اکثر تماشاگران اینگونه محافل توان پرداخت گرایه تکی را که از طرف شب نرخ آن بیلا میرود ندارند مجبور میشوند پای پیاده با جگر

مصابه اختصاصی خواهد داد و به سواالات خوانندگان خود پاسخ خواهد داد زیرا این نخستین بار است که مهوش با داشتن چند سال سابقه آواز خوانی حاضر شده بر روی ستیج و در برابر علاقمندان آوازش کنسرت بدهد . مهوش تنها در شبهای چهره کنسرت میدهد و قیمت تکت آن یکصد افغانی است .
 بایک نظر اندازی عمو می به نمایشات و کنسرت های که شب های ماه مبارک - رمضان از نزدیک ناظر آن بودم ، موفق ترین همه گروه های هنری مهوش بود . - اگر چه همه کنسرتها و نمایشات از خود تماشاگرانی داشتند عده آواز خانجایی هم هستند که غیر از تقلید و کاپی آهنگها که کیفیت و اصلت اصلی آهنگ را از بین می برند کار دیگری ندارد و بعضی تقلیدین این نوع کاپی و تقلید آهنگ را با بسندال می زنند که بهیچوجه با خوانندگان خوب قابل مقایسه نیست .

احمد ظاهر و هوتل انتر کانتی ننتل

احمد ظاهر آواز خوان جوان و با استعداد که در هوتل انتر کانتی ننتل در شبهای جمعه کنسرت میدهد . علاقه مندان بخصوص دارد و طبقه جوان و علاقمند به آواز احمد ظاهر سالن کنسرت را پر میکند و از صدای گرم و تصنیف های جلب اولدت میبرند . احمد ظاهر و کنسرت هایش در نوع کار خود کمتر رقیبی چون خود دارد .

در حاشیه این گزارش :
 کاشم شیدا بی که از آواز گرم و ملایمی برخوردار است بادسته خود در هتل هوتل آواز میخواند شبی که قرار بود ایشان را از نزدیک ملاقات کنیم با اجازه صاحب هوتل بکدام عروسی برای هنر نمایی رفته بود - تصادفاً وقتی از جوار مترو پول میگذشتیم آوازش در آنهوتل بگوش ماریسد همانجا رفته از وی قطعه عکسی گرفتیم ولی فرصت صحبت با وی میسر نشد .

درهوتل ابیض دسته آواز خوان های محلی آهنگهای عجیب و غریب و پیش پا افتاده را میخواند با اینهمه عده ای برای تماشا می آمدند بودند در موقع عکاسی پای من بچو کی بی بند شد و چاینگ از آنر این تصادم چیه شد نزدیک بود مورد غضب صاحب چاینگ قرار بگیریم و قتی متوجه کمره عکاسی شد با کتایه بنفر همجوارش گفت : (از دپ شان معلوم میشه که ادمهای کنهی هستن خیر اس که جای مازه چیه کند اکه دکه کس میبود کنی شان میفهمیدیم)
 درهوتل پلازا صاحب هوتل که سر دخل نشست بود وقتی عکاسی را دید با نفوس گفت کاشکی مرا وقت خیر میدادید که - گروهیای برق هو تلرا زیاد میساختم که در

کنسرت واقع است . در اینجا از تالار - رستوران برای نمایشات هنری استفاده شده است آواز خوانان و مثلان این کنسرت پنج نفر زن و پنج نفر مرد میباشند ، زبان آواز خوان از صدای گریز برخوردار می باشند .

هنگامیکه وارد تالار شبستان کنسرت شدیم ، تماشاگران تمام جوگی ها را - اشغال کرده بودند و از بین شان بدشواری خود را بدقت مسمول کنسرت رسانیدیم ، در دفتر بین دو آواز خوان زن روی کدام - موضوعی بگو مگوی سخنی در گرفته بود . میانجگری اطرافیان شان چندان مو تر واقع نمیشد و شعله خشم شان راه نیز بیشتر بر با تکخت . چینیکه تو چه شان بطسرف کمره عکاسی شد ، حدس زدند که وارد شدن عکاسی درین موقع بدون دلیل نیست و ناگهان سکوت جای بحث و جدل را گرفت اما وقتی از نیت ما واقف شدند که برای تهیه گزارشی آمده ایم ، با گر می مارا پذیرفتند ، کنسرت طبق پروگرام جریان داشت هر هنر مند بعد از آناس روی ستیج حاضر می شد و پروگرامش را اجرا میکرد .

اکثر ایندسته های هنری از ما خواستند تا بایم شانرا از طریق مجله محبوب شان رونمون برادیو افغانستان برسانیم ، تا برای شان موقع داده شود که آهنگهای جدید خود را در رادیو ثبت نمایند تا برای تمام مردم کشور از طریق رادیو بخش گردن ، آنها - اظهار داشتند که ما هنر خود را منحصر - علاقمندان هرگز نمیسازیم ولی چون زمینه برای ما مساعد نیست و هم توان مسا فر ترا بولایت کشور نداریم ، لذا یگانه دستگاه که بتواند هنری ما را با مردم سراسر مملکت استوار نگه دارد میتواند رادیو - افغانستان است .

هنر نمایی هنر مندان شبستان کنسرت علاقمندان فراوانی را بسوی خود جلب کرده بود این هنر مندان علاوه بر آواز خوانی نمایشات تمثیلی نیز داشتند .

قطعه های تمثیلی که به نمایش گذاشته میشود از چند جهت در خور تذکرات است .
 هنر مند بهر انداز یکه از استعداد هنری برخوردار باشد باز هم اگر بصورت - درست دایرکت و در هنگامی نشود ، استعداد لیاقت تبارز نمیکند . بهمین علت ایجاب میشود تا مسوولین اینگونه نمایشات از همه بیشتر با آموزش و پرورش استعداد های نهفته هنری تو چه مبدول دارند ، تا از یکسو هنرمند بیش از پیش ورزیده و پخته گردد ، از سوی دیگر موقع آنرا پیدا کرده بتواند تا در آینده بالای نقش و پرستار خود حاکمیت بیابد و به خلا های تمثیل و بازیگری خود ، خودش پی برده و باصلاح و دفع نواقص آن پیر دازد .

آواز دلگشای مهوش شور ی بر پا کرد

ساعت ۱۱ شب داخل سالون همایون هوتل شدم . مهوش با آواز دل انگیزش آهنگ جدیدی «ای نی نوای چلوان» را میخواند ، خواستار آن آوازشای مهوش نسبت تنگی جای چنان فشرده و نوز دیک درسای ن نشستند بودند ، که جای پای ماندن هم پیدا نمیشد ، تماشاگران با چنان علاقمندی خاص گوش و هووش شان را متوجه آواز دلگشای مهوش ساخته بودند که گویا همه معوشده اند و قار و منانت خاصی در تالار هوتل حکمفرما است از پارچه های سرو دگی مهوش چنان استقبال بی نظیری بعمل میاید که سابقه ندارد ، علاقمندان آوازش لحظه به لحظه او را گلباران نموده و بدینتر تیب سپاسگزاری علاقمندی شانرا ابراز میدارند صدای کف زد نهایی معتددر تالار هوتل طنین انداز است و استاد هاشم با براد رانش نو از ندگی دسته موسیقی مهوش را با لبان متبسم و خندان به پند دارد ، عکاس مجله با تلاش فراوان موفق میشود از مهوش و دسته موسیقی اش عکسی بگیرد البته رونمون در فرست مناسب با مهوش



هنر مندان جوان رادیو افغانستان در حال اجرای کنسرت

دو صد فیصد افزایش

سال	بودجه	تولید تخم پيله به جعبه	فروش فی جعبه
۱۳۳۶	۶۰۱۳۶۰۶	۱۳۳۹۱ جعبه	۶۰ - افغانی
	۵۰۰ دالر		
۱۳۳۷	۵۱۳۵۰۰۰	۲۰۶۳۲ زر	۶۰ - افغانی
	۵۰۰ دالر		
۱۳۳۸	۱۲۰۰۰۰۰۰	۷۵۳۰ زر	۸۰ - افغانی
	۲۸۰۰ دالر		
۱۳۳۹	۶۰۰۰۰۰۰	۹۵۱۲ زر	۸۰ - افغانی
۱۳۵۰	۶۰۰۰۰۰۰	۱۱۸۶۹ زر	۸۰ - افغانی
۱۳۵۱	۳۰۰۰۰۰۰	۳۲۳۷۹ زر	۱۰۰ - زر
۱۳۵۲	۳۵۰۰۰۰۰	۱۶۱۹۶ زر	۱۰۰ - زر
۱۳۵۳	۳۸۵۱۸۵۶	۲۷۰۰۰ زر	۱۰۰ - زر

تولیدات تخم که در فوق ذکر گردید مطابق در خواست هر ولایت از قرار فی جعبه مبلغ یکصد افغانی به پيله و ران کشور بفروش میرسد .
 بناغای شاه احمد فیضی آمر عمومی پيله وری در مورد شروع کمپاین و تغذیه کرم پيله اظهار داشت .

در يك سال دو کمپاین وسیع صورت میگیرد که کمپاین اول در ماه ثور شروع و در سرطان ختم می گردد و کمپاین دوم از اول ماه اسد آغاز و در نیمه اول میزان پایان می رسد در کمپاین اول خوراکه کرم پيله از اطراف واکتاف کابل و سرک پروان جمع آوری می گردد در کمپاین دوم خوراکه کرم پيله از خود فارم ها که قبل بمنظور تغذیه کرم پيله احداث گردیده جمع آوری میشود . موصوف افزود :

معمولاً دهاقین کشور عزیز ما بعد از خریداری ، تخم پيله را در ماه حمل و ثور که برگ توت نسبتاً کلان می گردد روبا انکشاف میگذارند بعد از ۳۵ روز کرم پيله شروع به تاردوانی و غوزه های مولده برای تار کشی ابریشم آماده میشود چون در مملکت عزیز ما فابریکه تار کشی ابریشم موجود نیست پيله و ران ما غوزه ها را در دستگاه های مطلق خویش به کار می اندازند و از حاصل آن امرار معیشت مینمایند .

رئیس و ترنری و مالداري در پاسخ این سوال که از مقدار (۲۲۳۱) کیلو گرام غوزه که در دو کمپاین امسال بدست آمده چه نوع استفاده بعمل می آید اظهار داشت طوریکه در فوق ذکر گردید هدف پروژه پيله وری استحصال تخم تجارتي و مادری که عاری از هر گونه امراض باشد و توزیع آن به پيله و ران کشور می باشد . یعنی غوزه های حاصله که در دو کمپاین استحصال گردید شامل غوزه انکشافی و غیر انکشافی (قطع شده و سالم) میباشد پيله و ران کشور آنرا در ختم هر دو کمپاین خریداری مینماید . در سال های گذشته فسی کیلو غوزه انکشافی را (۹۶) افغانی بفروش میرسانیدند در حالیکه در این نظام فرخنده فی کیلو غوزه انکشافی ۳۰۰ افغانی بفروش رسیده است . دهقانان کشور ما از غوزه های انکشافی در دستگاه های محلی کار میگیرند .

موصوف افزود :
 مقصد از تولید ۲۷ هزار جعبه تخم تجارتي که در دو کمپاین بدست آمد و این معیار تولید در تا ریخ تولید پيله وری بی سابقه میباشد استحصال غوزه غیر انکشافی برای پيله و ران کشور میباشد در ختم هر سال سهمیه هر ولایت از قرار فی جعبه مبلغ یکصد افغانی بالای پيله و ران کشور به پول نقد بفروش میرسد

میشود .

پيله و ران کشور ما از هر جعبه در ظرف ۳۵ روز مبلغ چهار هزار افغانی مفاد خالص بدست می آورند که از ۲۷ هزار جعبه تخم تجارتي (۲۱۶۰۰۰) کیلو غوزه بدست می آید و فی کیلو غوزه غیر انکشافی مبلغ پنجمد افغانی خرید و فروش می گردد بنا بر آن مجموع عواید غیر مستقیم پروژه از مدرک فروش ۲۷ هزار جعبه تخم تجارتي به

(۱۰۸۰۰۰۰۰) یکصد و هشت میلیون افغانی بالغ میگردد که دهاقین و پيله و ران کشور مستقیماً از آن بهره مند میگردند .

تخم تجارتي ما از نگاه کیفیت و کمیت دارای جنسیت عالی میباشد ظرفیت پروژه پيله وری درازا همان ۲۰ هزار جعبه تخم تجارتي است و با آنکه امسال هفت هزار جعبه از ظرفیت پروژه بیشتر تولید شده اما در حصه آن تقاضا پيله و ران کشور را بصورت اساسی مرفوع ساخته در نظر است که يك تعداد مامورین



کرم پيله در حالت تاردوانی و جمع آوری در بسترهای مخصوص

نمی تواند بنا بر آن در برج قوس سال ۱۳۵۲ پیشنهاد گردید تا یک پروژه دیگر در ولایت هرات که

گهواره ابریشم است تاسیس گردد . البته توجه مقامات مديصلاح در این مورد معطوف گردید . و عنقریب با تاسیس آن اقدامات لازم بعمل خواهد آمد .

منظور از تولید تخم مادی استحصال تخم تجارتي برای پيله و ران کشور در هر سال میباشد چگونگی تخم مادری از موضوعات سری پروژه بحساب می آید بنا بر آن از ارائه توضیح در زمینه معذرت خواسته

بقیه در صفحه ۶۱

منطقه کانال سویس

های دیرین مصر یها میباشد درواقع امر نخستین مرحله فعال ساختن این شاهراه آبی بشمار میرود. در مرحله اول متخصصین فکرمیکردند که رینگ به ضخامت یکمتر در طول هفت سال بستر کانال را فرا گرفته بوسیله شاو لها پیرون کشیده خواهد شد ولی تازه حالا ملتفت شده اند که درین شاهراه آبی یکصد و پنجاه ساله غیر از یک متر رینگ موانع دیگری نیز وجود دارد. مثلاً تنها بدنه ده سفینه مال بر دار یکی از موانع بزرگ کشتیرانی محسوب میگردد از جمله این کشتیها تنها یک کشتی مسافر بردار پنجم مکه که یازده هزار تن ظرفیت دارد به دوازده پارچه جدا گانه تقسیم و از کانال پیرون کشیده شد. گذشته از آن اسرائیلی ها در طی جنگ اخیر اکتوبر سال گذشته در کانال سویس سد مستحکم کانکریتی برای عبور وسایل جنگی ساخته اند و از طرفی هم در طول بیشتر از صد کیلو متر کانال سویس انواع مختلف سلاح از قبیل تانک زرهپوش و موتر های بار بردار بشکل قراضه افتاده است.

اد میرال کارول امریکایی که در تصفیه کانال سویس با هر گونه همکاری با شرکت های انگلیسی، فرانسوی و مصری آماده میباشد به پیشرفت کار تصفیه کانال روز بروز خوشبین تر میگردد. چنانچه به احضار دو کشتی تصیفه و یک جرثقیل یکهزار تنه آلمانی که فعلاً در بندر ها مبورگ لنکر انداخته هدایاتی صا در کرده است نامبرده امید واز است که تا اخیر ماه دسمبر لا اقل یک لاین کانال برای عبور کشتیهای که یازده متر ارتفاع داشته باشند آماده گردد. به نظر اد میرال مذکور مصرف تصفیه کانال به بیست میلیون دالر بالغ خواهد گردید.

مصر یها همین حالا برای آیند کانال نقشه های بزرگی طرح کرده اند مثلاً در قدم نخست میخواهند به مصرف سه ملیارد مارك کانال را در ظرف هفت سال بحدی عسر یض بگردانند که کشتیهای نفت بردار با

دو صد و پنجاه هزار تن نفت خام بتوانند از کانال سویس عبور کنند آنوقت است که عبور از کانال برای مصر یها ارزشی خواهد داشت زیرا به قرار تخمیناتی که متخصصین بعمل آورده اند، از صحرای سینا معا دل یکمیلیارد دالر عایدی بدست خواهد آمد. در مورد عریض ساختن کانال سویس یک ضرورت دیگر نیز عرض اندام کرده است و آن عبارت از سفاین بزرگ نفتکش است که می توانند دو صد و پنجاه هزار تن نفت خام را انتقال بدهند و لهذا باید کانال سویس برای عبور ازین کشتیها مهیا گردد.

هر چند تا اکنون کانال سویس یک منطقه ممنوعه میباشد و شهر سویس از طرف قوای اسراییلی سخت آسیبیده و اسماعیلیه به خرابه زاری تبدیل شده و تنها در پورت سعید آثار و علایم حیات آهسته آهسته به مشاهد می رسد. جاده ها و خط آهن در امتداد کانال سویس هنوز در ترمیم نشده و هنوز هم باد صحرا بر گونه های توپهای از کار افتاده و خانهای مخروبه بوسه میزند. ولی با این ویرانیهای که از طرف عساکر اسراییلی بر این مناطق وارد گردیده بازم انور السادات رئیس جمهوریت مصر یکتن از رجال با تجربه مصری را بحیث وزیر عمران مجدد مقرر و از وی تقاضا کرده است که منطقه کانال را به بهشت روی زمین تبدیل کند وزیر عمران مجدد مصر عثمان احمد عثمان نام دارد.

خود مصر یها وجوه هنگفتی را برای آیند این منطقه در نظر گرفته اند. از جمله پلانهای شان یکی این است که مبلغ سه ملیارد مارك آلمانی را در هفت سال برای سران مجدد این منطقه مصرف کنند.

بر طبق پلان مصر یها شهر های مخروبه و متروک دوکنار کانال سویس هموار میگردند و بجای آن شهر های باشکوه تر از گذشته آباد خواهد گشت همچنان جاده های عصری و خطوط آهن برقی میدا نه های هوایی و مناطق آزاد گمرکی تاسیس خواهد شد. به این ترتیب صحرای خشک

و لم یزرع به مناطق خوش آب و هوا و صنعتی تبدیل خواهد گشت و سیل سیاحین به این مناطق رو خواهند آورد.

سهام آلمانیها در عمران این ساختمان ها :

عثمان احمد عثمان که پنجاه و هشت سال قبل در اسماعیلیه تولد گردیده ادعا میکند که هیچ شخص دیگری مانند او مناطق کانال سویس را نمیشناسد. این انجینیر مصری در سایه تلاش و کوشش دلآوری و قابلیت کار یک شرکت ساختمانی بحیث یکی از موسسات بزرگ ساختمانی ممالک عربی بمیان آورده است. شرکت ساختمانی نا مبرده در ساختمان بند عالی اسوان، درساختمان پلها، بندر رگاه ها و قاپریکه ها در مصر و میدانهای هوایی در عربستان سعودی، سرکها و مکاتب کویت، کانال ها و هوتلها در اردن، لیبیا، عراق و سودان سهم موثر و وسیعی داشته است.

وقتی این شخص در پاره آیند ه سویس صحبت میکند آنوقت دور نمای کانال خوبتر مجسم می شود.

- چند سال بعد سرکهای درجه اول و خطوط آهن برقی منطقه کانال را با مرکز جمهوریت مصر وصل خواهد کرد.

- با تاسیس یک منطقه آزاد گمرکی که وسعت ساحه آن نسبت به ساحه بندر آزاده مبورگ بزرگتر خواهد بود به شهر سویس قیافه جدیدی خواهد بخشید.

- امور ماهیگیری و زراعتی مدرن تر خواهد گردید.

- صنایع مختلف که کشور همین حالا به تولیدات آن سخت نیاز مند میباشد بحدی توسعه داده خواهد شد که برای صدور بخارج آماده گردد مثلاً از قبیل سمنت کود کیمیاوی و امثال آن.

قبل از جنگ اکتوبر در پورت سعید (اسماعیلیه) سویس و نواحی کانال در حدود یکنیم میلیون تن زندگی میکردند در حالیکه پیشبینی میگردد که در طی ده سال آیند نفوس این مناطق صد فیصد افزایش خواهد یافت.

خود آمر ساختمانی کانال سویس میگوید بگزارید که ملت مصر خود شان به حقیقت استعداد شان ملتفت گردند. به نظر نا مبرده سرمایه

بولی سوال مهمی نیست زیرا استعداد خودش سرمایه هنگفتی بشمار میرود همه بسوی انکشاف اقتصادی کشور های شان میشتابند.

وقتی در مورد مجدد خانه های شخصی مردم در منطقه کانال سویس ازنا مبرده سوال شد در جواب اظهار داشت که چون منازل زیاد ی ویران شده و حکومت به تنهایی از عهده ساختمان مجدد برآمده نمیتواند در حالیکه از طرف دیگر توقع این است که شهر ها بار دیگر و پسرعت ممکنه از گریبان ویرانیها مجدداً سر بیرون بکشند لهذا تجویز گرفته شده است هر کس قابلیت اعمار مجدد خانه ویران شده شخصی خود را داشته باشد از طرف حکومت همین حال

مبلغی در حدود بیست هزار مارك آلمانی بوی بصورت پلا عوض داده خواهد شد مشروط بر اینکه همین فردای حصول پول بکار ساختمان خویش آغاز کند.

سر مایگزاری بین المللی نیز راه خودش را بسوی کانال باز خواهد کرد. زیرا همینکه در کانال سویس شریان تجارت بین المللی مجدداً فعال گردد سرمایه سرشاری به مملکت سرازیر خواهد گزیدید.

همین حالا هیئتهای اقتصادی کشور های ایالات متحده امریکا جمهوریت اتحادی آلمان و جاپا نیهار هوتلهای هیلتون و شیر اتون قاهره زندگی می کنند و با مقامات مسئول مصر در باره عقد قرار داد های تجارتی سر-

مایگزاری وسیع در مصر مشغول گفتگو میباشد، چنانچه تازه بانک های امریکایی شعبات شان را در قاهره باز کرده اند تا زمینه سرما یگزاری

در مصر و سایر ممالک عربی به پیمان بزرگ فراهم گردد.

ارزش های جهانی اسلام

دکتر مار تین لو تر کینگ یکسری از دانشمندان پیره دست و هیر بزرگ سیاهان دریکی از بیانییه های مهم و تاریخی اشس سیا هان از نظر افتاده را مورد خطاب قرار داد و گفت :

قوانین بشری تا حال بنفع شما سیاهان کاری را از پیش نبرده است و این شما هستید که برای شما حتی ما هست ذاتی یک انسان را قابل نمیشوند و شمار از مجامع و مواقع حساس بیرون میرانند و ملتفت باید شد که امروز جز اسلام و قوانین عالی وانسانی آن پناه گاه دیگری برای شما سیا هان سراغ نمیشود و تنها همین این است که جز انسانیت و معنویت را نمی شناسند و امتیازی میان شما و دیگران در حقیقت و واقعیت آن وجود ندارد و من خود با اسلام معتقد بوده ام و آن را بهیچ وجه با بیگانه ها نمی بینم و آنرا به فرودجات بیچارگان و از نظر افتادگان می شناسم.

کرایش سیاهان بدین اسلام ، امروز از واقعیت های محسوس و نا قابل انکار است چنانچه اگر ما جریان کار انجمن های اسلامی برخی از کشورهای اسلامی را در مالک اروپایی و آفریقایی تحت مطالعه قرار بدیم بوضاحت درمی یابیم که سالانه تا چه اندازه از سیاهان قاره های مختلف با علاقه مندی خاصی با اسلام میگرایند و آنرا بهیچ بیگانه وسیله نجات بخشای خویش می پذیرند .

اسلام میگوید آنها از نگاه ارزش های ذاتی و مقام و حیثیت به مشابه دندانه های شانه اند و همچنین بیکه دندانه های شانه در ارزش و موقف فرقی از هم ندارند و هر چند کوتاهی و یاد داری قامت و جسامت شان تفاوت داشته باشد باز هم دارای مقام انسانی مساوی و یک شان هستند و این تفاوت در قامت و اندوخته جسامت مساوات آنها را سلب نمیکند و ارزش یک را نسبت به دیگری بیشتر نمی سازد اسلام در هر موقع و هر مرحله این حقایق و واقعیت های حیاتی و عالی خویش را ضمن مشالها و نمونه ها تقدیم و بیان مینماید و با گذارش ساده و عام فهم ، توجه انسان را با موافقت های زندگی و ارزش های بزرگ بلند پایه که سعادت نوع بشر را در کلیه شئون حیات مادی و معنوی تضمین مینماید جلب میکند

دانشمندان بزرگ جهانی و مخصوصا آنها بیکه در راه آزادی و تثبیت ارزش های حقیقی انسانی در راه تحقق بخشیدن با اصل مساوات و برابری در میان انسانها مبارزه کرده اند غالباً از اساسات و اصول حیاتی و انسانی اسلام متأثر بوده اند و با تائید پذیری کامل از واقعیت های اسلامی را خویش را بسوی موقت پیش گرفته اند

از جمله این دانشمندان و پیشاهنگان اصلاحات بشری در قرنهای بعد یکی هم مهاتما گاندی را میتوان نام برد او با اسلام و آریه گار جهان معتقد بود و از گفتار و طرز تفکرش در زمینه مبارزات بغاوت آزادی ملت ها و ایجاد مساوات در میان قباایل و نژادها ، پیداست که فلسفه تعلیمت های اصلاحی وی کمتر تفاوتی با اصول و حقایق اسلامی دارد .

اینک برای روشنی بیشتر موضوع و اینکه چگونه ارتباطی میان افکار گاندی و مسائیر حیاتی اسلام دارد مثالی در زمینه تقدیم میشود در میان اهل هند گروهی بود موسوم به گروه (باریا) و یا گروه از نظر افتاده این طایفه با اساس حکم دیانت بودایی ، زشت و نامطلوب شمرده میشد طوری که مردم از آنها اجتناب میکردند و تحقیر شان مینمودند و جز اعمال و کارهای خبیث و پست و راپایشان نمی سپردند اما گاندی از همان دوران صباوت خود ناپسند بودن این طرز روش و اندیشه و ادراک کرده بود روز گار مبارزات اصلاحی و مبارزه برای از بین بردن شایسته انسانها نمیدانست ازینرو در

جهان ناپینایان

در پیدا کردن کار برای ده هزار ناپینا در تاسیسات صنعتی در مهاراشترا دهلی ، بنگال غربی ، مدھیا پرادیش گجرات و میسور کمک و مساعدت نموده است . این انجمن مطبعه را بکار انداخته که در آن تعداد زیاد پروژه کتاب سخنگوی انجمن ملی ناپینایان برای کوران مفید ثابت شده است . میرمن فرینی گاکرات که مسکرتر پروژه مذکور است گفت : ۱۹۰ پایه تیپ ریکاردر بانوار های لسانهای هندی ، مراتی ، و انگلیسی که هر کدام ۲۱ ساعت دوام میکنند اکنون برای ناپینایان تعلیم یافته توزیع می شود . این تیپ ریکاردر ها اکنون در کشور های پیشرفته دیگر از مود افتیده است . ماحالا در صدد دریافت سه پایه ماشین از زیلانند جدید می باشیم . ماهمچنین از تیپ ریکاردر های کو چکی که در داخل کشور تولید می شود استفاده میکنیم و آنرا برای متعلمین در برابر یک مبلغ کم عاریت میدهم .

پروژه کتاب سخنگوی چهار صد موضوع را در رشته های قسانون تاریخ ، لسان ، ریاضیات و غیره تهیه نموده است . کمپ چشم داهود در گجرات ، صد سکار شیب را برای ناپینایان جهت مطالعات علمی در رشته های فیزو تراپی ، موسیقی ، ستونگرافی و موضوعات تجارتي و تخنیکي تهیه دیده است . این کمپ همچنین یک کورس مکتوب نویسی را با همسکاری مکتب ناپینایان هدلی ایالات متحده امریکا براه انداخته است و سال گذشته دو جایزه بزرگ را برای متعلمین لایق تخصیص داد . مرکز تربیوی زراعتی در هات (تاسب) که در سال ۱۹۶۰ در فانتزا واقع در امان تاسیس گردیده یگانه پروژه منحصر بفردیست که در آسیا برای ناپینایان وجود دارد . این پروژه برای آن رویکار آمد تا ناپینایان غریب و بیچاره را در دهات زیر تعلیم

و تربیه قرار داده و آنها را در رشته های کشت و زراعت و تجارت تربیه نماید . (باید گفت که سالانه به تعداد ۱۰۰۰ نفر در مناطق روستایی کور می شوند) . پروژه (تاسب) دریک ساحه ۲۴۰ ایگر زمین بفعالیت آغاز نموده است درین ساحه نارپال ، کیله ، و مانگو شیکو و نخلساتسها وجود دارد . در پنجاه ایگر این ساحه ، شالی و برنج گندم ، جوار ، چار مغز زمینی ، و غیره زرع می شود . جوانان ناپینا (بین سنین ۱۶ و ۴۰) بصورت رایگان زیر تربیه گرفته می شوند . اعاشه ، اباته لباس و خدمات صحی شان مجانی تهیه میگردد . این کورس مدت یک و نیم سال دوام نموده و مفردات تعلیمی آن مطابق به مفردات تعلیمی یک مکتب زراعت است . بر علاوه مضامین دیگر درین کورس موسیقی ، کارهای دستی بافندگی ، نجاری ، خیاطی خشت ریزی غرّدی و چپیری سازی ، و طویله سازی خیشاوه کردن ، زرع سبزیجات و حبوبات ، و تربیه گل ، دسته بندی گل ، زنبور داری ، دوکاندازی ، تربیه حیوانات ، فارم مرغداری و غیره نیز تدریس می شود .

ناپینایان به موسساتی مانند (تاسب) ضرورت و احتیاج دارند تا زمینه های تربیتی و کار را برای شان مساعد سازد . اقدامات دیگری در کار است تا مردم ما را از گور شدن نجات دهد . اینها عبارتند از :

- ۱- تهیه غذای بهتر برای اطفال که باید شامل زوغن های نباتی لبنیات ، و سبزیجات تازه باشد .
- ۲- یک مبارزه عمومی مملکت شمول برای انجام معاینات چشم مخصوصا در مناطق دهاتی .
- ۳- تهیه عینک برای محتاجین و ضرورت مندان .
- ۴- تداوی و معالجه طبی که باید شامل پیوند قرینه چشم باشد .

دوست ندارم قلبی پاک و پاکیزه که بمرکز وحیده نزدیک نمیشود ، قلبی که به نیکی و شایستگی ایمان دارد و کفر را نمی شناسد . مادر گاندی بطور دایم این تلقین را بیشتر از هر چیز دیگری تکرار میکرد : من آزادم من شجاعم و زبان من جز بقی حرف نمیزند هیچ کس را نخواهم زد . بمن قلبی عطا کردی که شر و بدی را

مادر گاندی هنگام عصر و غروب بوی چنین تلقین مینمود :

بروردگار من مجبو عظمت خاص تو راست . مرا آزاد آفریدی و من ذلت و پستی را نمی شناسم . مرا شجاع خلق کردی و من شکست را نیاموخته ام . مرا قوه نقل و بیان دادی و من جز بقی حرف نخواهم زد . بمن قلبی عطا کردی که شر و بدی را

بردن خرافات ، این موضوع واجبی گرفت و اهمیت زیادی برای قایل گردید . او فکر کرد که **درواه نجات خاك و وطن ازشر ناپینایان ها** ازین طایفه کار باید گرفت و بمنظور بلند ساختن حیثیت و ارزش آنها اقدامات عملی بخرج باید داد زیرا او میگفت این گروه مانند سایرین عضوی اند از جسم بزرگ وطن و علیل بودن آنها سبب عدالت و تمام جسم میگردد حال با در نظر داشت اینکه اسلام نیز سالها پیش ازین گفته گاندی ارشاد کرده که بی نوع انسان حیثیت اعضای یک جسم را دارد و چون عضوی ازین جسم ببرد علالت گراید . تمام جسم از علالت و رنج آن در شکوه خواهد شد . این ادعا روشن میگردد که گاندی مطابق به تعالیم اسلامی حرف زده و تحت تاثیر آن بوده است .

این نکته نیز باید نخواهد بود که این تعبیر ما بنام اسلام الهام از فرمایش پیشاهنگ جهان تربیت (سعدی) نیست آنجا که گفته بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش زیگدیوهرند چو عضوی بدم آورد روز گار بدگر عضوهارا نماند قرار

بلکه این ادعای مترجمه چو کاتی و خالص حدیث پیامبر عالمیقام اسلام است که این شعر پر حکمت سعدی نیز عینا و بدون زیادت و نقصان تعبیری از آن بحیاب می رود .

گاندی با شجاعت کامل خود را در طرف ایسن گروه از نظر افتاده گرفت و اعلان کرد که مسله (باریا) باری است که بر دوش دیانت هندو سنگینی مینماید و ممکن نیست این مسله زاده دین هندو باشد و بلکه مسله بیگانه ای است که با روح و طبیعت این دین سازش ندارد و بایست ریشه آن بصورت صحیح جستجو گردد و من بصراحت ابراز میدارم مرکز بادینی که زشتی و نامطلوب بودن گروهی از وطن داران و ملت را جزئی از خصوص قطع خود قرار میدهد آشنائی نخواهم داشت .

گاندی با اساس این طرز تفکر خود انجمن را بنام مجلس (گروه از نظر افتاده) تشکیل کرد و خودش شخصاً ریاست آن را بدست گرفت او در مجلس حق این گروه را اعلان کرد و مساوات ایشان را با سایر برادران موطن شان تثبیت نمود و آنها را دوباره با انسانیت خویش که آفرینش برای شان از زانی فرموده بسود برگردانید و در نتیجه همین گروه موخر ترین گروه را در مبارزات برای اصلاح عمومی تشکیل دادند .

اکنون این قضایات با ما است که این طرز اجراءات و این نحوه اندیشه گاندی چه فرق و تفاوتی ازین ارشاد قرانی دارد که ای مردم ای انسان ها عاشما را از یک مورد وزن خلق کردیم و تقسیم شما بگروه ها و طوایف مختلف جز برای آن نیست که شما یکدیگر را خوبتر بشناسید و به پیشگاه خداوند (ج) بلند پایه تسوین شما و راستکارترین شما با تقوی ترین شماست هم چنان فرموده های حیات بخش پسا سر اسلام که در همین زمینه عنوانی بشریت و برای نجات بشریت از طرز تفکرهای ضد انسانی صادر گردیده یکی و دو قسمت و حضر وقت همه آنها از حوصله این محبت بیرون میباشد .

مادر گاندی نیز از زنان متقدمه بخدا (ج) و عظمت آفریدگار بود و او برای گاندی در هنگام نشیبه های مناجاتی را تلقین میکرد و در هنگام طلوع صبح میگفت : ای زیبایی که از افق شرق سرمیکشی : دانه های سرور و حیات را در دل های مردم بندگان ای نوریکه از شمال تاریکی های شب بیرون می جسی جهان را بسوی صبح امید و سعادت هدایت نما .

ای ستاره گلن پر تلاو و بی غبار و ستاره گالی که هنوز نقش قدم ها بروی شانه نشسته با موجهای آرام پیش آینه تادنیارا از خواب بیدار سازید زندگی بر انگیزید و دنیا را روشنایی بخشید .

میزمدور ژوندون

در مورد پروگرامهای صحیح رادیو نیز عین مطلب بشکل دیگر مطرح است و آن اینکه پروگرامهای صحیح روی مشکلات اکثریت مردم افغانستان بحث نمیکند و موضوعاتی هم که در این پروگرامها روی آن صحبت میشود نمی تواند همگانی باشد اداره تهیه کننده باتوجه بشرایط زندگی عمومی، بادر نظر داشت اقتصاد خانواده ها و بازار نظر گرفتن سوبه و میزان فهم عمومی بیشتر روی مسایل وقایعی و طرق جلوگیری از امراض پروگرامهای صحیح خود را ترتیب نماید. در مورد پروگرامهای دیگر رادیو من اعتقاد دارم که چه از نظر فورم و چه از نظر محتوی رادیو پروگرامهای شبنبدنی و خوب تهیه میگردد. و میتواند از عینیت زندگی مردم نمایندگی نماید بخش اطلاعاتی رادیو اکنون مانند همه کشور های پیشرفته خبر و اطلاع رسانی را از مردم میروساند و بخش های آموزشی نیز خیلی خوب تهیه میگردد.

سیمای عبادی :

ایرادی دارم در زمینه بخش جواب به نامه ها در پروگرام کورنی ژوندون در این پروگرام بسودن آنکه باصل معضله توجه گردد شرایط نو پسندیده نامه در نظر گرفته شود و گام عملی در جهت رفع مشکل برداشته شود. فقط پند است و اندوز بان مادر اندر، آن شوهر، آن - پند و آن...

و این درست نباشد و قتی حتی تلف میگردد و کسی بنا حق محکوم میشود و در خود را به پرو دیوسر پروگرام خانوادگی رادیو و یا متصدی صفحات خانواده ژوندون می نگارد، انتظار توصیه و اندوز را

ندارد، چه اگر توصیه و پند مفیدی افتاد به یقین کار آن بیچاره برادری و ژوندون نمی کشید گاه کوشیده میشود کمی هم تراژیدی و غم انگیز شود بشاید، این خود نوعی غم شریکی باشد. ولی چه فایده، رادیو میتواند همکاری - جمعی از استادان پوهنتون را در این بخش طور افتخاری جلب نماید تا جوابی که داده میشود مشوره مفید باشد و موثر.

عبدالله رحیمی :

نظر من این است که بخش پروگرامهای خانوادگی رادیو با صفحات ژوندون در همین زمینه باید مدغم گردد باین ترتیب هر دو واحد نشراتی میتواند از گروه مشورتی مشترکی استفاده نمایند هم اگر عین پر ایلم های که در رادیو به نسبت کمی وقت بصورت فشرده و کوتاه شده نشر میگردد برای انتباه خانواده ها بصورت قصه ترتیب شده و در ژوندون نشر گردد کار مفید وار زنده ای است. در بخش های دیگر رادیو واقعا موفق است و پروگرامهای عالی پرودیوس میگردد.

شماره ۳۰ - ۳۱

و موسیقی مسولیت داشته باشند تا هر تصنیف قبل از کیبوز به سیله شان اصلاح گردد و هم اشتباهات نطقان رادیو برایشان یادداشت گردد. در این صورت بزودی میتوان اطمینان داشت که پروگرامهای رادیو از نظر ادبی بی عیب ثبت و نشر میگردد.

در مورد مجله ژوندون نیز یک نکته قابل یادآوری است و آن اینکه این مجله باید مشوق استعداد های جوان و آماتور باشد و با توجه باینکه ظرفیت های هنری و ادبی بشکل خلافت خود در کشور ما فراوان است آنرا کشف و معرفی نماید، چنین روشی این مجله را محبوب تر میسازد.

رووف راصح :

باتشکر از همه شما خانواده های علمند که در دور صحبت ما اشتراک نمودید جلسه امروز را در همین جا پایان میدهم، البته تمام نظرات و انتقادات شما هم توسط مسوولین رادیو هم در حیات تحریر مجله ژوندون مورد مطالعه قرار میگیرد و تا جای امکان گوش میگیرد خواست های شما بر آورده گردد.

تادور بعدی صحبت ما در این ولایت که بازم در خدمت شما خواهیم بود خدا حافظ و با امید اینکه همیشه از راه مکاتیب با رادیوی خود و یگانه مجله خانوادگی خود همکاری باشید و نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را بازم برای ما بفرستید.

بقیه صفحه ۵۸

دو صد فیصد افزایش

نقاط کشور بشکل ابتدائی رائج بوده است. این پیشه از نگاه مفاد ناشی از حاصل ابریشم یک حرفه پر منفعت بشمار میرود انکشاف پيله وری در کشور عزیز ما آینده درخشان دارد چه مساعادت آب و هوا و فراوانی درخت توت در همه نقاط کشور امکان ترویج و تکثیر پيله وری را فراهم می آورد. در صورتیکه پروژه پيله وری با تمامی ضرورت آن در ولایت هرات و سمت شمال تاسیس گردد در آن وقت پيله وری افغانستان در جهان درجه اول بشمار خواهد رفت فعلا چون کدام فابریکه تار کشی موجود نیست دهقانان کشور ما در

دستگاه های مطالی خود بصورت خیلی ابتدائی ابریشم را تار کشی مینمایند برای رفع این معضله در قبالتاسیس یک پروژه پيله وری در ولایت هرات که در آینده نزدیک با یکی از ممالک دوست در زمینه عقد قرارداد میگردد تاسیس فابریکه تار کشی ابریشم نیز در نظر گرفته شده است. غیر از پروژه پيله وری دارالامان پروژه دیگری داریم اما وزارت زراعت و آبیاری تلاش مینماید که پيله وری را در اطراف و کناف منسلک توسعه بدهد و سوبه عواید طبقه زارع و سطح زندگی مردم را ازین رهگذر بلند ببرد.

پاسخهای کوتاه

مخترمه طاهره فارغ التحصیل لیسه لشکرگاه : چشم میکوشیم نظر شما بیشتر بر آورده گردد و مطالب مورد علاقه شما در مجله نشر گردد. سفارش شمارا هم به متصدیان صفحات (زبان و دختران) و (جوانان) رساندیم از اذعلا که شما متشکرند و سپاسگزار آن هنرمند رادیو که شما صدا و تمثیل او را دوست دارید از این علاقمندی شما امتنان دارد نظر شما هم در مورد مجله ژوندون کاملا درست است این مجله از مردم، برای مردم و در خدمت مردم است بازم با ما به آدرس کابل انصاری وات، مجله ژوندون صفحات خانوادگی مکاتیب کینه و نظرات انتقادی و اصلاحی خود و دیگر شهریان خود را برای ما بفرستید تا با امتنان از شما از آن استفاده گردد، خوش باشید.

نیاغلی انور ضیاء : مشکل خود را به آدرس ژوندون گروه مشورتی بنویسید تا جای امکان با شما کمک میگردد، تشکر.

بقیه صفحه ۴۷

حقایق و ارقام

نیست از جمله ضروریات کتابخانه ها محسوب و در کتابخانه های موصوف ۸۹۷۷۳ صفحه موزیک وجود دارد. در اطاق مطالعه کتابخانه ۱۸۶۷۷۴ جلد کتاب جهت مطالعه در داخل محوطه کتابخانه وجود داشته و از مجموع کتابها و صفحات موسیقی قابل استفاده بوده است. باید به خاطر داشت که از قام مذکور از کتابخانه های که توسط دولت اداره می گردند اخذ شده در حالیکه هزاران نفر دگر از کتابخانه های که در محیط کار شان تنظیم گردیده مستفید شده اند اطفال کتب مورد ضرورت را از مکاتب و مدارس از شفاخانه ها عساکر از مراکز تربیتی نظامی بدست میاورند. کتابخانه های علمی و مسلکی و پوهنتون ها از قید بر شاری فوق خارج اند جوانان محصل کارگران انجنیران و متخصصین قسمت اعظم وقت شان را جهت تتبع و از یاد معلومات و هم مطلع شدن هر چه سریعتر از وقایع جهانی در داخل این کتابخانه ها صرف نمایند.

د تلي ۳۲ يادوطن دنجات ورځ

مشری یو ستر انقلاب مینځ ته راغی او په هیواد کې د جمهوریت ښکلی نظام قایم شواو - زموږ دخلکو څخه هیلې او ارما نونه چسړدکلو کلو را عیسی دجهسو ریت دپاره په زړه کې در لودلی تر سره شوی اوپه افغانستان کې د نیکمرغی اوسعات پلوسی او وپانگی خوری شوی .

وا قعیت دادی چی جمهوریت ښکلی اوپه زړه پوری نظام دی او په دی نظام کې خلکوته والا او اختیار ورکول کیری چی ملی اجتماعی اقتصادی ، چاری د حکومت سره په گم کوبینی سمبال کاندی نو همدواچه ده چی افغانان د جمهوریت سره د زړه له گو می مینه لری او ددی نظام دتینگیت دلو مړی ورځی را عیسی د هغه د عالی حد فونوپه تحقق کی هغه اوکوبینی چاری دی اوددی ملی او منلی نظام ملاتړ کوی اوزموږ انقلاب بی دو لک د خلکو د سو کالی په هیله د یسرغوره او ښه کارونه سر ته رسو لی دی په دی ترڅ کی بیوز لو او مستحقو کورنیو ته دهیواد په زراعتی سترو یووژو کی ځمکی وو یشل شوی او دا کتر یست دهوسا ینی په هیله یو لړ گتور او په زړه پوری پرو گرامونه طرح او تر تطبیق لاندی ونیول شول په همدی تو گه یو شمیر دنوی ژوند د شرایطو او ایجاباتو مطابق بولر اوانین مینځ ته راغلل دکارگرانو حقوق تامین او دهغوی د را تلو تکی ژوند دښه کیدو او اقتصادی حالت دپیاو پی کیدوپه برخه کی په زړه پوری تصامیم غوره شول .

جمهوریت سره خلک ځکه مینه او علاقه لری چی هغه ددینی شعایر و او ملی روحی سره پوره ، پوره سمون لری او جمهوریت دظلم ، ناروا حق تلفی ، تبعیض اجتماعی مفاسدو سره په ټینگه مبارزه کوی اوپه دی غوره نظام کی حق ، حقدار ته سپارل کیری .

نوددی دپاره چی د جصو د یت ښکلی نظام ټول حد فونه او پروگرامونه په ښه توگه سر ته ورسی ښای چی زموږ ټول خلک لکه څرنگه یی چی د نظام سره داوول نه تر اوسه و فا داری ښو دلی په عمل کی هم په گډو کوبینونو او مساعیو لاس پوری کاندی .

موږ په داسی حال کی چی دنجات دستری ورځی نمانځه اوپا دونه کوو دوطن نجسی اعلیحضرت محمد نادر شاه روح ته دروداستوو اودافغانستان دسر لوړی اودجمهوری نظام دبقا او پایدیت په لاره کی دهیوادوالو صدقانه کوبینو نه او مشترکسی مساعی ضروری بولو .

بقیه صفحه ۳

ارزش های جهانی

ازیت نمیکم وجز خیر و نیکی کاری را انجام ندمیم این مرد مبارز و کم نظیر شرق از اساسات و تعالیم ارزشمند اسلامی سخت متأثر بود کارنامه او بصورت عمده غالباً برون از جوگات و دایره ارشادات جهانی اسلام نبود و در تمام مبارزات اجتماعی و انسانی اش این فلسفه بنیادی و اصلی آیین اسلام را پیش رو داشت و از آن پیروی بعمل می آورد که: (کلکم ولادم و آدم من تراب) یعنی شما انسا نسا و شما بنی نوع بشر همه زاده آدم هستید و آدم از خا لک بود . ولیز هنگامیکه برای آزاد ساختن افراد بشر از قید امتیازات نژاد و برتری های ناشسی از اعتبارات بی اساس و غیر انسانی کتله های مختلف بشری ، حرفی بمیان می آوردیگانه منبع الهام بخش وی این دستور جهانشمول و انسانی اسلام بود که: (یا ایها الناس انسا

بقیه صفحه ۳۳

قصه کوچک تابستان

باگام های فزاد در دل تار یکی شب پنهان شدو لی بانهم گام هایش حکا یتگر پیروی اش بود . ناو قات شده بود . ولی گمانتی که معمولاً در چنین شبهای گرم بمن دست میداد رخت بر بسته بود مو جای خودرابه لذتی که از آگای سر نوشت دیگران است داد . بهمین سبب در همان آرامش شب بسوی ویلای کار لو تا ، کهزینته های مرمیشتش بداخل آب دریاچه پایین آمده بود ، براه افتادم وروی سنگهای سرد آن نشستم چراغ های بیلا میو ، که لحظه قبل مانندگرم های شب تاب در درخت ، بنظر می آمدانگون روی آب آرام در یساجه آرام گرفته معلوم شده و یکی بدنیا ل دیگر در مضمحل سیاه تا ر یکی پنهان می شد ند ودر

پایین دریاچه آرام ، که مانند نگین انگشتری لشم ودر خشنده معلوم میشد ، قسراو داشت .

چیه های آرام امواج مانند انگشتران - رنگ پریده که کلید رادور بد هد بالای پته های زینته بالا میشد و پایین میرفت .

بلندی بی پایان طاق آسمان ، با هزاران هزار ستاره چشمک زن آفرین بسته شده بود آرامش سنگین غرق شده بود یکی ازین ستارگان این لحظه ویا وقت دیگر نامهان از فرا ختای آسمان بزیبر آمده ودر شب - تابستان ، در تاریکی دره ها ، وادی ها ، کوهها ویا دریا های دور دست معو میشد گویی که بیک نیروی کوره مانند روح تشنه دوژرفنا های سر نوشت های ناپیدا به گاوش می بردازد .

(پایان)

بر فراز دریای آمو

بهموجب این قرار داد پروژه سازی و دیزاین این پل به همکاری اتحاد شوروی در ظرف ۱۷ ماه صورت میگردد .

احداث این پل در امر انکشاف روابط تجارتي و اقتصادی بین جمهوریت افغانستان و اتحاد شوروی اهمیت بسزای کسب خوا هد کرد زیرا فعلا حمل و نقل اموال بین هر دو مملکت از بالای دریای آمو در بنادر افغانی و شوروی بآدو توقف بین دونویت انجام داده میشود که باعث معطلی در حمل و نقل شده واز جانبی هم باعث بلند بردن مصارف ترانسپورتی میگردد .

با اكمال این پل از یکطرف در جهت جلوگیری از مصارف حمل و نقل اموا ل منافی دایر ای جانبین بارخواهد آورد . و از جانبی هم در امر پتتر شدن سرکهای افغانستان برای انتقال اموا ل ترانزیتی کشور های حوزه وارو پا مفید واقع خواهد شد .

یک منبع وزارت فواید عامه گفت این پل دارای بیشتر از ۹۰۰ متر طول خواهد بود که در آن خطوطی هم برای سرک موتر وهم ریل دنظر گرفته شده است .

با ساختمان سیفونهای رود واخل ۱۷ هزار جریب زمین آبیاری میگردد

کار ساختمان سیفونهای بستر رود واخل شیندند هشتاد فیصد پیشرفته است .

شاغلی سید داود والی فراه اخیراً از جریان کار سیفونها که بطول یکصد و هفت متر قطر هشتاد سانتی به کمک مشترک انکشاف دهات و اهالی تحت ساختمان گرفته شده است دیدن نموده و در باره پیشرفت کار با ایمانده با موظفین مذاکره کرد .

یک منبع آن ولایت گفت باتکمیل این سیفونها هفده هزار جریب زمین زراعتی شیندند که از بهر سود آبیاری میگرد ودر اثر سیلا بهای موسمی که از شیشه واخل سراز یس میگردید متاثر می شد مصو ن خواهد ماند .

صفحه ۶۲

گزارش از غزنی

خوانندگان ار جمند ژ وندون اطلاع دارند که بر حسب موافقه ایکه با هیات شرق شناسی «سیمو» ایتالوی بمیان آمده حفر یاتی در تپه سر دار غزنی باز هم ادامه مییابد و آثار باستان چون مقبره بهرام شاه و سلطان مسعود سوم تر میمیشود .

توقع میروند نقشه های عمرانی که از طرف ریاست شهر سا زی برای ولایات طرح شده است هرچه زودتر در غزنی مورد تطبیق قرار گیرد .

از قرار معلوم در پر تو پلا نها و طرح زیری های مترقی که از طرف دولت جمهوری جوان ما بی ریزی شده است ، شهر غزنی اکنون در روند انکشاف و پیشرفت های مثبت از نظر ساختمانی قرار گرفته و مشکلات مختلف که مردم با آن مواجه هستند در آینده مرفوع خواهد شد .

اینست



مسؤل مدیر :
علی محمد «برالی»
 معاون روستا باختری
 مهتم م.ع عثمان زاده
 دمستول مدیر ددفتر تېلفون: ۲۶۸۴۹
 دمستول مدیر دکور تېلفون: ۲۱۹۶۰
 سوچبور د ۲۶۸۵۱
 دمعاون ددفتر ارتباطی تېلفون ۱۰
 دتوزیع او شکایات مدیر یت ارتباطی تېلفون ۵۹
 پته: انصاری واپ
 داسترالک بیه
 په باندنیو هیوادو کښی ۱۵۲۴
 دیوی گڼی بیه ۱۳ افغانی
 په کابل کښی ۱۰۰۰ افغانی

پیام رهبر ملی مابناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم

هموطنان عزیز *

یک جامعه را وقتی سعادت تمند میتوان گفت که عوامل و موجبات بد بختی افراد آن مانند فقر بیماری بیسوادی و امثال آن از بین برود . نظام جمهوری مصمم است در حدود امکان و توان با سهم گیری و همکاری همه جانبه مردم خویش این مشکلات را رفع و این نیاز مندی را بر آورده سازد . یقین دارم مردم ما بادرک این وجیه انسانی درراه

تقویه این موسسه عام المنفعه از هیچگونه کمک و همکاری دریغ نخواهند نمود . سره میاشت که از آغاز تاسیس خود همیشه در مواقع حوادث به مصیبت زدگان رسیدگی و وظایف خویش را انجام داده است نیاز مند کمک و همکاریهای هموطنان گرامی میباشد بناء آرزوی ما اینست که همه خواهران و برادران نه تنها در روزهای هفته مخصوصا صبره میاشت ، بلکه در هر

وقت و هر جا از کمک های مادی و معنوی دریغ نه نمایند تا این موسسه خیریه بتواند بیش از پیش مصدر خدمات ارزنده به جامعه ما و در ساحت بین المللی گردد .

در خاتمه از بار گاه پروردگار توانا برای عموم هموطنان عزیز توفیق میبخشیم تا از راه کمک به این مرکز واحد ملی و بین المللی وظیفه مقدس اسلامی و افغانی و انسانی خویش را در برابر هموطنان مصیبت دیده و هموطنان مستمند خود انجام دهند و همچنین هرفقت کارکنان سرهمیاشت را در وظایفیکه به اقبال جامعه افغانی و جامعه بزرگ بشریت بر عهده دارند خواستارم .

بقیه صفحه ۳ بناغلی رئیس دولت و صدراعظم

تشریف برده و در آنجا زوایاتی را که در ادای نماز با ایشان اشتراک داشتند پذیرفتند و هر یک از آنها مراتب تبریکات شان را به مناسبت حلول این ایام متبرک و خجسته به بناغلی رئیس دولت عرض کردند .

خبر نگاران باختر اطلاع میدهند که هزاران نفر از اهالی شهر و نواحی کابل با شور و شغف زاید الوصفی در مساجد جامع اجتماع نموده و نماز عید را باصفای نیت که زاده طبع مردمان مسلمان ماست اداء کردند .

همچنان مردم دین دوست ما در سراسر کشور نماز عید سعید فطر را در عید گاه ها و مساجد جامع مراکز و ولایات ولسوالی ها و قراء مربوط شان اداء نمودند .

نامه نگاران باختر علاوه میکنند که پس از ادای نماز عید در تمام عیدگاه ها و مساجد علما و خطبا موعظه هائی پیرامون ادای فریضه روزه و ایام متبرک عید ایراد نموده اند . هر چه هزار نفر برای پیشرفت و تعالی کشور در پرتو نظام جمهوری دعا کردند .

معین سیاسی وزارت امور خارجه

بناغلی وحید عبدالله بااعضای کمیته روابط خارجی و کمیته فرعی مجلس نمایندگان امریکا برای جنرل آسیا هم ملاقات کرد .

بناغلی معین سیاسی در دعوت تنها ری اشتراک نمود که از طرف بناغلی انگر سول وکیل وزارت خارجه امریکا به افتخار ایشان داده شده بود و دران یکمده از امور بینوزارت خارجه امریکا بعضی ازاعضای سنا و مجلس نمایندگان آنکشور نیز شرکت داشتند .

بناغلی وحید عبدالله هنگام مسافرت به واشنگتن بناغلی مکنامارا رئیس بانسک جهانی نیز ملاقات نموده روی مسایل مورد علاقه مذاکراتی بعمل آوردند .

بانک نو هزار افغانیگی در چلند قرار میگردد



وزارت مالیه به تعقیب ابلاغیه قبلی خویش به اطلاع عموم هموطنان عزیز میرساند که دافغانستان بانک بر علاوه بانکو تهای صد افغانیگی و بیست افغانیگی جمهوری دیت که بدوران چلند قرار دارد بانکوتون نوع هزار افغانیگی آنرا که از نگاه رنگ و سایر و دیگر مشخصات بابانکوتون های سابقه متفاوت بوده و همین به فوتوی بناغلی رئیس دولت و موسس نظام جمهوری میا شد تهیه و عنقریب بدر پهلوی دیگر بانکو تنها بدو ران چلند میگذارد .

بانکوتون متذکره که در پهلوی دیگر بانکوتونها بدو ران چلند گذارده میشود و عالتا مطابق بانکوتونهای سابقه دارای حکم واحد پولی و عین قدرت و تبادل و اجسرا میباشد .



موضوع جهت آگاهی اطلاع گردید و فوتوی بانکوتون مذکور جهت معلومات بیشتر در جراید کشور نشر میشود .

از هموطنان تقاضا میشود به مقصد عوض نمودن یک نوع نوت به نوع دیگران به بانکها ، شسیری خانکه ها و نمایندگی ها مراجعه فرموده از هر دو نوع نوت جدید و سابق منجبت پول قانونی برای معاملات و داد و ستد استفاده نمایند . دافغانستان بانک نوت جدید را از طریق پرداخت های یومی خویش نظمی به احتیاج و ضرورت به مقدار پول در اقتصاد احساس میگردد بخش توزیع مینماید .



**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**